

صدها پیشگوئی  
تحقق یافتهء قرآنی  
و چند عنصر اعجازی دیگر

از : جمال گنجه ای

## شناسنامه کتاب

نام کتاب : صدها پیشگوئی تحقق یافته قرآنی، و چند عنصر اعجازیِ دیگر

نام مولف : جمال گنجه ای

تاریخ عرضه در فضای مجازی : زمستان ۹۴

[tafsir.jamal-ganjei.com](http://tafsir.jamal-ganjei.com)

[jamalganjei@gmail.com](mailto:jamalganjei@gmail.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

| صفحه | موضوع                                        |
|------|----------------------------------------------|
| ۵    | مقدمه                                        |
| ۷    | انگیزه نگارش این کتاب                        |
| ۱۱   | انواع پیشگوئی های تحقق یافته                 |
| ۲۰   | مطالعه پیشگوئی های تحقق یافته ، سوره به سوره |
| ۱۲۱  | تحلیل                                        |
| ۱۲۲  | فایده این مطالب چیست؟                        |
| ۱۲۳  | اعجاز قرآن چیست و وجوه آن کدام است؟          |
| ۱۲۵  | غلط نشدن هیچ مطلب قرآنی                      |
| ۱۲۷  | عدم اختلاف                                   |
| ۱۳۱  | هدایت کنندگی دائمی بشر                       |

## مقدمه تاریخچه مانند

در سال ۱۳۴۷ که وارد دانشگاه صنعتی شدم جوّ دانشگاه در دست آتئیستها بود، و ویتربینی که ارائه میدادند جذاب و مخالف آموزه هایی بود که من از دین می شناختم. برآیند این وضع با ذهنیات مذهبی سنتی من این بود که تصمیم گرفتم تکلیفم را با خویش روشن کنم .

آنقدر مطالعه داشتم که بدانم این پروسه از راه های فلسفی و یا عرفانی به جایی نمیرسد زیرا فلاسفه دائما سخن یکدیگر را نقض و رد میکنند و تجربه های عرفانی هم قابل انتقال به غیر نیست .

آنقدر زمینه مذهبی داشتم که بدانم مسلمانان اعجاز قرآن را راهی برای کسب اطمینان و دفع شک میدانند و مصمم شدم این راه را بروم و نتیجه را - هرچه شد - بپذیرم .

یکبار با زحمت کل قرآن را با دقت و تائی به کمک مطالعهء همزمان ترجمه های مرحومان ابوالقاسم پاینده و کاظم معزی خواندم و برایم جالب بود که در قرآن چیزهای زیادی دیدم که با پیش زمینه ذهنی امثال من تفاوت آشکار داشت و این مرا مصرّتر کرد، بار دوم یا سوم چنین مطالعه ای بود که تصدیق کردم قرآن بالاتر است از اینکه بتواند کار بشر باشد و در این تقریبا سه بار مطالعه دقیق قرآن یک چیز توجه مرا به خود جلب کرد و آنهم زیادی تعداد پیشگویی های قرآنی بود که درست در آمده بود.

و از آن پس بود که دیگر قرآن برایم به عنوان «تنها منبع مطلقا حق» تلقی شد و همه چیزهای دیگر به عنوان «منابعی که باید با قرآن چک شوند» درآمد، و از آن به

بعد دیگر قرآن از دستم نیافتاد، شروع میکردم، ادامه میدادم، به آخرش میرسیدم، و باز هم از اول شروع میکردم.

یادم می آید چند ماه قبل با یکی از دوستان که خودش دستی بلند در اموری که آن را دینی مینامند دارد، گفتگویی داشتم و میگفتم تقریباً ۱۲۰۰ سال است که سیره ابن هشام مآخذ کسانی است که میخواهند چیزی در باره تاریخ آن ۲۳ سال نزول وحی بنویسند، در حالیکه بسیار از آن لحاظ فقیر است و بهتر است مطالبی که ناظر به آن دوره خاص است از خود قرآن استخراج شود.

واکنش آن دوستم این بود که «آخه قرآن که مطلب تاریخی نداره» هرکس دیگری که چنین نظری بیان میکرد موجب تعجبم نمیشد ولی از او انتظار نداشتم.

حقیقت این است که دوستم در این نظر تنها نیست و کلیه علماء و فضلاء برهه های طولانی زمانی از سیره ابن هشام تاکنون که بالغ بر تقریباً ۱۲۰۰ سال است، و چنین منبع تاریخی را بوجود نیاورده اند، با او همنظر بوده اند.

چون زمینه را خالی دیدم، چنین «تاریخ»ی را به وجود آوردم که فقط مستند به قرآن است و هم اکنون در سایتی که در ابتدا و انتهای کتاب معرفی شده موجود و در دسترس است و دوستم وقتی که کتاب مذکور را دید و چند صفحه ای خواند اولین چیزی که گفت این بود که نمیدانسته از قرآن اینقدر اطلاعات تاریخی در باره آن دوره ۲۳ ساله قابل استخراج است، به او گفتم: تازه روش اختصار را در پیش گرفته ام و گرنه شاید به سه برابر حجم فعلی خویش بالغ میشد.

هنگامیکه میخواستم این کتاب را شروع کنم، همان دوستم گفت ایندفعه چیزی نمیگویم زیرا با توجه به خطای قبلی مطمئن هستم که پیشگویی های تحقق یافته قرآن خیلی بیشتر از آن است که تصور میکنم و فقط امیدوارم این کتاب بزودی تمام شود و بتوانم آن را ببینم و بخوانم و از آن استفاده و لذت ببرم .

## انگیزه نگارش این کتاب

این نگارنده در چند گروه تلگرامی با موضوع قرآنی عضو می‌باشد و از این طریق در معرض اطلاع از کثرت بحث‌ها و سخنرانی‌ها و ارائه پایان نامه‌ها و جلسات سخنرانی با زمینه «قرآن معجزه نیست» قرار گرفته است!

در میان این خیل ارائه کنندگان این قبیل بحث‌ها همه نوع شخصی دیده می‌شود، از اشخاص صاحب نام و صاحب کرسی استادی گرفته تا کسانی که بوی شیر از دهانشان می‌آید، و همین نشان می‌دهد که این گفتمان یک بیماری اپیدمیک است که باید فکری به حالش بشود، و چیزی که از این نگارنده بر می‌آید این است که یکی از ده‌ها وجه شناخته شده اعجاز قرآنی را که قابل ان قلت و انکار نباشد بطور مبسوط مطرح نماید، تا آن، ضمن اینکه بطور مستقل هدف مذکور را حاصل کند، بطور غیر مستقیم کسانی را وادارد تا آنها به تالیف آثار دیگری در زمینه سایر مولفه‌های مقوله اعجاز قرآن بپردازند، بطوریکه مآلاً در طول مدتی معقول، کتابهایی مبسوط و مشروح در زمینه همه مولفه‌های مذکور فراهم آید.

این نگارنده مولفه «پیشگوئی‌های تحقق یافته» را که تهیه اش را آسان می‌بیند و هیچ‌ان قلت و انکاری را هم بر نمی‌تابد به عنوان سهم خویش و اولین کتاب در این باب شروع می‌کند و امید دارد سایر صاحبان بضاعت علمی، تالیف کتابهایی را وجهه همت خویش قرار دهند که هم از لحاظ موضوع، در ابواب متفاوت، و تکمیل کننده مطالب زمین مانده بوده، و هم، چنان از لحاظ ارائه و استشهداد و استناد و استدلال قوی باشند که مجموعاً بتوانند این اپیدمی را درمان کنند.

چون این نگارنده در این کتاب موضوع «پیشگوئی‌های تحقق یافته» را سهم خویش قرار داده، در ابتدا لازم است اندکی در باره پیشگوئی‌های مندرج در قرآن کریم شرح مختصری عرض شود:

## انواع پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی

هر قدر که به قوانین حاکم بر جهان آشناتر باشیم، می توانیم پیش بینی های درست تری از حوادث آینده داشته باشیم.

مثلاً با تکیه بر دستاوردهای علمی نجومی می توانیم با دقت خیلی زیاد خسوف و کسوف از حالا تا حتی ده هزار سال آینده را با دقتی در حد ثانیه زمان وقوع، پیشگوئی کنیم و درست هم در بیاید.

هر قدر که علم ما دقیق تر باشد، پیش بینی ما نیز دقیق تر خواهد بود.

در مورد حوادث اجتماعی و سیاسی و تاریخی نیز همینطور است.

جامعه بشری هم قوانینی دارد،

هر چند که علم ما نسبت به آن بهتر و دقیق تر باشد، می توانیم پیشگوئی های درست تری داشته باشیم.

البته کشف قوانین مکانیک و نجوم از قوانین مربوط به چیزی که موضوع علوم انسانی نامیده میشود، بسیار آسان تر است.

مثلاً میتوانیم با دقت زیاد حتمیت وقوع برخی حوادث نجومی را پیشگوئی کنیم، اما، نمیتوانیم با همان درجه دقت، حتمیت وقوع یک حادثه اجتماعی و یا سیاسی را قبل از وقوع آن پیشگوئی بنمائیم.

پیشگوئی ظهور و یا سقوط حکومت ها و تعیین طرف پیروز یک جنگ-اگر نگوئیم ناممکن-لا اقل میتوانیم بگوئیم بسیار مشکل است.

در زمان ما دو واقعه مهم اتفاق افتاد. یکی وقوع انقلاب در ایران (۱۳۵۷) و دیگری فروپاشی ابرقدرت شوروی (۱۹۹۰) بود.

این دو واقعه خیلی به این زمان (۱۳۹۴) نزدیک است. یکی حدود سی و هفت سال قبل از آن است و دیگری حدود بیست و شش سال. این دو واقعه آنقدر به زمان ما نزدیک است که میلیون‌ها نفر می‌توانند حوادث و اظهارنظرهای مربوط به ماه‌ها و حتی روزهای قبل از وقوع قطعی آن‌ها را به یاد بیاورند. اشخاص هستند و از آن مهم‌تر، روزنامه‌های آن روزها و نیز نوارها و لوح‌های فشرده اخبار رادیو-تلویزیونی آن روزها هم موجود است.

اگر به خاطرات اشخاص یا روزنامه‌ها مراجعه شود، به وضوح معلوم خواهد شد حتی عقل عقلاً نیز پیشگویی صریحی نکرده‌اند که این دو واقعه وقوع خواهد یافت. البته اظهارنظرهای کلی و پیشگویی‌های غیردقیق وجود داشت. مثلاً اینکه حکومت شاه به این صورت که هست نمی‌تواند ادامه یابد و در آینده شاهد تغییراتی خواهد بود. یا اینکه حکومت شوروی برای ادامه حیات خود نیاز به اصلاحات جدی دارد و به این صورت که هست، نمی‌تواند بعنوان یک ابرقدرت در صحنه جهانی وجود داشته باشد. اما کسی یک سال قبل از وقوع انقلاب در ایران پیشگویی وقوع آن را (که یکسال دیگر حکومت شاه ساقط خواهد شد) نکرده و همچنین است راجع به فروپاشی شوروی. اگر کسی پیدا بشود و این قبیل پیشگویی‌هایی کند و پیشگویی‌هایش درست هم در بیاید، او باید به یک منبع علمی غیر از علوم‌ی که بشر در دست دارد دسترسی داشته باشد.

همچنین پیشگویی‌های کلی بلندمدت در مورد جوامع بشری آسان‌تر است از پیشگویی‌های کوتاه‌مدت. بطوری که حتی می‌توان گفت پیشگویی‌های کوتاه‌مدت یعنی پیشگویی‌های حوادثی که ظرف چند روز و یا چند هفته و یا چند ماه و یا چند سال آینده رخ خواهد داد فعلاً غیرممکن است.

و آدم عاقل در صورتیکه بخواهد راجع به حوادث کوتاه‌مدت آینده صحبت کند، کلماتی مانند «احتمالاً» و «شاید» و «ممکن است» را بکار خواهد برد و پیشگویی قطعی و

حتمی نخواهد کرد.

در قرآن پیشگوئی‌های زیادی راجع به حوادث آینده وجود دارد که در آن، چه حوادث بلند مدت و چه حوادث کوتاه مدت پیشگوئی شده و همه هم درست در آمده و حتی یک مورد هم خطا نداشته است.

از آن مشکلاتر، «پیشگوئی‌های کِشدار» است.

مثلاً اینکه پیشگوئی شود فلان جریان یا فلان مکتب از بین نخواهد رفت.

آن جریان و آن مکتب در بین مردم وجود دارد و مخالفانِ کسی که این پیشگوئی را کرده نیز وجود دارند و هر روز مترصد این هستند که ببینند آن جریان و آن مکتب کی از بین می‌رود و هر روز و هر هفته و هر ماه و هر سال که بگذرد و آن جریان و یا آن مکتب هنوز از بین نرفته باشد، دلیل تازه‌ای است بر صدق ادعای آن پیشگو.

خلاصه اینکه سخت‌ترین پیشگوئی‌ها آنهایی است که در حوزه مسائل اجتماعی و تاریخی صورت گیرد و از میان آنها، سخت‌ترین آنها، «پیشگوئی‌های کِشدار» است و پس از آن، سخت‌ترین پیشگوئی‌ها، پیشگوئی‌های بسیار کوتاه‌مدت (در حد چند ماه) است و پس از آن، سخت‌ترین پیشگوئی‌ها، آنهایی است که بخواهد وقایع آینده را در حد چند سال آینده پیشگوئی کند.

**جالب است بدانیم که قرآن کریم در همه این سطوح پیشگوئی‌هایی نموده و همگی آنها درست در آمده است.**

ذیلاً پیشگوئی‌های مربوط به جوامع انسانی را به ترتیب مشکل بودن لیست می‌نماییم، ضمن اینکه مقدمات نمونه‌هایی از این انواع متنوع را بطور اشاره نقل خواهیم کرد.

در هر حال ذکر این نکته لازم است که هیچ کتابی که توسط بشر نگاشته شده باشد، وجود ندارد که در آن، اینهمه انواع متنوع پیشگوئی شده باشد و همه‌اش هم درست در آمده باشد، و از این لحاظ، هیچ کتابی با قرآن کریم حتی با فاصله بسیار زیاد نیز

قابل مقایسه نمی‌باشد. و این ، یکی از قویترین دلایل اعجاز قرآن است.

## ۴

نمونه های اشاره ای برخی از انواع پیشگوئی های تحقق یافته

۱ - پیشگوئی های کشار

۲ - پیشگوئی هایی که پس از مدت خیلی کوتاهی به تحقق پیوست

۳ - پیشگوئی هایی که پس از هزار و چند صد سال به تحقق رسید

### ۱ - پیشگوئی های کشار

(سخت ترین نوع پیشگوئی)

تحدی های قرآنی :

در آیه ۸۸ سوره اسراء چنین گفته شده که اگر تمام جن و انس اجتماع کنند که مانند قرآن را بیاورند نخواهند توانست، در آیه های ۱۲ تا ۱۴ سوره هود، همین مطلب را با تخفیف مطلب به ده سوره، در خطاب به تکذیبگران، مجدداً، خاطرنشان نموده است، در آیه ۳۸ سوره یونس همین پیشگوئی را بازهم تخفیف داده و به یک سوره موکول کرده است، در آیه ۲۳ سوره بقره، باز هم بر همان تخفیف پای فشرده و آن را علاوه بر اینکه به یک سوره رسانده، اضافه کرده که «اگر این کار را نکردید، که هرگز هم نخواهید کرد، پس، (از قیامت و نتیجه تکذیب این رسول برحذر باشید) . . .»

اسلام همیشه دشمنان قوی داشته، و جنگهای تحمیلی سهمگینی را با آنان تجربه کرده، که به عنوان نمونه میتوان از جنگهای صلیبی نام برد. هم اکنون نیز یهودیان به نمایندگی اسرائیل در همه ابعاد با مسلمانان در جنگ است بطوریکه سرزمین شان را اشغال کرده و در جنگ های متعددی با آنان رویارویی دارد و جوانان و پیران و زنان و

کودکان آنها را میکشد و برای اینکه آنان را با خودهاشان درگیر و مشغول داشته باشد امثال داعش و... را میسازد و در سایت های اینترنتی بطور مستمر مطالب ضد قرآنی تولید و منتشر میکند و...

علی الظاهر چنین به نظر می آید که تولید یک سوره، ولو کوتاه، مانند سوره های قرآن، خیلی آسان تر باشد از خرج هزینه های سنگین راه اندازی چنان جنگ های سهمگینی که بالاخره برای خود راه اندازان آنها نیز خسارات جبران ناپذیر نیروی انسانی و مالی و اجتماعی و سیاسی در بر دارد، اما، همینکه این کار در این بیش از چهارده قرن انجام نشده، دلیلی است بر اینکه نشدنی است.

این پیشگوئی قرآن از نوع **پیشگوئی های کشار** است که بیش از ۱۴۰۰ سال است که درستی آن کش آمده و هنوز هم ادامه دارد.

این میدان هنوز باز است، و دشمنان اسلام نیز هستند، و بسیار قوی هم میباشند، و قرآن هم گفته «ولن تغفلوا...» (هرگز نخواهید توانست انجامش دهید) لذا، هر روز که بگذرد و دشمنان قوی اسلام نتوانند به آوردن یک سوره که با سوره های قرآن برابری کند اقدام کنند، عملاً اعتراف دارند که قرآن پیشگویی نموده که از وراء ۱۴۰۰ سال تاکنون به تحقق پیوسته، و از این لحاظ، از هر تولید فکری بشری بالاتر بوده و معجزه ای الهی است.

### حفاظت از قرآن:

در آیه ۹ سوره حجر پیشگویی نموده که خداوند قرآن را حفظ خواهد کرد. فعلاً که بیش از ۱۴۰۰ سال است این پیشگویی درست در آمده، و تا وقتی که قرآن وجود دارد، هر روزی که بگذرد و قرآن وجود و اعتبار خویش را همچنان داشته باشد، و به آن ادامه دهد، تحقق پیشگویی موجود در آیه فوق نیز، دائماً تازه و تازه تر می گردد. این پیشگویی نیز از نوع پیشگویی های کشار است و هر روز که بگذرد و این پیشگویی کماکان درست در بیاید برگی به کتاب پربرگ معجزه های قرآنی افزوده خواهد شد و

فاصله قرآن از تولیدات بشری بیشتر شده و الهی بودن قرآن بیشتر آشکار خواهد گردید.

### وضع یهودیان در مقابل مسیحیان :

در آیه ۵۵ سوره آل عمران پیشگوئی فرموده که مسیحیان تا روز قیامت بر یهودیان غالب خواهند بود، این هم از نوع پیشگوئیهای کشار است، و میدانیم تا کنون چنین بوده، و پیش بینی عقلاء نیز این است که از این پس نیز چنین خواهد بود.

## ۲ - پیشگوئی هایی مربوط به بازه زمانی خیلی کوتاه مدت

### سخت ترین پیشگوئی ، بعد از پیشگوئی های کشار)

#### پیشگوئی در حد چند روز :

در آیه ۶۷ سوره مائده پیشگوئی نموده که خداوند پیامبر (ص) را از توطئه های منافقان حفظ خواهد کرد،

آیه فوق بسیار معروف است و همان آیه ای است که برحسب قوی ترین روایات اعم از شیعه و سنی، موضوع آن مربوط به نصب امیرالمؤمنین(ع) به خلافت پس از پیامبر(ص) می باشد. اما در اینجا تکیه ما روی جمله «... و خداوند تو را از مردم حفظ می کند...» (والله یعصمک من الناس) است.

از متن جمله فهمیده می شود که پیامبر (ص) در معرض سوء قصد بوده، تا آنجا که مصمم به کشتن او هم شده بودند.

بالاخره روز غدیر خم فرا رسید و پیامبر(ص) امیرالمؤمنین را به دستور خداوند نصب کرد و اتفاقی هم نیفتاد و این پیشگوئی قرآنی ظرف چند روز تحقق یافت.

#### پیشگوئی در حد دو-سه هفته :

در سوره نصر پیشگوئی نموده که مردم فوج فوج داخل دین اسلام خواهند شد، و درست مدت کوتاهی پس از نزول این سوره واقعه فتح مکه اتفاق افتاد که طی آن کل

اهالی مکه به اسلام داخل شده و عبادت بت ها را ترک کردند.

### پیشگوئی در حد دو-سه ماه :

در آیه ۳ سوره فتح میفرماید : و به یاری که از آن بالاتر نباشد یاریت کند.

چنانکه میدانیم ظهور این پیشگوئی در روز فتح مکه بود که هنوز زمان زیادی از نزول این سوره نگذشته بود.

در آیه ۲۷ میفرماید : البته خداوند خواب رسولش را راست آورد که اگر خدا بخواهد با ایمنی وارد مسجد الحرام خواهید شد بدون اینکه ترسی داشته باشید، سرتان را خواهید تراشید و موهایتان را کوتاه خواهید کرد ...

مسلمانان در سال های طولانی از سوی مشرکان مکه ممنوع الحج بودند و در حالیکه کفار و مشرکین از همه جای نقاط دور و نزدیک از شام و یمن گرفته تا عراق و طائف و کجا و کجا به عادت می داشتند به زیارت کعبه و مسجدالحرام می رفتند، مسلمانان که پیغمبر خدا نیز در میانشان بود به علت منع مشرکان مکه نمی توانستند حج کنند. تصور بفرمائید که نزول این آیات چه شور و شوقی در میان آنان افکند! همچنین تصور بفرمائید چه صبر و انتظاری در میان دشمنان اسلام ایجاد کرد. منافقان که در صفوف مسلمانان بودند و یهودیان نیز که همسایه آنها بودند چگونه مترصد بودند که آیا واقعاً این ادعا به حقیقت خواهد پیوست؟

البته آنچه بعداً اتفاق افتاد معلوم است. و ما باید این مورد را هم به پیشگوئی های تحقق یافته قرآن، در مدتی بسیار کوتاه (که با توجه به ادله تاریخی بیش از چند ماه نبود) اضافه کنیم.

### پیشگوئی چهار ماه :

در آیه ۲ سوره توبه خطاب به مشرکان فرموده پس چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که نمیتوانید خدا را عاجز کنید و خداوند خوار کننده کافران است.

موضوع فوق مربوط به فتح مکه و «اعلامیه بیزاری» در سوره توبه است. و منظور ما از آیه ۲ عبارت «چهار ماه» است که پس از فتح مکه صادر و «چهار ماه» برای مشرکان مهلت قائل شد.

از آنجا که این ضرب‌الاجل درست در آمد و نهضت اسلام در خلال آن مدت مضمحل نگردید و از بین نرفت و برعکس، مشرکان دست از شرک کشیدند، این آیه نیز در عداد معجزات و وعده‌های تحقق‌یافته بسیار کوتاه مدت قرآنی قرار گرفت.

### پیشگویی کمتر از یکسال :

در آیه های ۱ و ۷ سوره ممتحنه پیشگویی هست که نشان میدهد برخی از مسلمانان مهاجر برای اینکه ضرری متوجه خانواده هایشان که هنوز موفق به هجرت نشده بودند نشود، روابط صمیمانه ای را با مخالفان آنحضرت حفظ کرده بودند که در این آیه بشدت منع میشوند و در این منع این پیشگویی هست که بزودی اوضاع در جهت مطلوبتان عوض خواهد شد، تحقق یافتن این پیشگویی نیز در حد چند ماه بود.

### پیشگویی سه سال بعد :

در آیه ۱۱ سوره عنکبوت با ذکر کلمه منافقین بطور روشن به مسلمانان وعده پیروزی داده، و این (با توجه به ترتیب نزول سوره ها) اولین بار است که این کلمه در قرآن استفاده میشود و معنی آن این است که در تاریخ نزول این سوره (که سال دوم قبل از هجرت باشد) عده ای بدون اینکه معتقد به پیامهای آنحضرت باشند به آن گرویدند، و این به این علت بود که آنها در این نهضت «آینده»ای میدیدند و برای خویش از نمد این آینده کلاهی میخواستند، و چنین نیز شد .

### پیشگویی کمتر از ده سال :

۱ - در آیات ۲ تا ۴ سوره روم : اعلام پیروزی رم بر ایرانیان را نموده و سپس پیشگویی نموده که آنها «فی بضع سنین» (در سالهایی اندک) بر خصم خویش پیروز میگرددند، و البته چنین هم شد.

۲ - در آیه ۹ سوره صف میفرماید: اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها غالب گرداند، گرچه مشرکان بدشان بیاید.  
هنوز پیامبر(ص) وفات نیافته بود که تمام مناطق مشرک‌نشین جغرافیای آن روز اعراب، به اسلام گرویدند و آن حضرت خودشان تحقق فاز اول این پیشگویی را دیدند.

### ۳ - پیشگویی های تحقق یافته پس از هزار و چند صد سال

۱ - در آیه های ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره بقره حکم تغییر قبله نازل شده است ، بطوریکه آنحضرت که در نماز بودند به دستور وحی تقریباً ۱۸۰ درجه تغییر جهت دادند و از بطرف بیت المقدس به طرف کعبه قرار گرفتند.  
طبیعی است مسلمانان این خط را از وحی میدانستند و تبعیت میکردند، اما ریاضی دانان مسلمان این خط را از لحاظ ریاضیاتی که فراگرفته بودند درست نمیدانستند و میگفتند ما به امر وحی عمل میکنیم اما به استناد ریاضی ای که میدانیم به اندازه چند دقیقه در درستی آن اشکال داریم.  
تا اینکه در اوایل قرن بیستم یک ریاضی دان مسلمان بنام سردار کابلی طی محاسباتی که کرد درستی خط کشیده شده از مسجد ذوقبلتین را اثبات کرد که جریان این امر در روزنامه های آن روزها درج و خودش هم جایزه ای از پادشاه عربستان گرفت، و کسانی که طالب جزئیات هستند میتوانند با این سرنخی که عرض کرده ایم با جستجوی اینترنتی کم و کیف مطلب را دریابند.  
البته امروز که عکسبرداری هوایی نیز وجود دارد ادعای سردار کابلی عملاً اثبات شده است.

وحی چیزی را در بیش از چارده قرن پیش گفته، و درستی آن نزدیک به سیزده قرن بعد به اثبات قطعی رسیده است!

۲ - در آیه ۵ سوره قصص فرموده «و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و

نجلهم ائمه...» (و چنین اراده کرده ایم که بر کسانی که در روی زمین ضعیف نگه داشته شده اند برکت داده و آنها را پیشوایان قرار دهیم...)

بدون تردید و تجمیع «کسانی که در روی زمین ضعیف نگهداشته شده اند» کسانی میباشند که ما آنها را «مردم عادی» مینامیم و جادارد وضع امروزی آنها را بررسی کنیم:

امروز چنین است که صاحبان سرمایه های بزرگ مالی سعی زیاد میکنند که توجه مردم عادی را به تولیدات خویش جلب نموده و آنها را در زمره خریداران محصولات خویش درآورند، و در این راه به همه نوع ترفندی، حتی دروغ و تقلب و وعده پوچ و توخالی و چه و چه متوسل میشوند، و همزمان احزاب سیاسی بزرگ سعی میکنند آنها را در زمره هواداران خویش، و صاحبان افکار و اندیشه سعی میکنند آنها را در زمره پیروان خویش و صاحبان کمپانی های فیلمسازی سعی میکنند آنها را در ردیف تماشاچی های خویش، و صاحبان... سعی میکنند آنها را در زمره... خویش درآورند و همه آنها در رقابت با یکدیگر به همه آن روش های ناسالم از قبیل دروغ و کلک و وعده توخالی و کلاهبرداری و چه و چه می پردازند.

هرچه از امروز به عقب برویم این پدیده را کمرنگ تر می بینیم، بطوری که از دو قرن به قبل، این جریان را - هرچه در زمان به عقب تر برویم - کمرنگ و کمرنگتر می یابیم.

این جریان، اکنون، بجائی رسیده که یکی با استفاده از انواع رسانه های بیشمار سعی میکند به شخص عادی دروغ بگوید و رای سیاسی او را بدست آورد و دیگری تلاش میکند با انواع تبلیغات خرید او را و دیگری و دیگری و دیگری کوشش میکند به او دروغ بگوید و پیروی او را و علاقه و توجه او را و تحسین او را کسب کنند.

این چیزی است که هرکس تجربه ای از آن دارد و ماحصل مجموع این تلاش ها از سوی نخبگان جوامع این است که مدعن و معترف به «ارباب»ی شخص عادی شده اند.

کل این جریان که روز بروز قوی تر میشود، «جدید» است و تاریخی کمتر از دویست سال دارد، و پیشگویی که قرآن از این امر نموده مسبوق به هزار و چهار صد سال قبل

است.

۳ - قرآن در آیه ۱۳ سوره حجرات میفرماید: ای مردم! شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم، و به صورت تیره های بزرگ و تیره های کوچک فراتان دادیم تا از یکدیگر شناخته شوید. البته گرامیترین شما از نظر خداوند با تقواترین شماست. به عبارت دیگر این آیه میگوید ملاک برتری هرکس بر دیگری چیزی است که در قیامت ارزیابی میشود و اینکه در حیات این دنیا کسی بر کسی دیگر برتری ندارد. امروز، ما، چنان به دموکراسی و حقوق بشر و حقوق زن و حقوق کودک و سایر «حقوق»ها عادت کرده ایم که تصور زندگی در این دنیا بدون آنها مشکل است. این چیزی که اینقدر در زندگی همگان رسوخ دارد که تصور نبود آن آسان نیست، چیزی است که در تاریخ بشر «جدید» است، و هر چه در زمان به عقب برویم آن را کمرنگ و گمرنگ تر می‌بابیم. قرآن این پدیده جاافتاده و عادت شده را در آیه ای که فوقا ذکر کرده ایم در چارده قرن قبل پیشگوئی نموده است.

#### ۴ - سایر پیشگوئی ها

این پیشگوئی هایی که تا اینجا دیده اید «از باب نمونه» بوده و در متن کتاب موارد زیادی از هریک از نمونه ها را خواهید دید، و اگر احتراز از زیاده گوئی مانع نبود، این مقدمه میتواندست بسیار طولانی گردد.

## ۵

### روش کار این کتاب

طرز کار ما آسان و شبیه کتاب «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» از همین قلم است، در آنجا قرآن را به ترتیب نزول خواندیم و هر جا که مطلب و قرینه ای

دیدیم که ما را قادر میکرد در باره اوضاع و احوال آن روز ها حدس هایی بزنیم آن را نوشتیم و اینجا هم هر جا که یک وعده محقق شده دیدیم می نویسیم، همانطور که ذیلا می بینید :

## مشروح مواردِ پیشگوئی های تحقق یافته در سوره ها (به ترتیب نزول ، و فارغ از درجه بندی آنها)

### سوره ضحی

در آیه های ۴ و ۵ صریحا به آنحضرت وعده میدهد که وضع آینده ات بهتر از وضعی خواهد بود که شروع کرده ای و خداوند بزودی عطائی خواهد نمود که موجب رضایت خواهد گردید.

چنانکه همگان میدانند با بالا گرفتن کار آنحضرت و بلند آوازه شدن موضوع دعوتش تدریجا این وعده تحقق یافت و تا پایان عمر شریفش ادامه داشت.

### سوره انشراح

در آیه های ۵ و ۶ به آنحضرت دلداری میدهد که درست است که کارت سخت به نظر می آید ولی در بطن این سختی آسانی نهفته است.  
چنانکه دیده شد این وعده در تمام مدت رسالت آنحضرت دائما تحقق می یافت و کار آنحضرت دائما رو به آسانی پیش میرفت .

### سوره لیل

بزودی بر تو میخوانیم و فراموش نخواهی کرد (۶) مگر آنچه را که خدا بخواهد که او به آشکار و نهان داناست (۷) و آسانی را برایت فراهم خواهیم کرد (۸)  
وقوع مطلب هر دو پیشگوئی مطرح شده در آیه های ۶ و ۸ واضح است و نیاز به شرح و بسط ویژه ای ندارد.

### سوره شمس

قسم به خورشید و نور پراکنی اش (۱) و قسم به ماه هنگامیکه آنرا دنبال می- کند (۲)

در آیه‌های فوق در عبارت «دنباله‌روی‌اش» که در مورد ماه در رابطه با خورشید ذکر شده، دو نکته دیده می‌شود: یکی اینکه عملاً می‌بینیم ماه «دنبال» خورشید ظاهر می‌شود، دیگر اینکه اگر به معنی ریشه کلمه عربی آن یعنی «تلاوت» توجه کنیم، خواهیم دید هم معنی با «خواندن» است.

در مفهوم «خواندن» هم این نکته هست که خواننده، چیزی را «دنبال می‌کند» و «می‌گیرد» و «جذب می‌کند»

با این توضیحات، در قرآن، در بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، در رابطه با ماه، این نکته به صراحت ذکر شده که ماه در مورد چیزی که از خورشید می‌گیرد «دنباله‌رو» آن است. و این چیز است که بعدها فیزیکدان‌ها و علمای نجوم به آن رسیدند و گفتند نور خورشید از خودش است (منیر است) و نور ماه از خورشید است (مستنیر است)

### سوره طارق

در آیه‌های ۱۵ تا ۱۷ به آنحضرت وعده میدهد که توطئه‌های مخالفانش به جایی نخواهد رسید و چندان طول نخواهد که آنحضرت موفق خواهد شد. چنانکه از تاریخ اسلام واضح است این پیشگوئی محقق گشت.

### سوره علق

در آیه‌های ۱۵ تا ۱۷ می‌فرماید: نه! (چنین نپندارند) در صورتیکه بس نکنند حتماً موی پیشانی‌شان را گرفته و میکشیم (۱۵) پیشانی دروغگوی خطاکارشان را (۱۶) پس آنان هم میباید همگنان خویش را بخوانند (۱۷)

با توجه به آیات قبل، در این آیات به کافران هشدار می‌دهد که یا دست از آن کارهایشان بکشند یا با آنها برخورد خواهد شد. برخوردی شدید. در آن برخورد، آنها برنده نخواهند بود. حتی اگر از تمام امکانات خود نیز استفاده کنند.

در این آیات پیشگوئی لطیفی در خصوص پیروزی نهائی نهضت پیامبر(ص) و شکست مخالفان اسلام هست که چنانکه می‌دانیم حوادث تاریخی در جهت تحقق آن بوده و این پیشگوئی تحقق یافته است. نکته لطیف این است که سوره علق جزء اولین سوره‌های نازل می‌باشد و پیامبر و پیروان او بسیار کم و بسیار ضعیف بودند و این پیشگوئی در چنان شرایطی صورت گرفته است.

### سوره قریش

در آیه ۳ پیشگوئی دارد که این مردم مکه که مهمترین طایفه شان قریشی ها بودند، می باید خدایی را که پیامبر! به سوی او دعوت میکند پرستش کنند و چنانکه میدانیم این پیشگوئی به تحقق پیوست.

### سوره تکوین

در آیه های ۳ و ۴ وعده میدهد که «بزودی» علم خواهند یافت (که روش های کودکانه ناپسندی را پی گرفته اند) و این پیشگوئی تحقق یافت. چنانکه میدانیم، این «بزودی» در روز فتح مکه تحقق یافت و «علم»ی که در آیه به آن اشاره شده، «علم حاصل از ایمان» است. البته برخی مفسران این قید زمان را به زمان پس از مرگ تفسیر کرده اند که البته به

نظر این قلم خطا است و ما در تفسیر خویش به آن پرداخته ایم ولی در اینجا به آن نمی پردازیم .

### سوره فجر

در پاراگرافِ حاوی آیات ۶ تا ۱۴ به آنحضرت دلداری داده و تلویحا شکست مخالفانش و موفقیتِ او را پیشگوئی میکند. چنانکه میدانیم این پیشگوئی محقق شد.

### سوره نجم

شبیه به آنچه که در سوره فجر عرض کردیم در آیه های ۲۹ و ۳۰ سوره نجم نیز هست.

باز هم شبیه به آنچه قبلا عرض کردیم در آیه های ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ (با پشتیبانی آیات ۳۶ تا ۵۶) دیده میشود.

### سوره کافرون

بگو هان ای کافران! (۱) عبادت نمی کنم آنچه را عبادت می کنید (۲) و شما نیز عبادت کننده آنچه من عبادت می کنم نیستید (۳) و من هم عبادت کننده آنچه شما عبادت می کنید نیستم (۴) و شما نیز عبادت کننده آنچه من عبادت می کنم نیستید (۵) دین شما برای خودتان باشد و دین من هم برای خودم (۶)

محکمی لحن، و تحقیری که در بطن این نوع خطاب به کافران نهفته است، نشان دهنده این است که گوینده این سخنان (خداوند) به آینده بهتری مطمئن بوده که این قدر متین و محکم و روشن و صریح اعلام موضع نموده و چون واقعیات آینده نیز حکایت از تحقق موارد آن داشته، لذا کل این سوره نیز در عداد پیشگوئی های تحقق یافته است.

### سوره اعلی

در آیه ۶ به آنحضرت وعده میدهد که نزول وحی را بر او ادامه خواهد داد و او آن را فراموش نخواهد کرد .

در آیه ۸ به آنحضرت وعده میدهد که انجام رسالتش به آسانی برایش میسر خواهد گردید.

هر دوی این پیشگوئی ها تحقق یافت .

### سوره مزمل

و مرا با تکذیبگران صاحب نعمت واگذار و اندکی به آنان مهلت ده (۱۱)  
در آیه فوق به پیامبر این نوید را می دهد که «پس از مهلت کمی» این «مکذبان صاحب نعمت» در همین دنیا جریمه خواهند شد یعنی یا هلاک خواهند شد یا شکست خواهند خورد یا نعمتشان را از دست می دهند و خلاصه به وضعی می افتند که دیگر این اثر فعلی را نخواهند داشت.  
چنانکه واقعیت های تاریخی نشان می دهد، این پیشگوئی تحقق یافت .

در آیه ۲۰ این سوره وعده های خیلی دلگرم کننده ای به آنحضرت میدهد، مثلاً اینکه:

- ۱- وحی قرآن بر تو تکمیل خواهد شد
  - ۲- وضع مادی پیروانت خوب خواهد شد
  - ۳- موقعیت پیروانت از ضعف به قوت ارتقاء خواهد یافت
- چنانکه میدانیم همه این پیشگوئی ها به تحقق پیوست.

### سوره قلم

و تو شخصیتی عظیم داری (۴) پس به زودی خواهی دید و آنها نیز خواهند دید (۵) که کدامتان مفتون میباشید (۶)  
تحقق یافتن پیشگوئی «و آنها نیز خواهند دید» واضح است .

در آیه ۱۶ پیش گویی نموده که فعالان مخالف آنحضرت بشدت مغلوب خواهند شد .

همچنین در آیه های ۴۴ و ۴۵ خداوند به آنحضرت قول حمایت داده،

نیز در آیه ۵۲ وعده جهانی شدن دعوتش را داده است.  
هر سه این پیشگوئی ها محقق شده است.

### سوره غاشیه

در آیه های ۲۱ و ۲۲ به آنحضرت وعده حمایت داده و ضمناً برای روش کارش نیز حدودی را تعریف فرموده است و این یک پیشگوئی تلویحی است که نوید موفق شدن آنحضرت را داده و واضح است که محقق هم شده است .

### سوره نباء

نه! بزودی خواهند دانست (۴) باز هم نه! بزودی خواهند دانست (۵)  
دو بار تأکید بر اینکه «بزودی خواهند دانست» با توجه به متن عربی «سيعلمون» چنین معنی می دهد که «بزودی علم پیدا خواهند کرد»

با توجه به آیات بعد، معلوم می‌شود موضوع راجع به قیامت و آخرت است. بطوریکه می‌دانیم چند سالی نگذشت که عقیده به قیامت در ذهن عموم آن مردم و سپس در مدتی کوتاه در ذهن میلیون‌ها نفر دیگر، رسوخ پیدا کرد و لذا این دو آیه نیز جزء پیشگوئی‌های تحقق یافته گردید.

### سوره طور

در آیات ۲۹ تا ۳۱ به تایید آنحضرت می‌پردازد و تلویحا شکست مخالفانش را پیشگوئی میکند.

در آیه ۳۴ به تحدی می‌پردازد که اینهم به نوعی پیشگوئی ناتوانی مخالفان آنحضرت است.

در انتهای آیه ۴۲ مخالفان آنحضرت را «مغلوب بالقوه» پیشگوئی میکند.

در آیات ۴۵ تا ۴۹ ضمن تایید آنحضرت، او را تلویحا پیروز نهایی پیشگوئی میکند.

### سوره واقعه

در آیه ۷۷ آنچه را بر آنحضرت نازل شده «قرآن» نامیده، و این در حالی است که در زمان نزول این سوره هنوز بیش از ۳۶۲۶ کلمه بر آنحضرت فرود نیامده و هنوز به ۵٪ حجم قرآن نیز بالغ نشده بود (چیزی را که ۵٪ چیزی است که بعدا خواهد شد، به نام حالت کمال یافته آن نامیدن، یک پیشگوئی تحقق یافته واضح است)

در آیه ۸۰ فراگیر و جهانی شدن قرآن را پیشگوئی نموده است.

در آیه های ۷۵ و ۷۶ میگوید اهمیت ستارگان بیش از این است که شما فکر می کنید و حداکثر اهمیت آنها را در لذت بردن شبانه از نظاره آنها یا جهت یابی برای مسافرت های خود می دانید بلکه اهمیت آنها بالاتر است. در آیه ۷۵ به «مختصات» ستارگان اشاره نموده که موضوعی است هم سهل و هم ممتنع، که این امر در امروز بهتر شناخته شده میباشد تا آن روزها، و این یک پیشگوئی واضح علمی است.

سهل بودن آن واضح است، اما ممتنع بودن آن از اینجا فهمیده می شود که امروز بزرگترین مراکز علمی و هوشمندترین دانشمندان و گران ترین ابزارها و سیستم های علمی دارند روی این موضوع کار می کنند و در آیه ۷۶، درک اهمیت آنها به «علم» مشروط کرده است که بعد از بیش از هزار سال اتفاق افتاده است.

### سوره دهر

در آیه ۲۳ آن حجم قلیل نازل شده از وحی را قرآن نامیده که مطابق آنچه در سوره واقعه گفته ایم یک وعده و یک پیشگوئی مشخص و واضح است .

در آیات ۲۴ تا ۲۸ ضمن تایید آنحضرت تلویحا پیشگوئی موفقیتش را نموده و راهکارش را نیز به او نشان داده است .

### سوره قیامه

در آیه ۱۹ فرموده: آنگاه بیان آن نیز بر عهده خود ما است.

اگر به متن سوره مراجعه فرمائید خواهید دید که موضوع مورد بحث، قرآن است و معنی آیه فوق این است که بیان آن یعنی بیان معانی قرآن بر عهده ما (یعنی خداوند) است.

البته آن روز که این آیات داشت نازل می شد هنوز اوایل نزول وحی بود و هنوز بیش از ۹۵ درصد حجم قرآن نازل نشده بود، که خداوند در این آیه، هم پیشگویی تکمیل تنزیل وحی را نموده، و هم وعده بیان و تفسیر آن را داده است.

اینک که بیش از چهارده قرن از نزول این آیه می گذرد، می بینیم هر دو پیشگویی بخوبی تحقق یافته است.

در آیه ۴ فرموده قادر به پرداختکاری سرانگشتان انسان نیز هستیم . امروز با توجه به علوم روز و توجه به بحث های ژنتیک و DNA و «شبهه- سازی» و غیره معلوم شده است که در صورت مساعد بودن شرایط عمومی برای تجدید حیات، پیدایش مجدد انسان، بطور کامل، در صورتیکه حتی جزء بسیار کوچکی نیز از بدن او به نوعی موجود باشد، دور از ذهن نیست. حتماً توجه دارید که کشف این واقعیت که خطوط سرانگشتان هر کس یکی از مشخصه های منحصر به فرد خود اوست و هیچ دو نفری خطوط سرانگشتان شان مساوی نیست، تاریخی کمتر از صد و پنجاه سال دارد و لذا آیه فوق از هر دو لحاظ متضمن پیشگویی تحقق یافته می باشد.

### سوره انشقاق

در آیه ۶ «انسان» را مخاطب قرار داده ، و این مبین این نکته است که صاحب قرآن پیامهای قرآنی را «جهانی» تلقی میکرده، و این چیزی است که خیلی دور از دایره درک مخاطبان آنروزی بوده است، و این را نیز به عنوان یک پیشگوئی محقق شده تلقی میکنیم .

### سوره ق

در آیه ۱ با وجود اینکه تنها حدود ۵٪ از حجم کتابی که در دست داریم نازل شده بود اسم آن را طوری برده که ما امروز میفهمیم که منظور چه بوده است و قبلا هم در این مورد عرضی تقدیم کرده ایم و بنا نداریم که در اینجا تکرار کنیم .

در همان آیه برای قرآن صفت مجید را بکار برده ، که این نیز نوعی پیشگوئی است که تحقق یافته، زیرا ارجمندی قرآن در نزد مسلمانان که واضح است، بهتر است توجه کنیم که قرآن نزد غیر مسلمانان نیز محترم و ارجمند است.

در آیه ۲ به عجیب بودن رسالت (ونیز ماده مهم موضوع رسالت که خبر دادن از آخرت باشد) از نظر منکران آن اشاره فرموده، و در آیه ۵ علت این تعجب را برطرف شدنی تلقی کرده، که دیدیم همینطور هم شده، زیرا تقریباً ۲۰ سال بعد که مکه فتح شد همان اشخاص، این مطالب را قبول کرده بودند، و این نیز از پیشگوئی های تحقق یافته است .

در آیات ۳۹ تا ۴۵ ضمن تایید آنحضرت، راهکارهای عبادتی خاصی به آنحضرت توصیه میکند و ضمناً میفرماید که تو از این مشکلات عبور خواهی کرد و چنانکه دیدیم آنحضرت به آن موج مخالف غالب شد.

در آیه آخر نیز به مجموع آنچه تا این موقع از وحی بر آنحضرت نازل شده (حدود ۵٪) بود، را قرآن نامیده (بنا بر استدلالی که قبلاً کرده ایم) یک پیشگوئی تحقق یافته است.

در آیه ۶ آسمان رافاقد «فروج» قلمداد کرده، عبارت مذکور امروز (که اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی است) کاملاً مفهوم است.

ببینید فقط یک سوراخ که در لایه اوزون بوجود آمد چه اختلالات و چه بیماریهایی ایجاد کرد و آنگاه تصور کنید اگر «چند تا سوراخ»، در «چند تا از لایه‌ها» وقوع می‌یافت، چه فاجعه‌هایی به بار می‌آمد.

موضوع سوراخ در لایه اوزون و اختلالاتی که در زندگی بشر ایجاد نموده، چیز است که چهل سال بیشتر سابقه ندارد و طرح چنین مطلبی در هزار و چند صد سال قبل یکی از قوی‌ترین پیشگوئی‌های تحقق یافته قرآنی می‌باشد.

### سوره مدثر

در آیه ۱۷ فرموده: بزودی به او سختی میرسانیم، بهتر است خواننده گرامی دو سه آیه قبل و بعد آیه فوق را نیز مطالعه نماید. این آیه از لحاظ وجود پیش‌بینی ضعف قریب الوقوع فکری در جبهه بزرگان و رهبران مکذبان یکی از روشن‌ترین و واضح‌ترین پیش‌گوئی‌هایی از این نوع

است و تحقق یافتن آن نیز معلوم است و لذا این آیه نیز در زمره پیشگوئی-  
های تحقق یافته می باشد.

در آیه ۳۱ پیشگوئی هایی در باره ایمان مومنان و اهل کتاب دارد که درستی  
آنها نیز خیلی زود دیده شده است.

در آیه ۳۶ «بشر» را مخاطب قرآن قلمداد فرموده که این موضوع از این لحاظ  
که مخاطب های قرآن را فراتر از آن عده قلیلی که در هنگام نزول این آیه  
مومن بوده اند، قلمداد فرموده، یک پیشگویی محقق شده میباشد.

#### سوره نازعات

در آیه ۳۵ باز هم «انسان» را مخاطب قرآن قلمداد فرموده و مطابق استدلالی  
که قبلا کرده ایم، این نیز یک پیشگوئی تحقق یافته است .

#### سوره نوح

در آیه ۱۶ ماه را «روشنایی» و خورشید را «چراغ» نامیده که تعریف بسیار  
لطیفی است و نشان می دهد که نور و حرارت خورشید از خودش است. اما  
راجع به ماه، هیچ اشاره ای به این ندارد که خود ماه تولید کننده نور و حرارت  
باشد، و این چیزی است که از عقیده عمومی مخاطبان آن روزها بالاتر بوده و  
بعدا جا افتاده و عقیده عمومی گشته، و از این لحاظ یک پیشگوئی مهم تحقق  
یافته است.

### سوره قمر

چهار بار از کلمه قرآن استفاده نموده و مطابق استدلالی که قبلاً گفته ایم، این از نوع پیشگوئی های تحقق یافته است.

در آیه ۴۵ پیشگوئی فرموده که «جمع» یتِ مخالفان آنحضرت به تفرق خواهد گرایید که چنین نیز شد.

### سوره ذاریات

در آیه های ۵۵ و ۵۴ ضمن تایید آنحضرت و تشویق به پیگیری ماموریتش تلویحا موفقیتش را پیشگوئی فرموده است.

در آیه ۵۹ خبر از شکست کفار می دهد و چنانکه بعدها اتفاق افتاد، موضوع این آیه هم تحقق یافت.

### سوره فیل

در این سوره شکست مخالفان فعال آنحضرت را تلویحا پیشگوئی نموده است.

### سوره بروج

در آیات ۴ تا ۷ رفع ظلم مخالفانِ فعال نسبت به مومنانِ پیرو آنحضرت را تلویحا پیشگوئی فرموده است.

در آیه ۲۱ دو پیشگوئی دارد که یکی اِکمال نزول قرآن و دیگری موقعیت ارجمندی خواهد بود که مردم در ارزیابی هایشان به آن اذعان خواهند نمود

که هردو محقق شد.

### سوره تَبَّت (مسد)

زیانکار شد دستان ابولهب و (باز هم) زیانکار شد (۱) ثروتش و آنچه کسب کرده بود به دردش نخورد (۲)

این دو آیه می‌گویند دستاوردهای ابولهب به نتیجه نمی‌رسد و خودش هم هلاک می‌شود و مال و ثروت و زن و پسراش و قبیله‌اش و اعتبار اجتماعی‌اش هیچکدام بدرد او نخواهد خورد. البته واقعیت‌های تاریخی، تحقق این پیشگویی‌ها را ثابت کرد.

چنانچه می‌دانیم، هر چه در تاریخ به عقب می‌رویم، اهمیت فرد کمتر و اهمیت قوم و قبیله و سن و سال و اموال و اولاد بیشتر و بیشتر می‌شود. ابولهب فرزند عبدالمطلب و پس از فوت او یکی از کاندیداهای اصلی ریاست در جامعه آنروزی حجاز بود که دعوی پیامبری رسول اکرم (ص) خواب خوش او را آشفته کرد و او در ساحت دعوت جدید، رویاهای ریاست و زعامت خود را یکسره نابود شده دید، و لذا بطور جدی و خستگی‌ناپذیر وارد عرصه تخریب و کارشکنی علیه دعوت اسلام شد و هیچ لحظه‌ای و فرصتی را برای توطئه و تخریب فروگذار نکرد و از تمام ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خانواده و قبیله‌ای خود نیز استفاده کرد اما چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد، او هیچ موفقیتی بدست نیاورده و آن پیشگویی‌های آیه‌های فوق درست در آمد. در حالیکه جنبش اسلام، بسیار نوپا، بسیار ضعیف، بسیار آسیب‌پذیر، و جریان اشرافی‌گری بسیار ریشه‌دار، بسیار جا افتاده و بسیار قوی به نظر می‌آمد.

در هر حال، پیشگویی‌های روشن و واضح فوق که بالاخره هم درست درآمد، نمونه‌ای دیگر از موارد اعجازی تحقق پیشگویی‌های قرآنی است.

### سوره معارج

در آیه ۱۹ ذکری از «انسان» فرموده و مطابق استدلالی که قبلاً عرض کردیم، این نشانه ای است از آنکه قرآن مخاطبان خویش را فراتر از مخاطب های اولیه میدانسته است.

در آیات ۳۶ تا ۴۴ تلویحا به ضعف ساختاری اردوگاه مخالفان آنحضرت و اضمحلالشان اشاره نموده است که تحققش بزودی عیان گشت.

در آیه ۴۷ بطور صریح، به «توسعه جهان» اشاره فرموده، و فیزیک فضایی امروز و نظریه Big Bang، نیز، با آن هم جهت است. مقایسه کنید زمال نزول این آیه را (هزار و چند صد سال قبل) با زمان مطرح کردن نظریه Big Bang (حدود سیصد سال قبل)

### سوره جن

این سوره به گونه ای پرحجم، تلویحا مقبولیت عام یافتن دعوت آنحضرت را پیشگوئی میکند.

### سوره کوثر

البته آن خیر کثیر فزاینده را به تو داده ایم (آیه ۱)  
قرآن، وحی، حضرت فاطمه سلام الله علیها، و اسلام، همه اینها می توانند از مصادیق «خیر کثیر فزاینده» باشند. و چنانکه در واقعیت های تاریخی ملاحظه شد، خداوند همه این مصادیق «خیر کثیر فزاینده» را به پیامبر (اکرم) داد و

این آیه نیز در زمره پیشگوئی‌های تحقق یافته قرار گرفت.

### سوره دخان

آیات ۱۷ تا ۳۳ که اشاره به نابودی فرعونیان و نجات بنی اسرائیل دارد، بطور تلویحی متضمن وعده ای امید بخش بوده است، از این لحاظ که دشمنان آنحضرت که در مقایسه با فرعون و سیستمش بسیار حقیر بوده اند کجا و فرعونیان کجا و اینکه از حضرت موسی و پیروانش با آن وضعیت عجیب رفع مزاحمت شده، حاوی یک پیشگوئی تلویحی است که تحقق یافتنش دیده شد.

در آیه آخر میفرماید پس چشم براه باش که آنان نیز چشم براهند (۵۹) اینک پیامبر در راه رسالت خویش که هدف آن مردم و بلکه معمولی‌ترین مردمان است، با موانعی رو به رو است و رؤسا و نخبگان و اصطلاحاً «بزرگان» جامعه مانع رسیدن پیام پیامبر به مردم هستند زیرا پیام او متضمن مطالبی است که با منافع آنها برخورد دارد.

لذا «چشم براه باش» راجع به پیامبر به این معنی است که کارت را ادامه بده، یعنی پیامت را برسان و منتظر اثربخشی فوری آن نباش و اثربخشی را به ما واگذار و بدون اینک عجله‌ای داشته باشی، منتظر آن باش، اما «آنها نیز چشم براه هستند» به این معنی است که آنها بخاطر منافع خویش کمر همت را بسته‌اند که جلوی تو و پیام تو را بگیرند و این بساط وحی را جمع کنند و چشم به راه نابودی تو و رسالتت هستند. بنابراین این سوره متضمن پیشگوئی پیروزی پیامبر بر مخالفان عنود و لجوج خویش است که چنانکه می‌دانیم وعده مذکور محقق شده و این آیه را نیز در عداد معجزات قرآنی در آورد.

### سوره زخرف

در آیه ۸۹ میفرماید : پس، از ایشان در گذر و سلامی بگو و بزودی خواهند دانست .

جمله «بزودی خواهند دانست» در صورتیکه آیات قبل ملاحظه شود متضمن پیشگوئی پیروزی پیامبر اکرم(ص) بر کفار و مکذبان و مخالفان است و می- دانیم که تحقق یافته است.

در آیه ۵ پیشگوئی نموده که ای پیامبر! این پروسه ارسال وحی به این علت که مخالفان اینهمه مخالفتِ سنگین میکنند تعطیل نخواهد شد و دیدیم که نشد.

در آیه ۲۸ در داستان ابراهیم (ع) خاطر نشان میفرماید که راه و روش او غالب و ماندگار شد، و در این یک پیشگوئی تلویحی وجود دارد که ای پیامبر! در مورد تو نیز چنین خواهد بود، و دیدیم که شد.

در آیه های ۴۱ تا ۴۳ به آنحضرت دلگرمی میدهد که از توطئه های آنها نگران نباشد و فقط روی رسالتش تمرکز کند و در این مطلب یک نوع پیشگوئی تلویحی هست و البته به تحقق هم پیوست .

در آیات ۴۵ تا ۵۶ با ذکر یک نمونه از قویترین قومی که رفتار لجبازانه در جهت قبول نکردن هیچ موضعی از مواضع رسول مربوط به خویش را داشته و در مآل شکستی سخت خورده و میدان را به آن رسول خدا واگذار کردند، در حقیقت تلویحا پیشگوئی

میکند که ای پیامبر و ای مومنان پیرو او! پیروز نهائی این مناقشات شماها خواهید بود، و چنانکه همگان میدانند این پیشگوئی به تحقق پیوست.

در آیه ۸۳ به آنحضرت میفرماید به اینها (فعالانِ مخالفت با رسالت) اهمیتی نده و در آیه ۸۹ همین مفهوم را تکرار میکند و با دو داستان مربوط به دو پیامبر سابق تلویحا پیشگوئیِ موفقیتِ آنحضرت را مینماید.

### سوره فُصِّلَتْ

در آیه های ۱۶ و ۱۷ ، سرگذشت ناخوشایند دو قوم عاد و ثمود را که به هلاکت جمعی منجر شد ذکر نموده و در آن وعده ای تلویحی نهفته است که ای پیامبر! و ای پیروانش! شما هم موفق و پیروز میدان خواهید شد.

حدود ۱۵ سال بعد با فتح مکه این پیشگوئیِ تلویحی به تحقق نشست.

در آیه ۴۲ در باره قرآن پیشگوئی به این مضمون میکند که کسی نخواهد توانست هیچ موضوعی از آن را به باطل نسبت دهد که نوعی تحدی است و تاکنون که بیش از هزار و چهارصد سال میگذرد درستی آن خدشه ای نپذیرفته است.

در آیه ۴۳ تلویحا میفرماید ای پیامبر! ایرادات آنها سست است و تو به کار خودت برس، و در این مطلب پیشگوئیِ تلویحیِ موفق شدن آنحضرت هست.

در آیه ۵۳ پیشگوئی میفرماید آیاتی از حقانیت را چه در زمینه آفاقی و چه در زمینه انفسی ارائه خواهیم نمود که این خیلی زود درست در آمد و آیه

انفسی در فتح مکه که مردم دستجمعی مسلمان شدند واقع شد، و نمونه ای از آیات آفاقی این بود که اسلام از محدوده مکه خارج شد و قلمروهای جغرافیایی بزرگی را تسخیر نمود.

در آیه ۱۱ که گفته : سپس به آسمان که دودی بود پرداخت و به آن و به زمین گفت چه از روی میل و چه از روی اجبار بسویم بیائید. گفتند با میل و رغبت آمدیم ،

«آسمان» در آیه فوق به مفهوم «غیرزمین» است و لذا به کل جهان قابل تعمیم می باشد و «دود» با توجه به اینکه مخاطب اولیه عامی بوده است، همان تعبیری است که «غاز» برای متخصص علوم فیزیک نجوم دارد. و قرآن در آیه فوق در بیش از ۱۴۰۰ سال قبل سخنی گفته که در کمال درستی است و امروز هم هیچ دانشمندی نمی تواند با آن مخالفتی کند.

#### سوره جائیه

در آیه ۱۴ به آنحضرت توصیه میکند به پیروانش بگوید نسبت به مخالفان نظر مدارا داشته باشند، و از اینجا نوعی نوید فهمیده میشود که مخالفان همینطور مسلط نمی مانند و شما برنده خواهید بود و این پیشگوئی درست در آمد.

در آیه ۱۸ ضمن تایید آنحضرت تلویحا او را برنده و ماندگار معرفی میفرماید. صلابت و اطمینانی که در دو آیه ۲۶ و ۲۷ ظاهر است تلویحا پیشگوئی موفقیت آن حضرت را در خویش دارد، که موفقیت های بعدی آنحضرت (فتح مکه و ..) نشان از تحقق آن وعده و پیشگوئی دارد.

در دو آیه ۳۶ و ۳۷ با برشماری صفاتِ استعلائی الهی ، تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را نموده، و لذا این نیز از پیشگوئی های تحقق یافته محسوب میشود.

### سوره احقاف

در آیات ۲۱ تا ۲۸، با ذکر داستان یک قوم قوی پنجه و ضمنا کاملا لجباز و مصمم در مخالفت با پیامبرشان، و نهایتِ داستان که حاکی از هلاکت مخالفان آن پیامبر باشد، تلویحا برای پیامبر اسلام (ص) پیشگوئی موفقیت میکند که چنانکه دیده شد این پیشگوئی تحقق یافت.

در آیات ۲۹ تا ۳۲ به موردِ طلب و موردِ رغبت بودنِ پدیده وحی - حتی از سوی موجوداتی از نوع متفاوت از انسان - اشاره نموده و تلویحا این پیشگوئی را نموده که چیزی نخواهد گذشت که این پدیده از سوی شما انسانها نیز مقبول و مطلوب تلقی گردد.

در آیه ۳۵ آنحضرت را به صبری بیش از سابق فرا میخواند و این هم به نوعی تلویحی پیشگوئی موفقیت برای آنحضرت است.

### سوره مومن

در آیه های ۴ و ۵ ضمن تایید آنحضرت به او دلگرمی میدهد که خداوند نمیگذارد فعالانِ مخالفانش از حد معینی جلوتر بروند.

در آیه های ۵۵ و ۵۶ ضمن تایید آنحضرت او را به ادامه رسالتش توصیه و پیشگوئی عدم موفقیت فعالانِ مخالفت با او را میکند.

در آیه های ۷۷ و ۷۸ بازهم بر موضع فوق تاکید میفرماید.

### سوره یسی

در آیه ۲ با نام بردن از آن مقداری از وحی که تا زمان نزول این سوره نازل شده به «قرآن»، پیشگوئی نموده که موضوع رسالت آنحضرت دچار انقطاع نخواهد شد.

در آیات ۳ تا ۵ با قوت آنحضرت را تایید و تلویحا پیشگوئی موفقیتش را می فرماید.

در آیه ۷۶ آنحضرت را به صبر بیشتر توصیه میکند که این نوعی پیشگوئی موفقیت اوست .

در آیه ۳۸ که میفرماید : و خورشید که بسوی قرارگاه خویش در جریان است. این برنامه ریزی آن پیروزمند داناست.

مطابق نظر قدما که زمین را ثابت و خورشید را طلوع کننده از مشرق و غروب- کننده در مغرب زمین تصور می کردند، طبعاً خورشید، در نظر آنان، حرکت دیگری که عبارت باشد از «حرکت بسوی قرارگاه خویش» نداشت.

مطابق نظر علمائی مانند کیلر و گاليله و امثالهم که فرض مسطح بودن زمین را باطل و فرض کرویت آن را جایگزین نمودند، آنها نیز حرکتی از نوع حرکت بسوی قرارگاه خویش برای خورشید عنوان نکردند.

این فیزیک کیهانی جدید است که برای خورشید یک مدار حرکتی معینی قائل است که مربوط به این دویست و پنجاه سال اخیر است چه برسد به علم

زمان نزول این آیات. و لذا این آیه نیز از پیشگویی های علمی قرآنی است.

واقعا همیشه برایم این سوال بود که در آن روزهای نزول این آیات که کشتی های بزرگ، هواپیماها، سفینه های فضائی، قطارها، اتوبوس ها، سواری ها، تریلی ها، کمپرسی - ها و وانت ها نبود، مردم از آیه ۴۲ چه می فهمیدند؟ این «سهل و ممتنع» بودن نیز یکی از عناصر اصلی سخن اعجازی قرآنی است، که مخاطب های آن روز خیال می کرده اند که آیه را فهمیده اند و ما نیز همین خیال را میکنیم و آیندگان چیزهایی از این آیه خواهند فهمید که ماها خوابش را هم نمی توانیم بینیم.

### سوره شورا

در آیه های ۷ و ۸ حوزه ماموریت آنحضرت را بازهم برای او تعیین فرموده و استدلال کرده که چرا او می باید رنج این رسالت را بازهم بدوش بکشد، و در این نوبدی و پیشگویی واضح وجود دارد .

در آیه ۱۵ ، با توجه به ۱۴ آیه قبل از آن مجددا آنحضرت را مامور میفرماید، و در این، یکنوع پیشگویی هم مستتر است.

در آیه ۳۸ رفتاری استراتژیک را برای پیروان آنحضرت توصیه نموده، و در این، پیشگویی روشنی دایر بر تقویت اوضاع و احوال آنها نهفته است، که تحقق یافتنش معلوم است.

### سوره سباء

در آیه های ۱۰ تا ۱۴ در اشاره به داستان دو نفر پیغمبر-شاه که فوق العاده قدرتمند بودند تلویحا برای آنحضرت و پیروانش پیشگوئی موفقیت میفرماید. چنانکه همگان میدانند این پیشگوئی به تحقق پیوست.

در آیه ۳۱ باز هم کلمه قرآن را بکار برده، و این، چنانکه قبلا هم چند بار دیده ایم، پیشگوئی واضحی است دایر بر توفیق آنحضرت بر دریافت کامل وحی.

### سوره مؤمنون

با توجه به آیه های ۱۳ و ۱۴، میتوان گفت که گرچه اطلاعات عمومی تاریخی به ما میگوید که تمدن های قدیم از قبیل یونان و مصر و ایران باستان و غیره، و نیز قرون وسطا، با کالبد شکافی جسد انسان آشنائی داشته اند، اما این جزئیات دقیقی که در دو آیه مذکور ذکر شده، خیلی بالاتر از حداکثر توان علمی و پژوهشی تمام آن دوره ها بوده، و تنها دویست سال اخیر در حد لیاقت فهم جزئیات ذکر شده در این آیه ها است، و این هم برگ زرین دیگری است که باید به کتاب پربرگ پیشگوئی های علمی قرآنی افزوده شود.

در آیه ۵۴ فرموده «پس آنها را تا مدتی در گرفتاری شان واگذار» از این نوع بیان فهمیده می شود که قرآن برای پیامبر اکرم(ص) پیروزی قریب الوقوع پیشگوئی نموده است که چون وقایع تاریخی، صحت پیشبینی مذکور را تایید نموده، این آیه نیز در عداد پیشگوئی های تحقق یافته می-باشد.

ذکر داستان نوح در آیات ۲۳ تا ۳۰ نوعی نوید تلویحی خلاصی از مشکلات آنحضرت و پیروانش را متضمن است.

نیز ذکر فلسفه تاریخ در آیات ۳۱ تا ۴۴ همین پیشگوئی تلویحی را در بر دارد.

همچنین ذکر داستان موسی و عیسی (ع) در آیات ۴۵ تا ۵۲.

سه بار تکرار و تاکید «سیقولون» که ناظر به تغییر اعتقادات مردم پس از فتح مکه است، و در آیه های ۸۵ و ۸۷ و ۸۹ واقع شده، پیشگوئی صریح است دایر بر اینکه بزودی عقاید آنها در جهت اصلاح عوض خواهد شد، و چنانکه دیدیم شد.

#### سوره ابراهیم

در آیه ۱ وعده فرموده که مردم بوسیله این کتاب (یعنی قرآن) به جاده پسندیده عالی منتقل خواهند شد.

در آیه ۴۷ با تاکید خطاب به آنحضرت میفرماید مبادا فکر کنی خداوند وعده اش را عملی نخواهد کرد، که این خودش یک پیشگوئی محقق شدهء روشن است.

#### سوره اسراء

اینک حدود سال پنجم بعثت است و هنوز تا هجرت حدود هفت سال و تا فتح فلسطین که در زمان خلیفه دوم واقع شد حدود ۲۳ سال فاصله است، و اینکه در این آیه «مسجدالاقصی»ی فعلی را «مسجد» خوانده، یک پیشگویی محقق شده تاریخی است. زیرا در آن موقع مسجدالاقصی فقط یک «عبادتگاه» مخروبه و متروکه بود که هنوز از شرایطی که «مسجد» خوانده شود بسیار دور بود و لازم نیست عبادتگاه را «مسجد» بخوانند و در خود قرآن هم برای «عبادتگاهها» کلماتی مانند «صوامع» و «بیع» آورده

شده است.

در آیه ۹ مجموع نزولات وحی تا آن موقع را قرآن نامیده و چنانکه قبلاً گفته ایم، این نیز از نوع پیشگوئی تحقق یافته است.

در آیه ۸۸ فرموده بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند این قرآن را بیاورند نخواهند آورد حتی اگر بعضی شان بعضی دیگر را یاری کنند. چنانکه می‌دانیم، این سوره در حدود سال هفتم بعثت نازل شده و لذا هنوز اوائل نزول وحی بوده است و در هنگام نزول آن هنوز قسمت اعظم سوره‌ها نازل نشده بود و در این سوره دو پیشگوئی تحقق یافته است:

۱- جریان وحی ادامه خواهد یافت بطوریکه پروسه ایجاد چیزی بنام «قرآن» تکمیل خواهد شد.

۲- «قرآن» مورد بحث دارای چنان مقام بالائی خواهد بود که قدرت کل آحاد بشر و جن برای ارائه چیزی مانند آن نارسا خواهد بود. و چنانکه می‌دانیم این دو وعده تاکنون محقق شده است.

البته این پیشگوئی از نوع «پیشگوئی کِشدار» است و هر روزی که بگذرد و قسمت دوم آن هنوز محقق باشد، برگ دیگری بر کتاب قطور تحقق یافتگی پیشگوئی‌های آن افزوده می‌شود.

آیات ۲۲ تا ۳۹ حاوی نوعی از قانون اساسی و قانون مدنی است و در ذات خود پیام

استقرار و ماندن و ماندگاری دارد و پیشگوئی مهمی است که محقق هم شده است.

در آیه ۴۱ باز هم کلمه قرآن را بکار برده است که شرحش را قبلا عرض کرده ایم و یک پیشگوئی تحقق یافته است.

در آیه ۷۰ با جمله لقد کرنا بنی آدم یک پیشگوئی فرموده که امروز نمونه های تحقیقش را در اینهمه سازمان های حقوق بشری و حقوق زنان و . . داریم می بینیم .

در آیات ۷۳ تا ۷۷ با نهی شدید از هرگونه مداهنه و مماشات با فعالانِ مخالفان، برای آنحضرت تلویحا این پیشگوئی را نموده که دستِ بالاتر از آن تو است.

در آیات ۷۸ تا ۸۱ نسخه یک رژیم عبادتی سنگینی برای آنحضرت پیچیده که معنی آن این است که برای موفقیت (که تلویحا حاوی وعده و پیشگوئی است) باید این کارها را کنی.

در آیه ۸۲ باز هم کلمه قرآن را بکار برده است (که شرحش را قبلا داده ایم)

در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ با تاکید بر نابودی فرعون، تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را نموده است .

### سوره هود

در آیات ۱۲ تا ۱۴ تحدی فرموده (که اگر فکر میکنید این پیامبر این حرفها را از خودش در آورده ده سوره مانند این سوره ها بیاورید . . . ) که این یک پیشگوئی ممتد و کِشدار است که آوازه اش هم در این هزار و چند صدسال در فضای ذهنی همگان طنین انداخته است. با این بیان، سوره‌های قرآن، رسماً بعنوان معجزه پیامبر اکرم(ص) معرفی گردیده است.

البته می‌دانیم که این مبارزطلبی هرگز پاسخ نیافت و این دو آیه نیز در زمره پیشگوئی‌های تحقق یافته قرار گرفت.

در آیات ۲۵ تا ۱۰۴ داستانهای پیامبرانی مانند نوح و هود و صالح و ابراهیم و لوط و شعیب و موسی و پیروزی آنها بر خصم را آورده و در این پیامهای مکرر و موکد محتوای پیشگوئی «تو موفق میشوی» وجود دارد.

در آیات ۱۰۹ تا ۱۱۵ باز هم پیشگوئی‌هایی از نوع «کوچکترین تردیدی نداشته باش» و «محکم و استوار باش» و «این رژیم عبادی را در پیش گیر» دارد که تحقق نتیجه همه آنها دیده شده است.

در آیه ۱۲۲ فرموده و منتظر باشید که ما نیز منتظریم. اگر آیات قبل از آیه مذکور را ملاحظه فرمائید چنین فهمیده می‌شود که آن آیه متضمن پیشگوئی شکست مخالفان و تکذیبگران و کافران است و چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد این پیشگوئی نیز تحقق یافته است.

### سوره شعراء

در آیات ۳ تا ۶ علاوه بر تأیید لزوم ادامه وحی (که تلویحا حاوی وعده موفقیت آنحضرت است) با ذکر کلمه «فسیاتیهم» صراحتا وعده میدهد که فعالان مخالفان آنحضرت (بزودی «خبرهایی») از موفقیت آنحضرت را دریافت خواهند کرد، و چنانکه میدانیم چنین هم شد.

و در آیه ۶ میفرماید: تکذیب کردند پس بزودی اخبار آنچه که مسخره اش میکردند بسویشان خواهد آمد.

آیه فوق که حاوی یک پیشگویی واضح می باشد و با توجه به واقعیات بعدی تاریخی، محقق شده و تحققش نیز واضح است.

در آیات ۱۲ تا ۶۷ با ذکر موفقیت حضرت موسی تلویحا برای آنحضرت نیز پیشگویی موفقیت میکند.

در آیات ۶۹ تا ۱۰۴ با ذکر موفقیت حضرت ابراهیم تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

در آیات ۱۰۵ تا ۱۲۲ با ذکر موفقیت حضرت نوح تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

در آیات ۱۲۳ تا ۱۴۰ با ذکر موفقیت حضرت هود تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

در آیات ۱۴۱ تا ۱۵۹ با ذکر موفقیت حضرت صالح تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

در آیات ۱۶۰ تا ۱۷۵ با ذکر موفقیت حضرت لوط تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

در آیات ۱۷۶ تا ۱۹۱ با ذکر موفقیت حضرت شعیب تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد.

در بقیه سوره ، در آیات ۱۹۲ تا ۲۲۶،

- ۱ - با تایید منبع وحی به آنحضرت،
  - ۲ - با تشریح علل کفر فعالانِ مخالفت با آنحضرت،
  - ۳ - با ارائه راهکارهایی برای مقابله با موانع،
  - ۴ - با توصیف برخی از رفتارهای فعالان کفر،
- تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را میفرماید.

### سوره یونس

آیه ۱۵ شامل تحدی راجع به آوردن مشابه قرآن است که حاوی یکنوع پیشگوییِ دایر بر ناتوانیِ مخالفانِ فعالِ آنحضرت برای شرکت در این مبارزه میباشد.

آیه های ۳۷ و ۳۸ نیز ادامه همان تحدی فوق است که پیشگوئی میفرماید آنها عاجز از چنین ارائه ای خواهند بود .

به دیگر سخن، در آیه های فوق کافران را دعوت می کند که مگر شما نمی گوئید پیغمبر قرآن را از خودش در آورده و به خدا نسبت داده؟ اگر چنین باشد که یک نفر بشر بتواند چنین مطالبی را از پیش خود بگوید، غیر از او کسان دیگر نیز قادر به این کار می باشند. پس در این صورت شما هم باید

قادر به این کار باشید. لذا اگر حرفتان درست است شما هم لااقل سوره‌ای مانند آن بیاورید.

از آنجا که از آن تاریخ تاکنون به این مبارزه طلبی پاسخی داده نشده این آیه نیز یکی از پیشگوئی‌های تحقق یافته می‌باشد.

جالب اینکه در سوره اسراء برای «کل قرآن» مبارز طلبی شده و در سوره هود به ده سوره تخفیف داده و در این سوره تخفیف را زیادت‌ر کرده و فقط به یک سوره اکتفا کرده است.

این دو پیشگوئی از نوع پیشگوئی‌های کِشدار است و تحقق یافتن آن‌ها هنوز هم ادامه دارد.

آیات ۷۱ تا ۷۴ ذکر داستان حضرت نوح است که در آن از قول نوح میگوید تمام نیرویتان را علیه من جمع کنید و هر کاری که میتوانید بکنید، که تلویحا این نکته را دارد که مخالفان آنحضرت نخواهند توانست رسالت او را دچار وقفه یا بالاتر از آن کنند و چنانکه دیدیم همینطور هم شد.

آیات ۷۵ تا ۹۳ راجع به حضرت موسی است که فرعون خواست او را مورد تعرض قرار دهد ولی خودش نابود شد، و تلویحا این پیشگوئی را دارد که ای فعالان کفر! شما که از فرعون بالاتر نیستید و نمیتوانید کاری کنید.

آیه ۱۰۳ به وضوح و صراحت پیشگوئی نجات را مینماید و چنانکه دیده شد به تحقق پیوست.

در آیه ۱۰۹ تلویحا وعده موفقیت میدهد زیرا میگوید صبر کن و خدا بهترین حاکم است.

در آیه ۵ میفرماید : هموست که خورشید را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان برنامه ریزی کرد که منزلهائی داشته باشد. تا شمارش سال ها را بدانید. خداوند آن را جز به حق نیافرید. و او نشانه ها را برای مردمی دانا شرح میدهد.

تعبیری که در آیه فوق راجع به خورشید و ماه شده، یک پیشگوئی علمی است، زیرا در ۱۴۰۰ سال قبل «ماه را فرع بر» خورشید دانسته است.

### سوره انبیاء

در آیات ۹ تا ۱۵ میفرماید مکذبان پیشین را اینگونه از میدان بدر کردیم، که این وعده و پیشگوئی است که در مورد دشمنان آنحضرت و پیروانش نیز چنین خواهد شد، و چنانکه میدانیم همانطور هم شد.

در آیه های ۳۴ و ۳۵ تلویحا توطئه قتل آنحضرت را برملا نموده و به او میگوید زندگی و مرگ به دست کسی غیر از خدا نیست و تلویحا پیشگوئی میکند که توطئه گران موفق نخواهند شد.

در آیه ۴۴ پیشگوئی میکند که روز به روز از حوزه نفوذ و تاثیر فعالان مخالف تو کاسته میشود، و چنانکه دیدیم چنین شد.

در آیات ۴۸ تا ۹۱ چهارده نفر از پیامبران پیشین را نام می برد که چگونه آنها یاری شده و موفق گردیده اند، با این پیشگوئی تلویحی، که در مورد تو و پیروانت نیز چنین خواهد بود.

در آیه ۱۰۵ در پیشگوئی تلویحی نزدیک به صریح، موفقیت گفتمان آنحضرت را

پیشگوئی میفرماید.

در آیه ۱۰۷ پیشگوئی واضحی میکند که ای پیامبر دین تو به حصار های مکه محصور نخواهد ماند.

در آیه ۳۰ میفرماید: آیا کافران توجه نمی کنند که آسمانها و زمین «پیوسته» بود و ما آنها را «باز» کرده و از آب همه چیز را زنده کردیم، و ایمان نمی آورند؟ توجه خوانندگان گرامی را به نظریه «انفجار عظیم» که امروزه در علم فیزیک یک نظریه جا افتاده و پذیرفته‌ای است جلب می کنیم.

در این آیه می فرماید جهان در ابتدا «پیوسته» بوده، و بعداً «باز» شد.

آیا آیه فوق بهترین بیان ساده برای نظریه «انفجار عظیم» نیست؟

علاوه بر آن، از قسمت دوم آیه دو چیز برای ما واضح میشود:

۱- منشاء حیات، آب است.

به این معنی که حتی گیاهان و جانوران موجود در خشکی نیز ریشه‌شان «حیات دریائی» است.

۲- منشاء ادامه حیات نیز آب است.

چیزی که بطور قاطع می توان گفت این است که لااقل نکته اول تا همین دویست و پنجاه سال پیش شناخته شده نبود چه رسد به مخاطب‌های روزهای نزول این آیه.

در آیه ۱۰۴ میفرماید: روزی که آسمان را در هم بپیچیم مانند در هم پیچیدن طومارهای نوشته. همانطور که آفرینش نخستین را آغاز کردیم آنرا باز می

گردانیم که البته انجام دهنده اش هستیم.

از آیه فوق فهمیده می‌شود که در «آفرینش اول» آسمان «بسته» بود، و بعداً «باز» شد. عبارت دیگر باز هم همان نظریه «انفجار عظیم» را در اینجا هم به ساده ترین بیان می‌بینیم. البته توجه دارید که این نوع بیان نیز «پیشگوئی» است، از این لحاظ که روزی علم بشر بجائی میرسد که بتواند این نوع مطالب را بفهمد.

در آیه ۳۲ میفرماید: و آسمان را سقفی محفوظ نمودیم اما آنها از آیاتش رویگردانند.

با توجه به مخاطب‌های آن روزها، منظور از «آسمان»، «آنچه در بالای سر دیده می‌شود» است. اما امروز، در درجه اول «کره هوا» و در درجه دوم و سوم و چهارم کل منظومه شمسی و کهکشان راه شیری و بالاخره کل جهان مصادیق آن هستند.

کمترین چیزی که امروز از این آیه می‌فهمیم خاصیت «سقف»ی کره هواست که مانع از برخورد اجرام آسمانی سرگردان است و اگر آن نبود در هر ثانیه میلیون‌ها شیء ریز و درشت سرگردان به زمین اصابت می‌کرد و پیدایش حیات در روی زمین ناممکن می‌گردید.

### سوره صافات

کلمه «مشرق‌ها» در آیه ۵ از این لحاظ که با کرویت زمین همخوانی دارد، چیزی است که تا هزار سال پس از نزول این آیات هنوز توسط فیزیکدانان مطرح نشده بود و این پیشگوئی از این لحاظ بار اعجازی دارد.

در آیه های ۶ و ۷ میفرماید: البته آسمان دنیا را به زینت ستارگان آراستیم و از هر شیطان سرکشی محفوظ داشتیم.

اشاره به اینکه «آسمان دنیا» (یعنی نزدیک ترین آسمان) را به زینت ستارگان آراستیم و آن را «وسیله حفاظت» قرار دادیم حاوی نکته‌هائی علمی است که برای آن زمان کاملاً دور از دسترس و دور از ذهن بوده است.

بعبارت دیگر مفهوم «آسمان دنیا» قابل انطباق با «کره هوا» است و «حافظ بودن» آن امروزه کاملاً روشن است، و اینطور فهمیده میشود که اگر قدرت بازدارندگی آن نبود هر سنگ آسمانی و هر «جرم سرگردان»ی که از نزدیکی جو زمین عبور می‌کرد، برحسب قانون جاذبهٔ عمومی جذب جرم بزرگتر یعنی زمین گشته و با سرعت فزاینده به زمین سقوط می‌کرد.

در این صورت اهل زمین در هر ثانیه در معرض «بمباران دائمی» میلیون‌ها جرم کوچک و بزرگ موجود در فضای لایتنهای می‌گردیدند و به این ترتیب امکان تشکیل حیات در روی این کره در همان آغاز از بین می‌رفت.

بنابراین یکی از مهمترین عللی که در روی کره زمین حیات پیدایش یافت این است که چتر محافظی دور تا دور کره زمین را گرفته است.

با توجه به اینکه مدت علم بشر به همه این مطالب کمتر از دو قرن و نیم است، در می‌یابیم که ذکر این نکته در بیش از چهارده قرن پیش یک پیشگویی مهم و بزرگ و واضح علمی است.

در آیه ۶، کلمه «دنیا» را اگر بمعنی لغوی آن، یعنی به مفهوم «نزدیکتر» بگیریم، در آنصورت «آسمان نزدیک‌تر» همین «کره هوا» است.

این «کره هوا» از چه چیزهائی حفاظت می‌کند؟

تاکنون این را فهمیده‌ایم که ما را از «اجرام سماوی سرگردان» حفاظت می‌کند و آنها بمحض نزدیک شدن به زمین در اثر اصطکاک با کره هوا و حرارت حاصله از آن تا به زمین برسند و اصابت کنند و احیاناً چیزی را خراب کنند، چیزی از خود آنها باقی نمانده است، مگر اینکه بسیار بزرگ باشند که علیرغم سوختن قسمت عمده‌ای از وجودشان، هنوز چیزی از آن بماند که به زمین اصابت کند که در آنصورت خرابی به بار می‌آورد و اگر هم در نقاط غیرمسکونی به زمین بیفتد، حفره‌ای ایجاد می‌کند که از این نوع حفره‌ها در سطح زمین چند تائی وجود دارد.

و اگر این کره هوا، چنین نقش حفاظتی نداشت کره زمین و حیات موجود بر روی آن، زیر بمباران دائمی اینهمه اجرام آسمانی سرگردان که میلیونها عدد از آنها در هر ثانیه به زمین فرود می‌آید، کاملاً نابود می‌شد.

این موضوع نیز هنوز سیصد سال نشده که شناخته شده و آیه ۷ از این لحاظ بار اعجازی دارد.

با توجه به ترتیب نزول سوره‌ها، در مفهوم آیه ۱۱ اولین بار است که به منشاء خیلی دور پیدایش آدمی اشاره می‌شود. اما از این پس، به عبارات مختلف، و وجوه گوناگون، این تعبیر پیگیری می‌شود.

«گلی چسبنده»، به رسوبات اولیه چندین میلیون سال قبل در دریاها اشاره دارد که منشاء حیات بوده است و این نوع تعبیر خیلی دور از فهم نه تنها مخاطبان اولیه، بلکه حتی کل جهان آن روزها بوده و یکی از پیشگویی‌های تحقق یافته قرآنی است.

در آیات ۷۴ تا ۷۹ با ذکر داستان نوح تلویحاً می‌گوید که همانطور که نوح موفق شد و روشش مستقر گردید، ای پیامبر! تو نیز موفق خواهی شد.

در آیات ۸۳ تا ۱۰۹ موضوعی مشابه را با ذکر داستان ابراهیم بیان میکند.

در آیات تا ۱۱۴ تا ۱۲۰ موضوعی مشابه را با ذکر داستان موسی و هارون بیان میکند.

در آیات تا ۱۲۳ تا ۱۳۱ موضوعی مشابه را با ذکر داستان الیاس بیان میکند.

در آیات تا ۱۳۳ تا ۱۳۸ موضوعی مشابه را با ذکر داستان لوط بیان میکند.

در آیات تا ۱۳۹ تا ۱۴۸ موضوعی مشابه را با ذکر داستان یونس بیان میکند.

آیات ۱۷۱ تا ۱۸۲ صراحتاً دارای این پیشگویی ها است :

۱ - پیامبران یاری خواهند شد (آیه ۱۷۲)

۲ - نیروهای الهی پیروزِ نهائی خواهند بود (آیه ۱۷۳)

۳ - ای پیامبر ! پس از مدتی کوتاه موفق خواهی شد (آیه ۱۷۸)

۴ - موفقیت تو آنقدر نزدیک است که معاصرانت آن را خواهند دید (آیه ۱۷۹)

### سوره ص

در آیه ۸۸ میفرماید: و البته خبرش را پس از چندی خواهید دانست، که با توجه به مطالبِ قبل از آن ، موضوع به ماندگاری و پیشرفتِ جریانِ نهضتِ اسلام مربوط میشود و مخاطبِ موضوع ، مخالفانِ فعالِ نهضتِ اسلام اند که طی این آیه به آنان میفرماید بزودی خبرهایی از موفقیتِ آن و شکستِ خودتان دریافت خواهید نمود.

در آیه ۱ ، کتابی را که دارد بر آنحضرت نازل میشود «قرآن» نامیده، و اگر به ترتیب نزول به قرآن نگاه کنیم و حجم از ابتدا تاکنون را نسبت به کل محاسبه

کنیم، در این سوره به حجمی کمتر از ۴۰٪ از کل میرسیم. اینکه رسالت آنحضرت دوام خواهد یافت و آنحضرت موفق خواهد شد ۶۰٪ بقیه را نیز دریافت کند، یک پیشگوئی تحقق یافته است.

در آیه ۱۱ چنان با تحقیر به جبهه مخالف آنحضرت اشاره میفرماید و هزیمت آنان را پیشگوئی میکند که میتوان آن را یک پیشگوئی روشن ارزیابی نمود.

در آیات ۱۲ تا ۱۴ به اضمحلال اقوام فعال در مخالفت پیامبران سابق اشاره نموده و این پیشگوئی تلویحی است که ای پیامبر اوضاع به همین صورتی که فعلا هست نمیماند.

در آیات ۱۷ تا ۲۶ به آنحضرت توصیه بذل حوصله نموده و باذکر داستان یک پیغمبر که شاه هم بود همان پیشگوئی تلویحی فوق را بصورتی متفاوت تکرار نموده است.

در آیات ۳۰ تا ۴۰ به آنحضرت توصیه بذل حوصله نموده و باذکر داستان یک پیغمبر دیگر که او هم شاه بود همان وعده تلویحی فوق را بصورتی دیگر تکرار نموده است.

در آیات ۴۱ تا ۴۸ با ذکر یک نمونه عالی یک پیامبر صبور که به موفقیت بزرگ رسید همان وعده تلویحی را به نحوی دیگر تکرار فرموده است.

در آیه ۸۷ پیشگوئی تحقق یافته ای هست مبنی بر اینکه مخاطب های قرآن منحصر در مردم مکه نخواهد ماند.

### سوره قصص

در آیه ۵ پیشگوئی کرده که امروز تحقق آن را بسیار واضح تر می بینیم تا ۱۴۰۰ سال قبل.

در آیه مذکور فرموده : (و چنین اراده کرده ایم که بر کسانی که در روی زمین ضعیف نگه داشته شده اند برکت داده و آنها را پیشوایان قرار دهیم) بدون تردید «کسانی که در روی زمین ضعیف نگهداشته شده اند» کسانی میباشند که ما آنها را «مردم عادی» مینامیم، و هرچه از امروز به عقب برویم این پدیده را - که بی اهمیت دیدن اشخاص عادی باشد - پررنگ تر می بینیم، بطوری که از دو قرن به قبل، این جریان را (هرچه در زمان به عقب تر برویم) پررنگ و پررنگتر می یابیم که «آدم عادی» اهمیتی نداشته و اهمیت از آن اشخاص قدرتمند و ثروتمند و «مند»های دیگر بوده است.

اما امروز، دارندگان پیشوندهای «مند» مذکور، همگان بطور عملی و رفتاری، معترف به «ارباب» بودن مجموع اشخاص عادی میباشند،

امروز چنین است که صاحبان سرمایه های بزرگ مالی سعی زیاد میکنند که توجه مردم عادی را به تولیدات خویش جلب نموده و آنها را در زمره خریداران محصولات خویش درآورند، و در این راه به همه نوع ترفندی، حتی دروغ و تقلب و وعده پوچ و توخالی و چه و چه متوسل میشوند، و همزمان احزاب سیاسی بزرگ سعی میکنند آنها را در زمره هواداران خویش در آورند، و صاحبان افکار و اندیشه سعی میکنند آنها را در زمره پیروان خویش در بیاورند، و صاحبان کمپانی های فیلمسازی سعی میکنند آنها را در ردیف تماشاچی های خویش،

و صاحبان .. سعی میکنند آنها را در زمره .. خویش درآورند و همه آنها در رقابت با یکدیگر به همه آن روش های ناسالم از قبیل دروغ و کلک و وعده توخالی و کلاهبرداری و چه و چه می پردازند.

این جریان، اکنون، بجائی رسیده که یکی با استفاده از انواع رسانه های بیشمار سعی میکند به شخص عادی دروغ بگوید و رای سیاسی او را بدست آورد و دیگری تلاش میکند با انواع تبلیغات خرید او را و دیگری و دیگری کوشش میکنند به او دروغ بگویند و پیروی او را و علاقه و توجه او را و تحسین او را کسب کند .

این چیزی است که هرکس تجربه ای از آن دارد و ماحصلِ مجموع این تلاش ها از سوی نخبگان جوامع این است که مدعن و معترف می باشند که امروزه، «ارباب»، همان کسی است که هرچه در زمان به عقب و عقب تر میرویم او را بی اهمیت و بی اهمیت تر می دیده اند.

کل این جریان که روز بروز قوی تر میشود، «جدید» است و تاریخی کمتر از دویست سال دارد، و پیشگوئی که قرآن از این امر نموده مسبوق به هزار و چند صد سال قبل است.

در آیات ۷ تا ۴۲ در داستان حضرت موسی و ضعف مطلق او و پیروانش و قوت مطلق فرعون و پیروانش و پیروزی او بر فرعون، تلویحا این پیشگوئی نهفته است که : وضع شما هم به این منوال نمی ماند و هنگام پیروزی شما هم میرسد.

در آیات ۷۶ تا ۸۴ نظیره سازی مطرح نموده که طی آن این پیشگوئی تلویحی را دارد که وضع شما بهبود خواهد یافت و دشمن شما از صحنه خارج خواهد گردید.

در آیه ۸۶ با ذکر یک نعمت عظیم که به آنحضرت انعام شده، تلویحا این وعده را دارد که ما همان صاحب نعمتیم و نعمت های دیگری نیز در راه است.

در آیه های ۸۷ و ۸۸ با نهی شدید از کوچکترین سعی برای نزدیک شدن به فعالان

مخالفت با آموزه های وحی، تلویحا این پیشگوئی را دارد که دست شما بالاتر است و لزومی ندارد به آنان کوچکترین امتیازی بدهید.

### سوره نمل

در آیه ۱ مجموع آنچه که تا زمان نزول این سوره نازل شده را قرآن نامیده و چنانکه قبلا دلیلش را گفته ایم در این یک پیشگوئی تحقق یافته هست.

در آیات ۷ تا ۱۴ اشاره به قولی که به یکی از پیامبران سابق داده شده و آن تحقق یافته، میکند، و در این، این پیشگوئی تلویحی نهفته هست که در مورد آنحضرت نیز همینطور خواهد بود.

در آیات ۱۵ تا ۴۴ داستان دو «پیامبر-شاه» را نقل و تلویحا میگوید تو را هم میتوانیم موفق کنیم.

در آیات ۴۵ تا ۵۸ داستان دو قوم از اقوام پیشین را نقل میکند که خیلی بدرفتار بودند و مضمحل شدند و در آن این پیشگوئی تلویحی هست که رفتار قوم تو نیز تغییر خواهد کرد.

در آیه ۷۲ پیشگوئی مبنی بر تغییر اوضاع فعالان مخالفانش وجود دارد.

در آیه ۷۶ مجددا کلمه قرآن را بکار برده که گفتیم این یک پیشگوئی محقق شده است.

در آیه ۷۹ به زبانی تلویحی نزدیک به صریح به آنحضرت وعده موفقیت داده است.

در آیه ۹۲ باز هم کلمه قرآن را ذکر نموده است که پیشگوئی واضحی است.

در آیه ۹۳ به صراحت پیشگوئی نموده که هم روز هجرت و هم در روز فتح مکه همگان دیدند.

### سوره مریم

در آیات ۲ تا ۱۵ الطاف الهی که به یک پیامبر فرعی از شریعت حضرت موسی شده را ذکر نموده و از آن تلویحا این پیشگوئی درک میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از آن بزرگوار کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد.

در آیات ۱۶ تا ۳۳ لطف اعجازی الهی در مورد یک دختر عابده ذکر شده و از آن بوی این وعده تلویحی الهی استشمام میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از او کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد.

در آیات ۴۱ تا ۵۸ الطاف الهی که در مورد ۴ پیامبر ذکر شده، و از آن تلویحا این وعده درک میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از آنان کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد.

در آیه ۶۶ با بکار بردن کلمه انسان این وعده را میدهد که مخاطب های آنحضرت محصور و منحصر در اهالی مکه نیست بلکه مخاطب های او از مکیان تجاوز نموده و کل جهان انسانیت را پوشش خواهد داد، که البته امروز نسبت

به روز نزول این آیات تحقق قسمت بزرگی از این پیشگوئی را می بینیم.

آیه ۶۷: در این خصوص در ابتدای سوره دهر، بحثی عرض کردیم.

آیه های ۶۹ و ۷۰: ملاحظه می فرمائید که در اینجا نیز نکوهش های قرآنی متوجه «سران» جوامع است.

آیه ۷۳: وضع فعلی خود را به رخ مؤمنان می کشند و می گویند اگر چیزی که نزد شما هست، یعنی همان «آیات روشنگر» چیز بدرد بخوری بود لااقل می باید این فایده را داشته باشد که وضع مالی و معیشتی شما را بهبود ببخشد و از سطح ما بالاتر ببرد.

آیه ۷۴: جواب آنها را می دهد که پیشینیان که هلاک شدند، ساز و برگشان، مانع هلاکت آنها نشد، و در این این پیشگوئی تلویحی هست که این معادله تغیی خواهد کرد.

آیه ۷۱: «وارد» به معنی «داخل» نیست، بلکه معنی «نزدیک به محدوده» را داشته و «ها» به جهنم اشاره میکند.

کلمه «عذاب» در آیه ۷۵ به چه معنی است؟

واضح است که «عذاب آخرت» نمی تواند باشد زیرا آخرت پس از قیامت است و معنی ندارد اول دومی را بگوید.

با توجه به داستان های هلاکت اقوام پیشین که در سوره های این مرحله و مرحله قبل دائماً دارد متعرض آن می شود کلمه «عذاب» در آیه ۷۵ به معنی «عذاب هلاکت» یا سایر انواع عذاب هایی است که قبل از قیامت و در همین جهان اتفاق می افتد.

چون چند سال پس از نزول این آیه کفار در جنگ های بدر و خندق شکست سختی

خوردند و در جنگ احد هم پیروزی به دست نیاوردند، لذا شکست در جنگ‌ها و بالاخره تسلیم شدن در روز فتح مکه، مصداق کلمه عذاب فوق‌الذکر است و آیه ۷۵ جزء آیات حاوی معجزه قرآنی است.

### سوره یوسف

قصه یوسف چیست؟

برادرانی که بر برادرشان حسد می‌ورزند و تا آنجا پیش می‌روند که او را بکشند، تا اینکه یکی شان (که خون پیغمبرزادگی اش به جوش می‌آید! می‌گوید نه بابا گناه دارد! چرا بکشیدش؟ توی یک چاهی بیاندازید شاید بعضی‌ها پیدايش کردند!) و خلاصه اینکه برادرشان را تا حد مرگ می‌آزارند و او سر از جای دیگر در می‌آورد و تقریباً شاه می‌شود و برادران سابق، حالا دیگر سر تعظیم و تسلیم خم می‌کنند که بله حق با تو بود و ما خطاکاریم.

آیا داستان پیامبر ما غیر از این بود؟

کسانی که همه جور او را به خوبی می‌شناختند بارها کمر به قتل او بستند؟ به انواع طرق سعی در خاموشی صدایش نکردند؟ تا نهایتاً امکاناتشان عرصه را بر او و دوستدارانش تنگ نکردند؟

تا اینکه زد و یک طوری شد و او از جایی دیگر سر در آورد و شاه شد و به دار و دیارش برگشت و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم فرود آوردند که تو راست می‌گفتی و ما خطاکاریم.

بله، داستان‌های قرآنی (و بطور کلی هر متن قرآنی) آن روزها که داشت نازل میشد به منظور ایجاد سرگرمی نازل نشده بود، و امروز هم که قرن‌ها از نزولش می‌گذرد، و فردا که قرن‌های بیشتری از نزولش گذشته خواهد بود، خواننده را باید به این فکر بیاندازد که چرا خداوند این مطالب را فرموده؟

منظور خداوند در آن روز های نزول سوره یوسف این بود که به پیامبر (ص) و مسلمانان بگوید کمی دیگر صبر کنید، شما هم یوسف وار پیروزمندانه به آنها باز خواهید گشت ولی مانند آنان نباشید.

در آیه ۲ کلمه «قرآن» را بکار برده، در حالیکه هنوز نیمی از قرآن فعلی نیز نازل نشده بود، و این یک پیشگویی است که تلویحا میگوید ای پیامبر! تو موفق خواهی شد رسالت را به خوبی به اتمام برسانی.

در این پاراگراف بلند و با ذکر این داستان عجیب تلویحا به آنحضرت و یارانش وعده میدهد که اوضاع و احوال شما چنان در جهت مطلوب تان دگرگون خواهد شد که مانند یوسف بر آنها غالب خواهید شد و آنها عذرخواه تان خواهند شد. و البته چنانکه همگان میدانند، این پیشگویی نیز به تحقق پیوست.

### سوره حجر

در آیه ۱ از قرآن نام برده که چنانکه قبلا دیده ایم یک پیشگویی تحقق یافته است.

در آیه ۲ مطلبی را پیشگویی کرده که چیزی نگذشت که درستی آن معلوم شد .

این سوره که در سال پنجم قبل از هجرت نازل شده در آیه مذکور گفته که عده زیادی از کافران آرزو داشتند که کاش میتوانستند مسلمان شوند. درستی این سخن در فتح مکه معلوم شد که مردم فوج فوج مسلمانان شدند

و بدیهی است که حرکت جمعی بدون مقدمه انجام نمی پذیرد و مقدمه اش از نزول این سوره شکل گرفته بوده و ظرف چند سال آنقدر عمیق و وسیع شده که به فوج فوج مسلمان شدن جمعی (پس از رفع مانع) منجر شده است.

در آیه ۹ میفرماید: البته ما خودمان آن پند را (یعنی قرآن را) فرستادیم و خودمان هم نگهدارش خواهیم بود.

تا وقتی که قرآن وجود دارد، هر روزی که بگذرد و قرآن وجود و اعتبار خویش را همچنان داشته باشد، و به آن ادامه دهد، درست در آمدن پیشگوئی موجود در آیه فوق نیز، دائماً تازه تر و تازه تر می گردد.

این پیشگوئی از نوع پیشگوئی های کِشدار است و تحقق یافتن آن هنوز هم ادامه دارد.

معنی آیه ۹ این است که قرآن محفوظ است و تحریف نخواهد شد و البته می دانیم که نشده و این نیز یکی از پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی و در عداد معجزات است.

از این پس نیز امکان تحریف ندارد زیرا میلیون ها نسخه از آن در زبانهای مختلف در کتابخانه ها و موزه ها وجود دارد و قرآن شناسان در سراسر جهان هستند.

بعلاوه قرآن خود را نور، و وسیله هدایت، و فرق گذار بین حق و باطل، و کتابی که باطل هیچگونه راهی به آن ندارد، و موعظه، و پند، و ... نامیده و قرآن موجود نیز همه این مشخصات را دارد (یعنی تاکنون «محفوظ» بوده)

البته این دلیلی است بسیار صحیح و کاملاً معقول، اما فقط قرآن شناسان

هستند که با توجه به این دلیل می‌توانند گواهی عدم تحریف بدهند.

اما از لحاظ «سند»ی، چون قرآن همیشه (در تمام این حدود ۱۵۰۰ سال) نوشته و نگهداری شده و در موزه‌ها موجود است، اشخاص معمولی هم می‌توانند گواهی فوق را بدهند.

در آیات ۵۱ تا ۵۶ الطافی را که به حضرت ابراهیم شده به یاد می‌آورد با این پیشگوییِ تلویحی که ای پیامبر برای تو نیز الطاف خودمان را منظور کرده ایم که به وقتش ارائه می‌کنیم.

در آیات ۵۷ تا ۸۴ سرگذشت دو قوم از اقوام پیشین را ذکر کرده که اصرار در تکذیب و نافرمانی پیامبرشان سبب اضمحلالشان شد، و در این، یک پیشگوییِ تلویحی نهفته است که ای پیامبر فعالانِ مخالفان تو نیز بزودی تغییر رویه خواهند داد یا مضمحل خواهند گردید.

در آیه ۹۵ می‌فرماید: که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفایت می‌کنیم. میدانیم که پیامبر را در ابتدای رسالتش مسخره می‌کردند.

در بین آنها کسانی بودند که قدرت شعر و خطابه داشتند. و آن روزها هم شعر و خطابه وسیله مهمی بود که صاحبش را در رسیدن به مقصود کمک می‌کرد. چنانکه دیدیم پیامبر اکرم (ص) از همه خطراتی که رسالتش را تهدید می‌کرد به سلامت گذشت و این هم یکی از آن موارد بود و لذا آیه فوق نیز در عداد پیشگویی‌های تحقق یافته می‌باشد.

در آیه ۸۷ توجه آنحضرت را به این نکته جلب میکند که چه نعمت عظیمی از سوی خداوند دریافت کرده و در این، وعده ای تلویحی نهفته است که باز هم از الطاف الهی

بهرمند خواهد بود.

در بقیه سوره راهکارهای رفتاری و عبادی به آنحضرت ارائه میفرماید که معنی آنها این است که تو را موفق میکنیم.

در آیه ۱۹ میفرماید: و زمین را گسترانیدیم و در آن لنگرهای قرار دادیم و از هر چیزی موزون در آن رویاندیم.

در آیه فوق سه پیشگویی علمی تحقق یافته وجود دارد:

۱- زمین را کشیدیم.

۲- در آن لنگرهای قرار دادیم.

۳- از هر چیزی موزون در آن رویاندیم.

البته باید دانست که منظور از «زمین» (با توجه به مخاطبهای آنروزی این آیه) قسمت «خشکی» زمین بوده است و لذا هر سه این موارد که دو تای اول به علم زمین‌شناسی و سومی به زیست‌شناسی مربوط می‌شود، و امروز جزء بدیهیات است، در آن روزها، علم هیچ عالمی به آنها نمی‌رسیده، و لذا این آیه جزء پیشگویی‌های تحقق یافته بوده و در عداد معجزات قرآنی می‌باشد. توضیح اینکه «زمین را کشیدیم» اشاره است به آن قسمتی از عمر زمین که سطح آن کاملاً مذاب بود و در اثر «باران»های طولانی مدت آن مرحله، قسمتی از سطح آن که در اثر فعل و انفعالات آتشفشانی، موادی غیر از آب را در بر می‌گرفت، کم‌کم از حالت مذاب به حالت خمیری مانند در آمده، و در اثر نیروی گریز از مرکز از حالت توده‌ای، کش آمده، و مسطح شده، و قسمت خشکی کره زمین را که اصل قاره‌ها می‌باشد ساخته است.

آن قسمتی که می‌فرماید «و در آن لنگرهائی قرار دادیم»، اشاره به کوه‌هاست که قسمتی از آنها که در بیرون قرار دارند، نزدیک به یک هفتم قسمتی هستند که داخل زمین قرار دارند و نقشی شبیه به لنگر را دارند که مانع از جدائی نقاط خشکی از یکدیگر می‌شوند و اگر کوه‌ها نبودند و پوسته زمین یکنواخت بود، زلزله‌ها و گسل‌ها آنقدر زیاد می‌شد که هیچ تمدنی روی زمین شکل نمی‌گرفت.

و آن قسمتی که می‌فرماید «و از هر چیزی موزون در آن رویاندیم» اشاره به توازن و تعادل کلی در «زنجیره غذائی» است که بحثی است بسیار شیرین و امروز بکلی جا افتاده و روشن است اما در آن روزها کاملاً ناشناخته بود و اساساً متمدن‌ترین مردم آن روزها نیز، از این نوع مطالب کاملاً بیگانه بودند.

### سوره طه

در آیه ۲ باز هم از کلمه قرآن برای نامگذاریِ مجموع آنچه تا آن موقع نازل شده استفاده نموده که این، چنانکه بارها شرح دادیم، یک پیشگوئیِ تحقق یافته است.

در آیات ۹ تا ۷۹ به آن قسمت از داستان موسی و فرعون می‌پردازد که موسی با دست خالی به مصاف بزرگترین تمدن آنروز جهان رفت و پیروز شد و در این یک پیشگوئیِ تلویحی نهفته است که تو نیز موفق خواهی شد.

در آیات ۸۰ تا ۹۹ به آن قسمت از داستان بنی اسرائیل می‌پردازد که از دست فرعونیان نجات یافتند اما بد رفتاری پیشه کردند و در این تلویحاً این پیشگوئی نهفته

است که ای مسلمانان! بزودی نجات خواهید یافت، اما شما پس از نجات چنین مباحثید.

در آیه های ۱۱۳ و ۱۱۴ دو پیشگویی تحقق یافته هست :

۱ - اسم قرآن را آورده و این یک پیشگویی تحقق یافته است، که یعنی تو اینقدر در رسالت میمانی که نزول قرآن تکمیل شود.

۲ - در باره ادامه رسالتش به او نوید داده که اضطراب نداشته باش و طمانینه پیشه کن و تقاضای تعالی نفسانی کن.

در آیات ۱۲۹ تا ۱۳۴ پیشگویی تلویحی نهفته است که موفق میشوی، اما برای افزایش ظرفیت هایت برای مسیری که تو را به موفقیت برساند لازم است حوصله بیشتر کنی و چنین عبادت کن و ...

در آیه ۱۳۵ میفرماید : بگو همگی منتظرند، شما هم منتظر باشید پس بزودی خواهید دانست که اهل جاده درست چه کسانی هستند و هدایت یافته کیست.

در آیه فوق جمله «پس بزودی خواهید دانست ...» از جمله پیشگویی های تحقق یافته می باشد.

### سوره انعام

در آیه ۵ فرموده : البته چیزی که تکذیب کردند حقی بود که بسویشان آمده بود پس بزودی خبر آنچه را که استهزایش میکردند خواهند شنید.

در آیه فوق به وضوح خبر از پیروزی «قربالوقوع» مسلمانان می دهد.

چنانکه می‌دانیم این پیروزی، «بزودی» بوقوع پیوست زیرا سوره انعام در زمانی نزدیک به هجرت نازل شد و لذا این آیه در عداد پیشگوئی‌های تحقق یافته قرآنی قرار دارد.

در آیه ۱۹ به عنوان مجموع نزولات وحی تا زمان نزول این سوره از کلمه قرآن استفاده نموده که چنانکه دیدیم این یک پیشگوئی تحقق یافته است و معنی اش این است که نزول قرآن تا تکمیل وحی ادامه خواهد یافت.

در آیات ۳۳ تا ۳۶ به او میگوید آنها تو را تکذیب نمیکنند و در حقیقت آیات الهی را تکذیب میکنند و به نتیجه کار پیامبران سابق بنگر که بر این موضوع صبر کردند و نهایتاً هم پیروز میدان بودند ، در این نیز یک پیشگوئی تلویحی دایر بر موفقیت آنحضرت وجود دارد .

در آیات ۷۴ تا ۹۰ دو پیشگوئی تلویحی وجود دارد :

۱ - داستان ابراهیم که سرانجام پیروز میدان همو بود، با این پیشگوئی تلویحی که سرانجام تو نیز چنین خواهد بود.

۲ - ذکر الطافی که ابراهیم از سوی خداوند دریافت کرد، با این پیشگوئی تلویحی که ذریه تو نیز مانند ابراهیم ذریه طیبه خواهد بود.

در آیه ۱۰۸ یک رفتار استراتژیک به مسلمانان می آموزد و چنین رفتاری متعلق به کسانی است که موضوع را بلند مدت می بینند و در این، این پیشگوئی تلویحی نهفته است که شما برقرار خواهید بود .

در آیه های ۱۱۶ و ۱۱۷ که آنحضرت را از امتیاز دادن به خصم منع میکند پیشگوئیِ موفقیتِ آنحضرت نهفته است.

در آیه ۱۳۵ که میگوید «هر کاری که از دستتان بر می آید انجام دهید» پیشگوئیِ تحقق یافته ای هست که دیدیم آنها نتوانستند مانع استقرار گفتمان آنحضرت شوند.

در آیه ۱۲۵ میفرماید: اگر خداوند بخواهد کسی را هدایت کند سینه اش را برای (پذیرش) اسلام باز می کند و اگر بخواهد گمراه کند سینه اش را تنگ و سخت می کند گوئی که دارد به آسمان صعود می کند. خداوند به این روش عذاب را بر کسانی که ایمان نمی آورند برمیگمارد.

مطلبی که در آیه فوق در رابطه با «تنگی نفس در ارتفاعات» آمده، با توجه به تاریخ نزول قرآن و نوع مخاطب های آن روزی و اینکه کوهنوردی و صعود به ارتفاعات به هیچ روی با آن میزان علم آن مخاطب ها سنخیتی نداشته یکی از معجزات علمی قرآنی است.

زیرا در آن زمان بالن و هواپیما اختراع نشده بود و تا دویست سال پیش نیز کسی به قله اورست صعود نکرده بود تا کسی بتواند با این صراحت نفس تنگی حاصل از صعود را که در نتیجه کاهش تراکم اکسیژن در طبقات بالاتر جوی است مطرح کند.

#### سوره اعراف

در آیات ۲۶ تا ۳۶ که با تاکید و تکرار کلمه «بنی آدم» را بکار برده دارد میگوید مخاطبان متحصّر به این اهالی مکه نخواهد ماند بلکه پیام الهی تمام

انسانها را متوجه خویش خواهد نمود، و این پیشگوئی است که با گذشت زمان تحقق روزافزونس را داریم می بینیم.

در آیات ۵۹ تا ۶۴ با ذکر داستان قوم نوح که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۶۵ تا ۷۲ با ذکر داستان قوم عاد که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۷۳ تا ۷۹ با ذکر داستان قوم ثمود که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۸۰ تا ۸۴ با ذکر داستان قوم لوط که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۸۵ تا ۹۳ با ذکر داستان قوم شعیب که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۱۰۳ تا ۱۳۷ با ذکر داستان موسی و فرعون که آنحضرت و پیروانش نجات و فرعون و فرعونیان اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۱۳۸ تا ۱۶۲ که به داستان بنی اسرائیل پس از نجاتشان می پردازد و بدرفتاریهایشان را نکوهش میکند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و به آنان هشدار میدهد مبدا شمام پس از نجات مانند آنان کنید.

در آیات ۱۶۳ تا ۱۷۱ با نکوهش عده ای از بنی اسرائیل که از ترفند «کلاه شرعی» استفاده کرده بودند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا آنها را از ارتکاب «کلاه شرعی» برحذر میدارد.

در آیات ۱۷۵ تا ۱۷۹ با نكوهش رفتار آن عالم بنی اسرائیلی تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا علماء آنها را از ارتكاب «دین فروشی» برحذر میدارد.

در آیات ۱۹۹ تا ۲۰۶ كه آنحضرت را به ندیده گرفتن رفتارهای فعالان مخالف، و صبر، و در پیش گرفتن رفتارهای عبادی خاص، توصیه میکند این وعده مستتر است كه این اوضاع و احوال تو و پیروانت در جهت مطلوب تان تغییر خواهد كرد.

### سوره كهف

در آیه ۱ كه فرموده هیچ اعوجاجی در قرآن نیست ، یک پیشگوئی كشار است كه بیش از ۱۴ قرن است درستی آن پذیرفته شده است.

در آیه ۶ كه آنحضرت را از درگیر شدن بیش از حد با موضوع رسالتش منع میکند این پیشگوئی نهفته است كه تو فقط پیام را برسان و تاثیرش را به ما واگذار و در بطن این توصیه پیشگوئی موفقیت آنحضرت نهفته است.

در آیات ۹ تا ۲۶ با ذكر داستان اصحاب كهف تلویحا به آنحضرت و پیروانش میگوید كه خداوند كار خویش را پیش می برد ولو اینکه شما نتوانید كار خاصی کنید و در این مطلب پیشگوئی پیروزی جبهه آنحضرت و پیروانش نهفته است.

در آیه ۲۸ كه حاوی توصیه صبر و توجه بیشتر به اعضاء جبهه خودی است این پیام نهفته است كه این ایام به پایان خواهد رسید و تو و پیروانت موفق خواهید شد.

در رابطه با آیه ۱۸ چگونه یكنفر می تواند چنانكه در آیه ۲۵ ذكر شده، سیصد

سال بخواهد؟ در آیه فرموده، «آنها را به چپ و راست می‌گردانیم» به این ترتیب از فساد و عفونت بدن آنها که مدتی طولانی را در یک حالت بسر ببرند جلوگیری می‌شد. نکته‌ای که در این قسمت از آیه است یک نکته علمی پزشکی در حوزه پرستاری است. و اگر اینطور نبود که آنها به چپ و راست گردانده شوند، ماندن آنها بمدت طولانی در یک حالت ثابت سبب پوسیدگی و فساد قسمت‌هایی از بدن آنها می‌گشت. (موضوعی که به «زخم بستر» معروف است)

این موضوع نیز از آندسته موضوعاتی است که جزء کشفیات دویست و پنجاه سال اخیر است و برای آن روزها کاملاً ناشناخته بوده و لذا جزء پیشگوئی‌های تحقق‌یافته علمی است.

با توجه به آیه ۲۵ چنانکه امروزه می‌دانیم سیصد سال شمسی و سیصد و نه سال قمری با هم مساویند و این موضوع نیز با توجه به زمان نزول این سوره که در کل جهان هنوز یک تقویم درست و دقیق طراحی نشده بود (چه رسد به اعراب کم تمدن بی‌سواد آن روزها) یک پیشگوئی حاوی معجزه علمی است.

تهیه تقویم دقیق به حدی از درجات علمی نیاز دارد که جهان تا قبل از «عمر خیام نیشابوری» فیلسوف و ریاضیدان دوره سلجوقی و پیدایش تقویم جلالی به آن نرسیده بود و لذا ذکر چنین مطلبی نوعی پیشگوئی علمی است که بیش از ۴۰۰ سال در انتظار ماند تا تحقق یابد. و لذا از معجزات علمی قرآنی است.

ضمناً برای تنوع، این چند سطر ذیل را از ویل دورانت داشته باشید: «گاه شماری آتن حاکی از آن است که این مردم در علم نجوم چندان پیشرفتی نداشتند. در بین یونانیان یک تقویم عمومی و مشترک موجود نبود» (نقل از صفحه ۸۰ یونان باستان از مجموعه تاریخ تمدن ویل دورانت)

با توجه به آیه ۱۷، در شرحی که از وضعیت آفتاب در رابطه با غار آنها می‌دهد معلوم می‌شود این غار، غاری است که روزی کشف خواهد شد و کاشفان از روی این علامتها تشخیص خواهند داد که غار مورد نظر کاشفان بدرستی همان غار مورد بحث هست یا نه. و چنانکه می‌دانیم این غار با همین مشخصات در پنجاه سال اخیر کشف شده، و این آیه به یکی از معجزات قرآنی تبدیل گشته است.

در آیات ۸۳ تا ۱۰۲ داستان مرد مومنی را که حتی پیغمبر هم نبود، ذکر میکند که چگونه به اوج قدرت و ثروت رسید و آن دو عامل موفقیت را در راه صحیح مورد استفاده قرار داد، و این داستان پیشگوئی تلویحی است که ای مسلمانان وضع شما هم از حالت موجود به حالت مطلوب تغییر خواهد کرد.

### سوره فرقان

در آیه ۱ که مخاطب های قرآن را منحصر به مکه ای ها ندانسته، حاوی یک پیشگوئی محقق شده است .

در آیه ۳۰ برای مجموع نزول وحی تا زمان نزول این سوره کلمه قرآن را بکار

برده که در این، چنانکه قبلاً باره توضیح داده ایم، یک پیشگوئی محقق شده هست .

همچنین است در آیه ۳۲.

در آیه ۳۳ میفرماید : برای تو مثلی نمیزنند (مانند همان شاعر و کاهن و مجنون و مفتری و امثال آن که راجع به آنحضرت میگفتند) مگر اینکه ما در باره تو حق و تفسیر بهتر (مانند پیامبر آخر الزمان و خاتم الانبیاء و گل سر سبد آفرینش و فخر بشر و امثال آن که آنچه خداوند گفته حق است و آنچه بشر گفته تفسیر است) می آوریم که این یک پیشگوئی تحقق یافته است.

در آیات ۳۵ تا ۴۰ عاقبت برخی اقوام هلاک شده پیشین را آورده، و در این، پیشگوئی تلویحی موفقیت آنحضرت مستتر است.

در آیه ۵۲ که آنحضرت را از هرگونه کوتاه آمدن در مقابل کافران منع کرده، و برعکس، توصیه به «جهاد کبیرا» فرموده، پیشگوئی مستتر است که موفق خواهی شد.

در رابطه با آیه ۵۴ قبلاً در سوره علق خواندیم که خداوند انسان را از علق آفرید، بعداً در سوره یس خواندیم که از خاک آفرید و در اینجا در آیه ۵۴ می خوانیم که از آب آفرید.

کدامش درست است؟ هر سه درست است و منشاء نزدیک آفرینش آدمی، علق است و منشاء دورتر آن نوعی ماده رسوبی است که در سوره یس به آن

اشاره شده و منشاءِ باز هم دورتر از آن آب است که اگر نمی‌بود آن ماده رسوبی تشکیل نمی‌شد. و این نوع طرح مطلب، از معجزات علمی بارز قرآنی است که باید زیست‌شناسان درباره آن داد سخن دهند.

در آیات ۶۳ تا ۷۷ چک لیستی آورده که دارندگان آن صفات، کیفیت انسانی بالا و والائی دارند و خود درج این چک لیست نوعی پیشگوئی است که در حال تحقق دائمی است .

#### سوره سجده

در آیه ۲۱ عذابی را به فعالان کفر وعده داده که قبل از «بزرگترین عذاب» (یعنی آخرت) بر سرشان خواهد آمد، و چنانکه دیدیم در (جنگ بدر و فتح مکه) عذاب شکست مفتضحانه را تجربه کردند.

در آیات ۲۳ تا ۲۵ با اشاره به پیروزی موسی بر فرعون تلویحا پیشگوئی نموده که تحقق یافت.

در آیه ۲۶ با اشاره به اقوام پیشین که در مقابل پیامبران چنان رفتارهایی پیشه کرده بودند تلویحا پیشگوئی نموده که دیدیم تحقق یافت. در آیه ۳۰ که به آنحضرت توصیه میکند به آنها اهمیتی نده، تلویحا پیشگوئی نموده که موفق خواهی شد .

#### سوره زمر

در آیه ۸ با نام بردن از انسان، این پیشگوئیِ تلویحی را دارد که مخاطبان قرآن محصور و منحصر در مکه ای ها نخواهد ماند.

در آیه ۲۸، قرآن را بدون اعوجاج معرفی نموده و این موضوع در این بیش از ۱۴ قرن معارضی نداشته است و جزء پیشگوئی های کِشدار میباشد.

در آیه ۳۶ تلویحا میفرماید که آنها نخواهند توانست آسیبی به تو بزنند که همینطور هم شد.

در آیه ۴۹ کلمه انسان را ذکر کرده و چنانکه قبلا دیدیم در این موضوع یک پیشگوئی محقق شده هست.

در آیه های ۶۴ تا ۶۶ اگر دقت شود تنذیری بکار رفته که فقط از کسانی بر می آید که از موضع خویش مطمئن میباشد و تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را میکند.

### سوره لقمان

در آیه ۱۴ از کلمه انسان استفاده نموده و در این پیشگوئی است که مخاطبان قرآن محصور و منحصر در مکه ای ها نخواهد ماند.

در آیه ۱۰ میفرماید : آسمانها را بدون ستونهایی که بینیدشان آفرید و در زمین لنگرهائی انداخت تا مبادا شما را بلرزاند و از هر گونه جنبندها در آن گسترد و از آسمانی آبی فرستادیم و در آن از هر گونه روئیدنی باارزشی رویاندیم .

آیه فوق که به «ستونهای نامرئی آسمانها» اشاره می کند یک پیشگوئی علمی است و همچنین «لنگرهای زمینی» نیز که قبلا شرحش را دادیم.

در آیه فوق بطور وضوح برای آسمان‌ها ستون‌هایی را فرض نموده اما فرموده شما آن را نمی‌بینید. که این سخن حتی امروز هم در کمال درستی است. هنگام نزول این آیه، نه تنها علم اعراب بلکه علم متمدن‌ترین نقاط آن روز زمین نیز به حدی نبود که بتوانند چنین سخنی را درک کنند و هنوز بیش از هزار سال به بیان نظریه جاذبه عمومی نیوتن مانده بود.

### سوره عنکبوت

در آیه ۸ کلمه انسان را ذکر کرده و چنانکه قبلاً دیدیم در این موضوع یک پیشگوئی تحقق یافته نهفته است.

در آیه ۱۱ با ذکر کلمه منافقین بطور روشن وعده پیروزی داده، و این اولین بار است که این کلمه در قرآن استفاده میشود و معنی آن این است که در تاریخ نزول این سوره (که سال دوم قبل از هجرت باشد) عده ای بدون اینکه معتقد به پیامهای آنحضرت باشند به او گرویدند، و این، به این علت بود که آنها در این نهضت «آینده»ای میدیدند و برای خویش از نمد این آینده کلاهی میخواستند. و چنین نیز شد، یعنی موضوع پیشگوئی چنان نزدیک شده بود که اذهان حسابگر معمولی نیز آن را فهمیده بودند.

در در آیه های ۱۴ و ۱۵ با ذکر داستان نوح و غالب شدن او بر خصم و اضمحلال خصم تلویحا پیشگوئی میکند که ای پیامبر تو موفق خواهی شد.

در آیه های ۱۶ و ۱۷ با ذکر موفق شدن ابراهیم (ع) تلویحا برای آنحضرت پیشگوئی

موفقیت میکند.

در آیات ۲۶ تا ۳۵ با ذکر داستان لوط و قومش و موفقیت او و اضمحلال جبهه مخالفش تلویحا این وعده را میدهد که تو موفق و مخالفانت شکست خورده خواهند بود. در آیه های ۳۶ و ۳۷ همین پیشگوئی تلویحی را با اشاره به داستان شعیب و قومش داریم. در آیه ۳۸ شبیه به همین را با اشاره به عاد و ثمود دارد. و در آیه های ۳۸ و ۳۹ در باره فرعونیان.

در آیه ۶۹ با بیانی روشن پیشگوئی موفقیت آنحضرت را کرده است.

### سوره نحل

در آیه ۳۶ با اشاره به اقوام مکذب پیشین و اضمحلال آنها برای آنحضرت پیشگوئی رفع مشکل را نموده است.

در آیه ۳۷ به آنحضرت در چارچوب «مالهم من ناصرین» پیشگوئی نموده و دیدیم که محقق شده است.

در آیه ۴۱ توصیه ای به مهاجرت شده، و دیدیم مهاجرتی با توفیق زیاد به وقوع پیوست.

در آیه ۹۰ با نزول مهم ترین قانون اساسی اجتماعات بشری تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را نموده است.

در آیه ۹۸ با ذکر کلمه قرآن وعده داده که تعالیم وحی تا تکمیلش ادامه خواهد یافت.

در آیه ۱۰۶ تاکتیک تقیه را به مسلمانان تحت فشار مباح اعلام کرده و در این نکته ای است که از آن وعدهء تلویحی موفقیت مستفاد میشود.

در آیه ۱۱۰ قول بهروزی و موفقیت به مسلمانان مهاجر داده و چنانکه میدانیم این پیشگوئی تحقق یافته است.

در آیات ۱۲۰ تا ۱۲۲ با تجلیل از ابراهیم و ذکر موفقیت هایش تلویحا قول موفقیت به آنحضرت نیز داده است.

در آیه های ۱۲۳ و ۱۲۵ او را بر دین ابراهیم ذکر کرده و به او نشان داده که تاکیدش در دعوتش بر چه باشد، و در این پیشگوئی نهفته است که دیدیم تحقق یافته است.

در آیه ۱۲۶ به مسلمانی که هجرت کنند اجازه مقابله به مثل در عوض تعرضات احتمالی خصم را داده، و در این، این پیشگوئی تحقق یافته هست که شما هجرت خواهید کرد و مورد پیگیری و تعرض قرار خواهید گرفت اما آنقدر قوی خواهید بود که مقابله به مثل کنید.

در آیات ۱۲۷ و ۱۲۸ ضمن دلداری به آنحضرت و اینکه به پشتیبانی الهی وعده

اش داده، پیشگوئی موفقیت او – با توجه به اتفاقات بعدی که همه در باره آن میدانند – روشن است.

### سوره روم

در آیات ۲ تا ۴ میفرماید: روم مغلوب شد (۲) در نزدیک ترین سرزمین. و همانها پس از شکستشان بزودی غالب میشوند (۳) ظرف سالهائی اندک. زمام امور چه قبل (از آن) و چه بعد (از آن) بدست خداست. و مومنان در آنروز شاد میشوند (۴)

امپراطوری روم شرقی، بیزانس، که مرکز آن همان استانبول فعلی بوده، شکست خورده بود و مسلمانان نسبت به سرنوشت آن کشور که هر چه باشد پادشاه آن مسیحی بوده، علاقمندتر بوده‌اند (تا طرف مقابل که به نظر آنها مشرک بوده) و این شکست روحیه مسلمانان را پائین آورده بود. در قرآن در این آیه ها خبر از پیروزی قریب‌الوقوع رومیان «فی بضع سنین» (یعنی در کمتر از ده سال) داده شده است. و ما برای واقع شدن این پیروزی و درست در آمدن این وعده، علاوه بر دلایل تاریخی، همین یک دلیل عقلی برایمان بس است که اگر اینطور نشده بود، امروز صدای خنده و تمسخر کفار و منافقان و ملحدان حتی از پس این چهارده و اندی قرن، گوش‌مان را پاره می‌کرد. هم مسلمانان برای تحقق این وعده الهی روزشماری می‌کردند و هم کفار و منافقین حساس بودند که اگر این وعده عملی نشود خوب دستاویزی برای آنها پیدا می‌شود تا اساس اسلام را مورد تخریب قرار دهند. اما در سال نهم پس از نزول این آیه، این پیروزی محقق گشت. و کفار و منافقین یکبار دیگر سرخورده گردیدند.

پیش‌بینی به این روشنی، آنهم با ذکر مدت، آنهم درباره چیزی که مسلمین هیچ اثر و نقشی در تحقق آن نداشتند، غیر از آنکه به مبدأ امر نسبت داده شود راه عقلی دیگری ندارد.

در آیه ۴۷ عاقبت اقوام پیشین را که بر کفر و تکذیب اصرار میورزیدند ذکر کرده و تلویحا پیشگوئی رفع شرک و کفر و موفقیت آنحضرت را نموده است.

در آیه های ۵۲ و ۵۳ به آنحضرت دلدار می دهد که تو پیامت را برسان و به تاثیرش کاری نداشته باش و به این ترتیب تلویحا پیشگوئی میکند که موفق خواهی شد.

در آیه ۵۸ از کلمه قرآن برای مجموع نزولات وحی تا این زمان استفاده میکند و در این یک وعده محقق هست زیرا هنوز خیلی (بیش از ده سال ، که پایان عمر شریفش باشد) مانده که نزول قرآن پایان پذیرد.

در آیه ۶۰ به آنحضرت توصیه صبر نموده و در این یک پیشگوئی مستتر است که موفق خواهی شد.

در آیه ۴۱ میفرماید : در خشکی و دریا، به سبب آنچه که مردم انجام داده اند، فساد پیدا شده، تا سزای قسمتی از آنچه را که انجام داده اند به آنان بچشانیم، شاید باز گردند.

این آیه بیش از هزار و چهارصد سال است که در قرآن وجود دارد اما امروز با توجه به بحث‌های زیست‌محیطی که از پنجاه سال اخیر به این طرف کم‌کم مطرح شده و اینک به اوج جلب توجه‌کنندگی خویش رسیده، گوئی آیه فوق

دارد بهتر فهمیده می‌شود.

برای این نگارنده خیلی جالب است بدانند قدما از این آیه چه می‌فهمیده‌اند. راجع به «فساد»ی که در قسمت مربوط به «زمین» پیدا شده، می‌توان خیلی توجیهات مختلف، مثلاً ظلم‌ها، جنایت‌ها و غیره، ابراز نمود اما در قسمت مربوط به «دریا» چطور؟

حداکثر قدمت این مشکلات زیست‌محیطی که در دریاها پیش آمده، شصت سال هم نمی‌شود. لذا این آیه حتی تا صد سال قبل هم مفهوم نبود.

این همه سفرنامه‌های مختلف از ابن بطوطه و ناصر خسرو و مارکوپولو گرفته تا جهانگردان قرون جدید و پس از آنها کاشفین قرون معاصر مانند ماژلان و کاپتان کوک و دیگران، هیچکدامشان درباره «فسادی که در دریاها ظاهر شده» کوچکترین صحبتی نکرده‌اند. با توجه به آلودگی زیست‌محیطی که در قرن بیستم در دریاها پیدایش یافت که از نشت نفت نفتکش‌ها، و ریزش آبهای رودخانه‌هایی که فاضلاب‌های صنعتی قبلاً در آنها ریخته می‌شود، حادث می‌گردد کم‌کم عبارت «و دریا»ی آیه فوق نیز مفهوم شد.

لذا آیه فوق از لحاظ اشاره به «فساد در دریا» کاملاً نو، و کاملاً «امروزی»، و در عداد پیشگوئی‌های تحقق یافته علمی است.

### سوره رعد

در آیه های ۶ و ۷ معجزه خواهی بیجای آنها را مورد نکوهش قرار میدهد و در این نوع کلام نوعی وزانت و اطمینان نهفته است، با القاء این نکته که موضع تو صحیح است و اهمیتی به بهانه جوئی های آنان مده و تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را در خویش دارد .

در آیه ۱۷ ضمن مثالی که زده، تصدیق صدق دعوی آنحضرت را به گذشت زمان موکول کرده که دیدیم درست در آمد.

در آیه ۲۷ نیز کلامی آورده که شبیه چیزی است که در مورد آیه های ۶ و ۷ گفتیم.

در آیه ۳۱ که میگوید خداوند وعده اش را به تحقق میرساند، وعده های سابق خویش را مورد تاکید قرار میدهد و این نیز پیشگوئی تحقق یافته دیگری نسبت به آن حضرت است که تو موفق خواهی شد.

در آیه ۳۷ آنحضرت را از اینکه کوچکترین نرمشی (در مطالب اعتقادی) در مقابل آنان نشان دهد برحذر میدارد و در این نیز پیشگوئی دال بر موفقیت آنحضرت در آینده است.

در آیه ۴۳ به تحدی می پردازد که اگر در تعالیم این پیامبر شک دارید غیر از خداوند به «کتاب آسمانی شناس»ها مراجعه کنید، و در این نوع محاجّه تایید آنحضرت و پیشگوئی دال بر موفقیت آنحضرت نهفته است.

در آیه ۲ میفرماید: آسمانها را بدون ستونهای که ببینید برپا کرد.  
شرح مختصری از شبیه به این آیه را در ذیل آیه ۱۰ سوره لقمان عرض کردیم.

### سوره مُلک

در آیه ۳ میفرماید: همو که هفت آسمان را طبقه بر طبقه آفرید. در آفرینش خدای رحمان تفاوتی نمی بینی. چشم بگردان و ببین آیا هیچ ضعف و اختلافی میبینی؟

امروز این موضوع ثابت شده است و از لحاظ متخصصان مربوطه واضح است که اجرام آسمانی یعنی ستارگان و سیارات خارج از این مجموعه شمسی نیز از همین عناصری بوجود آمده‌اند که ما آنها را می‌شناسیم یعنی اینکه همه ستارگان و سیارات و کهکشان‌ها از همین عناصر مطرح در جدول مندلیف ساخته شده‌اند. و موضوعی که در این آیه مطرح شده اصلاً حتی در حد عالیت‌ترین جوامع علمی پانزده قرن پیش نبوده و کاملاً «امروزی» است.

در آیه ۵ میفرماید: البته آسمان دنیا را با چراغ هائی آراستیم و آنها را مایه رماندن شیاطین قرار دادیم و نیز برایشان عذاب آتش مهیا کردیم. در آیه مذکور ستارگان را «چراغ» نامیده که تعبیری است که امروز بهتر فهمیده می‌شود زیرا چنانکه می‌دانیم ستارگانی که از زمین دیده می‌شوند هر کدامشان شبیه خورشید هستند یعنی از خودشان نور و حرارت تولید می‌کنند و مانند ماه نیستند که نور را از جسم دیگری گرفته باشند. و ذکر این تعبیر که از لحاظ علوم امروز صد در صد پذیرفته است، در آن روزها یک پیشگویی علمی عجیب و دور از دسترس عقول اعلیٰ علماء آن روزها بوده است.

### سوره حجّ

قسمتی از این سوره به شهادت محتوایش در قبل از هجرت و بقیه اش در بعد از

هجرت نازل شده است .

مسلمانانی که هجرت کرده بودند از لحاظ سران مشرکان مکه ای، حکم فراری را داشتند و اگر به دست آنها می افتادند دستگیر و آزار میشدند. یکی از آرزوهای ثابت همه مسلمانان و بخصوص عرب های مسلمان شده آن روزها بجا آوردن حج بود .

در آیات ۲۶ تا ۳۷ با شرح و تفصیلی که در مورد احکام حج داده در حقیقت یک پیشگوئی واضح نموده که شما به حج خواهید رفت و این مناسک را انجام خواهید داد.

در آیات ۳۸ تا ۴۱ به واضح ترین شکلی موارد ذیل را پیشگوئی نموده:

۱ - پیروزی مسلمانان مهاجر،

۲ - حق طلبانه بودن دعا و جنگ شان که منجر به پیروزی مذکور خواهد شد،

۳ - موثر بودن مبارزات مذکور در جهت حفظ ایده آل های اصلی.

در آیات ۴۲ تا ۴۵ با نمونه آوردن اقوام پیشین و عاقبت رفتار اصراری تکذیبی آنها پیشگوئی تلویحی موفقیت آنحضرت را نموده است.

### سوره بقره

در آیه های ۲۳ و ۲۴ میفرماید : و اگر درباره آنچه بر بنده مان نازل کردیم شکی دارید، سوره ای مانند آن بیاورید، و غیر از خداوند گواهانتان را دعوت کنید اگر راستگو میباشید و در ادامه آن فرموده و اگر این کار را نکنید و هرگز

## هم نخواهید کرد پس ...

آیه های فوق ما را به این حقیقت منتقل می کند:

دشمنان اسلام اعم از داخلی و خارجی، در این بیش از ۱۴۰۰ سال که به انواع و اقسام توطئه ها و خیانت ها و جنایت ها دست زدند و جنگ های بزرگ به راه انداختند و چه و چه که کردند، علیرغم آنهمه سرمایه های نظامی و اقتصادی از اجابت این خواسته که به نظر ساده می آید سر باز زدند. در حالیکه ظاهراً ساختن یک سوره کوچک به نظر چندان مشکل نمی آید. در این بیش از ۱۴۰۰ سال، این مبارزطلبی که همواره وجود داشته پاسخی نیافته است و هر روز که می گذرد، کتاب قطور این پیشگوئی تحقق یافته قطورتر می گردد.

اتحاد شوروی در طول ۷۵ سال سلطه سنگین و سیاه خود که طی آن هزاران مسجد را ویران کرده و صدها نفر از علماء و فعالان اسلامی را کشته، با آنهمه قدرت علمی و دانشگاهی و تحقیقی که در اختیار داشت، اگر ساختن سوره ای مانند یکی از سوره های قرآن ممکن و عملی بود آیا از آن چشم می پوشید؟

اسرائیل (و به دنبال آن آمریکا) که علاوه بر تجاوز به اراضی مسلمین و اجرای نقش پلید کنترل شاهرگ حیاتی خاورمیانه (یعنی نفت) به نفع استکبار و به ضرر مردم مسلمان و هدایت پول های منطقه به جیب اسلحه فروشان امریکا و اروپا، دائماً با مسلمین درگیر است و خودش هم دچار مشکلاتی جدی است، آیا با استفاده از ظرفیت علمی علماء یهود که در کل دانشگاه های جهان هستند، در صورتیکه بتوانند سوره ای مانند یکی از سوره های قرآن بسازند و باین ترتیب ریشه اسلام را بزنند و هویت مسلمانان را سست کنند، آیا ذره ای از این کار که ارزش آن از کل زرادخانه های عالم هم بیشتر است چشم می پوشند؟ علت اینکه آنها نکردند و اینها نیز نمی کنند این است که آنها نتوانستند و اینها نیز نمی توانند.

در هر حال این مبارزطلبی هنوز هم وجود دارد و این میدان هنوز هم باز است و هر

روز که بگذرد و این مبارز طلبی بی پاسخ بماند، دلیل تازه‌ای است بر حقانیت صاحب این دعوت و نیز صحت محتوای آن است. این مورد نیز از نوع پیشگوئی‌های کِشدار است که سنگین‌ترین نوع آن می‌باشد.

در آیه های ۱۴۴ و ۱۴۵ میفرماید: البته ما روچرخاندنت را در آسمان میدیدیم. پس تو را بسوی قبله ای که دوست میداری برمیگردانیم. پس روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن و هر جا که بودید روی خویش را به همان طرف کنید و البته اهل کتاب میدانند که آن حق، و از جانب پروردگارشان است و خداوند از آنچه میکنند غافل نیست (۱۴۴) و اگر همه معجزات را هم برای اهل کتاب می آوردی از قبله تو پیروی نمیکردند، و تو هم از قبله آنها پیروی نمیکردی، و بعضی از آنها هم تابع قبله بعض دیگر نمیشدند. و اگر پس از علمی که بسویت آمده، از خواسته های آنها پیروی کنی البته از ظالمان خواهی بود (۱۴۵)

موضوع تغییر قبله که در آیات ۱۴۴ تا ۱۵۰ آمده، یکی از آن آیات واضح الهی است که تا همین حدود صد سال پیش نیز از نظر ریاضی دانان و محاسبان کاملاً مفهوم نشده بود.

بطور خلاصه موضوع این است که در وسط یکی از نمازها پیامبر(ص) از آن جهتی که داشت نماز می خواند منحرف شد و تقریباً نیم دور کامل چرخید. آن حضرت پس از

پایان نماز جهت جدید را بعنوان جهت قبله اعلام و توضیح داد که این تغییر جهت بر مبنای وحی و توسط جبرئیل صورت گرفته است.

این جهت تثبیت شد و آن مسجد الان بعنوان مسجد قبلتین (مسجد دو قبله‌ای) معروف است.

چیزی که حائز اهمیت است این است که پیامبر(ص) در آن روز یعنی بیش از ۱۴۰۰ سال قبل، چگونه فهمید که آن جهتی را که انتخاب کرده رو به کعبه است؟

مدینه با مکه حدود ۱۸۰ کیلومتر فاصله دارد و بین آن‌ها کوه‌ها و تپه‌هاست و راه مسافرتی بین آن دو نیز جاده اتوبانی مستقیم مهندسی نبود بلکه راهی بود مالرو و پر از پیچ و خم‌ها که جهت‌یابی را غیرممکن می‌کرد.

امروز که امکانات نقشه‌برداری هوایی و ماهواره‌ای فراهم شده است، دیگر معلوم است که قبله مسجد قبلتین صحیح است و امتداد قبله‌اش واقعاً از کعبه می‌گذرد. اما حتی صد سال قبل نیز این امر اثبات نشده بود و ریاضی‌دانان و محاسبان، پس از محاسبه با روش‌های خویش مقدار قابل توجهی انحراف می‌دیدند که آن را اینطور توجیه می‌کردند که چون موضوع وحی در کار است ما با قلب خویش قبول می‌کنیم که خط صحیح همان است اما از لحاظ ریاضیات و روش‌های محاسباتی که با آن کار می‌کنیم چاره‌ای نداریم جز اینکه بگوئیم این خط از کعبه نمی‌گذرد.

تا اینکه حدود ۷۰ سال قبل یک ریاضی‌دان ایرانی بنام سردار کابلی با محاسبات مفصل

ثابت کرد که خط قبله مسجد قبلتین صحیح است و از کعبه می‌گذرد. این موضوع در آن روزها پوشش خبری وسیعی یافت و شاه سعودی نیز جایزه نفیسی به آن مرحوم داد که موضوع در مطبوعات آن روزها منعکس است. اینک صرفنظر از همه این مطالب چند واقعیت در پیش روی خویش داریم:

- ۱- مسجد قبلتین و خط قبله آن، امروز موجود است.
  - ۲- این خط قبله درست همان خطی است که پیامبر(ص) روی آن نماز خواند و اعلام نمود که این جهت، جهت کعبه است. زیرا مردم از لحاظ شدت اهمیتی که به نماز و نیز به آثار پیامبر می‌دادند، این جهت را با دقت حفظ کردند و لذا بطور قطع این جهت فعلی، همان جهتی است که پیامبر(ص) نشان داده بود و مساجد بسیار زیادی در همان جهت بر پا شد و قبله‌گذاری گردید.
  - ۳- بطور قطع می‌دانیم که میزان اطلاع مردم آن روزها از ریاضیات و دسترسی آنان به وسائل مهندسی در مقایسه با امروز در حد بسیار ابتدائی بود.
  - ۴- با آن مقدار اطلاعات ریاضی و وسایل مهندسی حتی در متمدن‌ترین نقطه کره زمین نیز کسی نمی‌توانست از مدینه جهتی را تعیین کند و بگوید این از کعبه می‌گذرد.
  - ۵- امروز با عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای معلوم شده که آن خط صد در صد درست است.
- نتیجه‌ای که از مجموع این واقعیت‌ها گرفته می‌شود این است که این نیز یکی دیگر از پیشگویی‌های علمی تحقق یافته واضح قرآنی است.
- برای اینکه یک تصویری از عظمت مطلب داشته باشید، توجه شما را به وضعیت علوم و امکانات اندازه‌گیری و نقشه‌کشی و محاسبات و نقشه‌برداری چهارصد سال پس از این واقعه جلب می‌کنیم.

تصویری را که در ذیل ملاحظه می‌فرمائید، مربوط است به نقشه جغرافیائی زمین که در سال ۴۲۰ هجری کشیده شده و شما از روی آن حدس بزنید که در هنگام نزول آیات قبله (یعنی ۴۲۰ سال قبل از پیدایش این «نقشه») وضعیت علوم و امکانات نقشه‌کشی و نقشه‌برداری در کل جهان در چه حدودی بوده! و چگونه امکان دارد، با این مقدار اطلاع از علوم و فنون، آدمی یک جهت‌گیری بکند که فقط پس از ۱۴۰۰ سال بعد که علوم و فنون و ابزارهای مهندسی پیشرفت کرد درستی آن ثابت شود و بعدها که تکنولوژی ماهواره‌ای هم پیدایش یافت، مجدداً تایید شود؟

جز وحی (که در حقیقت وصل بودن به یک منبع علمی غیر از منابع عادی بشری است) این جهت‌گیری عالی، چه توجیه دیگری می‌تواند داشته باشد؟



در آیات ۲ تا ۲۰ که در باره کافران دو آیه و در باره منافقان ۱۶ آیه سخن گفته بخوبی پیشگوئی نموده که خطر منافقان بارها بزرگتر و مهمتر از کافران است، و این پیشگوئی است که درستی آن در تاریخ اسلام بخوبی دیده شد.

در آیه های ۱۵۴ و ۱۵۶ پیشگوئی راجع به جنگ و کشته شدن بعضی ها و مشکلات پسا جنگ وجود دارد که تحقق یافتگی آنها واضح است.

در آیه ۱۵۸ پیشگوئی بزودی امکان تشریف به حج مسلمانان (بخصوص مهاجران که فراری محسوب میشدند و در صورت شناسایی در مکه جانشان در خطر قرار میگرفت) دیده میشود که تحقق یافتگی آن واضح است.

در آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ به واضح ترین وجه پیشگوئی یک جنگ مهم را نموده که تحقق یافتن آن واضح است.

در آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ پیشگوئی به حج رفتن مسلمانان را نموده که تحقق آن واضح است.

در آیه های ۲۰۵ و ۲۰۶ ریاست یافتن منافقان و خرابی به بار آمدن در اثر آن را پیشگوئی فرموده، که تحقق یافتن آن نیز واضح است.

در آیه های ۲۱۶ تا ۲۱۸ پیشگوئی واضحی در باره جنگی قریب الوقوع دارد.

در آیات ۲۴۳ تا ۲۵۴ با نظیره سازی یکی از جنگهای آزادیبخش، پیشگوئی وقوع چنین جنگی را برای مسلمانان نموده، و بخصوص نابرابر بودن دوجبهه را بخوبی ترسیم کرده، که این به نوعی آماده سازی ذهنی مسلمانان برای جنگ بدر تلقی میشود و چنانکه همگان میدانیم تحقق یافته است.

آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ نیز در همین جهت ارزیابی میشود.

### سوره عادیات

کل آیات مهیج سوره عادیات نیز در جهت آماده سازی ذهنی برای جنگ قریب الوقوع و پیشگوئی تلویحی آن ارزیابی میشود.

### سوره صف

در آیات ۵ تا ۸ تلویحا پیشگوئی غالب شدن تعالیم آنحضرت را بر سایر گفتمان ها میدهد.

در آیه ۹ میفرماید: اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها غالب گرداند، گرچه مشرکان بدشان بیاید.

هنوز پیامبر(ص) وفات نیافته بود که تمام مناطق مشرک نشین جغرافیای آن روز اعراب، به اسلام گرویدند و آن حضرت خودش تحقق این پیشگوئی را دید.

در آیه ۱۳ به وضوح پیشگوئی یک پیروزی را در جنگی نزدیک به پیروان آنحضرت ارائه میکند که با توجه به ترتیب و تاریخ نزول به غیر از جنگ بدر تطبیق دیگری ندارد.

### سوره محمد(ص)

در آیه ۲ میفرماید: و آنانکه ایمان و عمل صالح داشته و به آنچه بر محمد نازل شده، که همان حق از جانب پروردگارشان است، باور داشته اند، بدیهای آنها را می پوشاند و وضعشان را اصلاح میکند .  
انتهای آیه فوق به وضوح متضمن یک «پیشگوئی» است که دیدیم پس از جنگ بدر درست در آمد.

در آیات ۴ تا ۹ یک جنگ کامل و تمام عیار را پیشگوئی میکند که در آن پیروزی کامل و بی تردید از آن مسلمانان خواهد بود که چند روز بعد در جریان جنگ بدر درست در آمد.

در آیه ۱۳ به روشنی پیشگوئی شکست جبهه مخالف آنحضرت را نموده است که درست در آمدنش را دیدیم.

در آیه های ۱۶ تا ۱۸ تلویحا پیشگوئی نموده که منافقان چه نوع رفتارهایی خواهند داشت و چه عاقبتی در انتظارشان خواهد بود که درست در آمد.

در آیه های ۲۰ تا ۳۲ نیز مطالبی در همان موضوع اما اندکی مشروح تر از آن دارد که تحقق یافتن آنها خیلی زود معلوم شد.

### سوره انفال

در آیه ۳۹ پیشگوئی میکند که جنگ های دیگری نیز در کار خواهد بود و تا از بین رفتن «فته» ادامه خواهد یافت، و چنین نیز شد.

در آیه ۴۵ نیز پیشگوئی مشابهی دارد که شامل قسمت اول مورد قبل میشود.

در آیات ۵۶ تا ۷۱ چند بار پیشگوئی دارد که پس از جنگ بدر بازهم جنگ هایی خواهد بود و لذا شما چنین و چنان کنید.

همچنین است در آیه ۷۲ .

### سوره حشر

در آیه ۱۰ پیشگوئی تحقق یافته ای دارد در باره ادامه مهاجرت مسلمانان مهاجرت نکرده که درست در آمدن آن واضح است.

در آیات ۱۱ تا ۱۷ پیشگوئی تحقق یافته ای دارد در باره طرز رفتار منافقان، که درست بودنش بعدا درک شد.

### سوره منافقون

در آیات ۱ تا ۳ در باره طرز کار و طرز رفتار منافقان پیشگوئی دارد که از این سوره تا آخر نزول وحی تدریجا درست در آمدن آنها آشکار شد.

در آیه های ۷ و ۸ پیشگوئی مخالفت آشکار منافقان با آنحضرت را دارد که خیلی زود به صحت پیوست.

### سوره آل عمران

در آیه ۱۲ میفرماید: به کافران بگو بزودی مغلوب میگردید و بسوی جهنم محشور میشوید و چه جایگاه بدی است.  
چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد، قسمت اول پیشگوئی فوق خیلی زود تحقق یافت.

در آیه ۷ پیشگوئی واضحی دارد دایر بر اینکه از این پس کسانی سعی خواهند منظورهای مورد نظر خویش را به قرآن نسبت دهند و قرآن را طوری تفسیر کنند که مدافع نظرات آنها باشد، و بیش از ۱۴۰۰ سال است که این دائما دارد روز به روز درست در می آید و بروز اینهمه فرقه با پسوند اسلامی که برخی با برخی تخالف و تضاد فاحش هم دارند نشانه آن است.

در آیات ۱۰ تا ۱۳ پیشگوئی تحقق یافته ای دارد راجع به بقیه کفار و مشرکان رسمی که چیزی نگذشت که به تحقق پیوست.

در آیه ۵۵ پیشگوئی فرموده که مسیحیان تا روز قیامت بر یهودیان غالب خواهند بود، که میدانیم تا کنون این پیشگوئی درست بوده است و این پیشگوئی از نوع پیشگوئی های کشدار است.

در آیه ۹۷ پیشگوئی به تحقق پیوسته ای دارد که بزودی مسلمانان مهاجر خواهند توانست به حج مشرف شوند.

### سوره حدید

در آیه های ۱۰ و ۱۱ پیشگوئی وقوع جنگ قریب الوقوع دیگری هست که علی القاعده می باید جنگ احزاب (خندق) بوده باشد.

### سوره احزاب

در آیه های ۱ و ۳ آنحضرت را برحذر میدارد از اینکه کوچکترین حرکتی در جهت کوتاه آمدن در مقابل کافران و منافقان کند و این پیشگوئی در بطن خویش دارد که تحقق آن بعدا دیده شد.

در آیه ۲۱ پیشگوئی واضحی وجود دارد که آنحضرت بلند آوازه خواهد شد.

در آیه های ۴۵ تا ۴۸ مجموع دو پیشگوئی، مانند فوق شده، و البته تحقق یافتن آنها هم واضح است.

در آیه ۵۶ باز هم پیشگوئی بلند آوازی آنحضرت به وجه پررنگ تری تکرار شده است.

در آیه ۶۰ پیشگوئی عجیبی در مورد منافقان دیده میشود که در سوره های بعدی تحقق یافتن آنها از متن آیات فهمیده میشود.

در آیه ۶۹ پیشگوئی میکند که مسلمانان نیز به همان رفتارهایی که یهودیان در مقابل حضرت موسی میکردند، از قبیل مخالفت با آنحضرت و ... گرایش

خواهند یافت.

### سوره نساء

در آیه ۱۵ پیشگوئی دارد که در آینده آیاتی راجع به مطلب مندرج در آن نازل خواهد شد، و این کار، در سوره بعدی (سوره نور) انجام شده است.

در آیه ۷۱ پیشگوئی نموده که جنگ ها هنوز تمام نشده است.

در آیه ۸۲ پیشگوئی نموده که در متن و مطالب قرآن اختلافی پیدا نخواهد شد و این نیز یک پیشگوئی کِشدار است که امروز تحقق یافته است، ضمناً خود این آیه یکی از ملاکات مهم اعجازی است که در صفحات آینده بحثی در باره اش عرض خواهیم نمود.

در آیه ۹۴ پیشگوئی فرموده که مسلمانان کاملاً دست بالا را خواهند داشت و دیگران سعی میکنند به آنها بپیوندند.

در آیه ۱۰۱ پیشگوئی فرموده که شما فارغ البال در زمین به مسافرت هایی خواهید پرداخت، اما، تهدیدهایی هم خواهید داشت که فراغ بال شما را محدود میکند و می باید احتیاط ها و آمادگی های لازم را نیز داشته باشید.

در آیه ۱۰۴ دست بالای مسلمانان را در مقابل دیگران پیشگوئی میفرماید.

در آیه ۱۱۹ پیشگوئی میکند که عده ای سعی خواهند کرد بعضی از عناصر

شرک را زنده کنند.

در آیه ۱۵۱ پیشگوئی میفرماید که عده ای سعی خواهند کرد بین خدا و رسول جدائی بیاندازند و این چیزی است که حتی همین امروز به وضوح داریم مشاهده اش میکنیم.

در آیه ۱۶۶ پیشگوئی در مورد قرآن و معجزه بودن آن دارد.

#### سوره نور

در آیه ۱۹ پیشگوئی میفرماید: کسانی هستند که دوست دارند گناهان کبیرهء آبرور در میان مسلمانان شایع شود. که البته تحقق یافتن این پیشگوئی نیازی به شرح و ذکر شواهد ندارد و عیان است و حاجتی به بیان ندارد .

در آیات ۳۶ تا ۳۹ میفرماید که متاع کفر و دین بی مشتری نخواهد ماند و این هر دو ماندگار خواهند ماند تا پیشگوئی دیگری که با ذکر جمله «العاقبه للمتقین» فرموده ، در آینده تحقق بیابد.

در آیه ۴۵ میفرماید: و خداوند است که همه جنبندگان را از آبی آفریده. برخی از آنها بر شکم می خزند، و برخی از آنهاست که بر دو پا راه میروند و برخی از آنها بر چهارپا راه میروند. خداوند هر چه بخواهد می آفریند که خداوند به هر چیزی تواناست.

در این آیه پیشگوئی های تحقق یافته ای هست :

۱ - منشاء حیات «آب» است .

۲ - منشاء پیدایش دویا ها و چهارپاها دو زیستان هستند.  
چنانکه میدانیم نظریه «اصل انواع» در قرن نوزده پیداشده و در این آیه مدلول آن پیشگوئی شده است.

در آیه ۵۵ میفرماید: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام داده اند، وعده داده است که آنها را حتما در زمین جایگزین خواهد کرد، همچنانکه پیشینیان آنها را جایگزین کرده، و دینشان را که برایشان پسندیده مستقر خواهد کرد، و پس از خوفشان امنیت را جایگزین خواهد نمود، که مرا بپرستند و چیزی را با من شریک نگیرند، و کسی که پس از آن کفر ورزد از فاسقان است.

چنانکه دیدیم، مسلمانان که در هنگام نزول این سوره امنیت کامل نداشتند، بعداً به تسلط بر کافران و ایمنی از دشمنان نایل گشتند و این پیشگوئی نیز تحقق عینی یافت.

### سوره طلاق

در این سوره، در آیات ۱ تا ۷، مقررات طلاق با ذکر جزئیات دقیق وضع شده و مکرراً توجه و تأکید به تقوی یادآوری شده و نسبت به عواقب بی توجهی به آن هشدار داده شده و در هیچ جای دیگر قرآن کریم راجع به یک حکم اینقدر به تقوا سفارش و نسبت به بی توجهی به آن هشدار داده نشده است. علت آن قابل فهم است.

در جامعه‌ای که اولین بار مخاطب این آیات بوده‌اند، اقوام عرب اعم از ساکنان مکه و مدینه و یا بدویان خارج از این دو نقطه، درجه خشونت زندگی زیاد

بوده و مردان، غالب مطلق، و زنان، ضعیف و بی‌اختیار و مغلوب مطلق، بوده‌اند و تقریباً هیچ حقوق شناخته شده‌ای نداشته و هرگونه تعدی نسبت به آنان عادی شمرده می‌شد.

لذا آنهمه تأکید به تقوا را باید در این واقعیت جستجو کرد.

اگر بخواهیم تأکیدات و تصریحاتی را که راجع به موضوع طلاق در این سوره آمده منظم کنیم به جدول ذیل می‌رسیم:

| آیه | شرح                                                                            |
|-----|--------------------------------------------------------------------------------|
|     | اهمیت:                                                                         |
| ۲   | الف) اهمیت امور مربوط به طلاق:<br>به اقامه شهادت بعنوان یک عمل دینی نگاه کنید. |
| ۲   | ب) دو نفر عادل که آنها را بعنوان عادل می‌پسندید به<br>گواهی بگیرید.            |
|     | عده:                                                                           |
| ۱   | الف) طلاق (جدائی) پس از سر آمدن (عده) است.                                     |
| ۱   | ب) حساب عده را نگهدارید.                                                       |
| ۴   | ج) عده زنان یائسه یا مشکوک یا حیض ندیده سه ماه است.                            |
| ۴   | د) عده زنان حامله، تا وضع حمل است.                                             |

|   |                                                         |
|---|---------------------------------------------------------|
|   | مسکن زن مطلقه:                                          |
| ۱ | الف) از خانه‌هایشان بیرونشان نکنید.                     |
| ۱ | ب) خودشان هم از خانه‌هایشان بیرون نروند.                |
| ۶ | ج) آنها را در مضیقه قرار ندهید که ضرری به آنها برسانید. |
|   | هزینه:                                                  |
| ۶ | الف) اگر حامله هستند خرجشان را بدهید تا بزنند.          |
| ۶ | ب) اگر بچه را شیر می‌دهند مزدشان را بدهید.              |
|   | رابطه انسانی خوب:                                       |
| ۲ | الف) پس از رسیدن سررسید (عده) یا به نیکی نگهدارید       |
| ۶ | یا به نیکی جدا شوید.                                    |
| ۶ | ب) در همان مساکنی که برحسب توانائی خود دارید سکونتشان   |
| ۷ | دهید.                                                   |
| ۷ | ج) بین خودتان به خوبی مشورت و همکاری کنید.              |
|   | د) توانگر باید متناسب با توانائی خویش خرج کند.          |
|   | تنگدست هم باید آنقدر که می‌تواند بدهد.                  |

ملاحظه می‌فرمائید؟

قرآن در بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، برای عده‌ای از افراد بشری، در جامعه‌ای که آنها را داخل آدم حساب نمی‌کردند، و با آنها مانند اشیاء و اموال رفتار می‌کردند، و حتی وقتیکه شخصی می‌مُرد، زنان او به ارث می‌رسید و بین پسرانش تقسیم می‌شدند، قرآن در آن زمان برای چنین موجوداتی با این دقت و صراحت راجع به اهمیت جدا شدن از آنها، و راجع به مسکن آنها، راجع به هزینه زندگی آنها، و راجع به رابطه انسانی خوب با آنها، چقدر نکته‌سنجی نموده و چقدر نکات ظریف و دقیقی را مطمحن نظر قرار داده و بصورت دستورات محکم شرعی و قانونی جاودانه نموده و بعنوان ضمانت اجرا، چقدر «تقوا» را به یاد آدمی آورد و چقدر تأکید و توصیه و تهدید برای بی‌توجهی به تقوا پیش‌بینی نموده و خلاصه چنان کرده که امروز در جوامع انسانی اسلامی (و تا حدودی غیراسلامی نیز در اثر تأثیرپذیری غیر مستقیم از اسلام) ازدواج و طلاق یک امر صد در صد قانونمند و سیستم‌دار شده و زن بعنوان همسر، دارای حقوق محکم و معروف و تثبیت شده‌ای گردیده که از همه جوامع دیگر با فاصله‌ای زیاد جلوتر است.

آیا امروز، که در اوائل هزاره سوم، و در آستانه دهکده جهانی، و اشراف به کهکشانها، و کشف ثروتهای اعماق زمین، و رفع اختلافات هزاران ساله بشری هستیم، انصافاً، حتی امروز، راجع به زنان، در متون رسمی مانند حقوق بشر و امثال آن، چیزی هست که با این احکام برابری کند؟

معمولاً سنگ بطرف ارتفاع کمتر می‌افتد و حمار کوتاهترین مسیر بین دو نقطه را انتخاب می‌کند و عقل معمولی هم گزینه‌ای را که هزینه کمتر دارد

ترجیح می‌دهد. اگر آدمی هم بخواهد دنبال آسانی و راحتی و هزینه کم باشد، عقل به او می‌گوید آن موجود بی‌دفاع را بزن و بیرونش کن.

رعایت اینهمه مقررات و اینهمه پیچیدگی برای چه؟

به همین دلیل است که در این سوره اینهمه به تقوا تأکید شده است زیرا می‌خواهد چیزی را در ذهن بشر بنشاند که سخت و هزینه‌بر و خلاف عادت اوست و برعکس مسیر آب است که راه آسان را انتخاب می‌کند و حمار که نزدیک‌ترین راه را.

خداوند برای اینکه بشر گزینه مشکل‌تر را انتخاب کند مقادیر زیادی «نکات تشویقی» می‌آورد. مثلاً:

| آیه | شرح                                                        |
|-----|------------------------------------------------------------|
| ۱   | نمی‌دانی شاید خداوند بعد از آن، امر جدیدی پدید بیاورد.     |
| ۲   | هر کس که تقوا پیشه کند خداوند برایش راه نجاتی قرار می‌دهد. |
| ۳   | و از جایی که فکرش را هم نمی‌کند روزیش می‌دهد.              |
| ۷   | خداوند بعد از سختی، آسانی قرار می‌دهد.                     |
| ۳   | هر کس به خداوند توکل کند او را بس است.                     |

بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید قبول انجام این دستورات را :

اولاً اینطور برای بشر شیرین می‌کند که شاید این برای تو بهتر باشد (ردیف ۱ جدول فوق)

بعد می‌گویند که انجام این دستور برای تو فایده دارد (ردیف ۲ و ۳)

بعدش می‌فرماید که بنظر تو سخت می‌آید اما خواهی دید که بعدش راحتی خواهی داشت (ردیف ۴)

در نهایت هم می‌گویند اگر هم بنظرت سخت می‌آید به خدا توکل کن و خدا تو را کمک خواهد کرد (ردیف ۵)

با این ترتیب ذهن بشر را متوجه این نکته می‌کند که انجام این تکلیف که بنظر سخت می‌آید، در حقیقت مانند رنجی است که آدمی برای تصاحب گنج باید ببرد و سرمایه‌گذاری است که بعداً سود در پی خواهد داشت و باین ترتیب ذهن آدمی را از نوع رفتار جمادات و حیوانات بالاتر می‌برد.

ضمناً طی ذکر نکات دیگری فکر آدمی را باز هم بالاتر می‌برد. مثلاً:

| آیه | شرح                                                         |
|-----|-------------------------------------------------------------|
| ۷   | خداوند به هیچکس جز مطابق قدرتی که به او داده تکلیف نمی‌کند. |
| ۳   | خداوند برای هر چیز قدر و اندازه‌ای قرار داده.               |
| ۳   | خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند.                      |

اگر اندکی دقت فرمائید، در این مطالب، خداوند حکمت‌های مدلولات جدول قبل را برای ذهن آدمی تعلیل می‌کند.

مثلاً در ردیف ۱ و ۲ می‌فرماید این تکالیف، آنقدر هم سخت نیست و در قدرت شما هست.

و در ردیف ۳ می‌فرماید بالاخره هم این کار را انجام خواهید داد.

و بالاخره نکاتی را می‌فرماید که توجه به آن وجه تمایز آدمی با سایر موجودات (مثلاً سنگ و حمار) است:

| آیه | شرح                                                                          |
|-----|------------------------------------------------------------------------------|
| ۱   | از خداوند پروردگارتان تقوا کنید.                                             |
| ۱   | بنها حدود خداست. و کسی که از حدود خدا تعدی کند بر خویش ظلم کرده.             |
| ۵   | کسی که تقوا کند، خداوند زشتی‌های او را می‌پوشاند و پاداشش را بزرگ می‌فرماید. |

چنانکه ملاحظه می‌فرمائید حکمت تقوا را این قرار داده که فرموده «پروردگارتان» است (ردیف ۱) او که شما را تا اینجا رسانده و شما را از سنگ و حمار بالاتر قرار داده، هموست که این را می‌گوید و لذا اجرای این توصیه در جهت کمال شماست. و اگر هم این توصیه را گوش نکنید به خودتان ضرر رسانده‌اید (ردیف ۲) و اگر هم گوش کنید بنفع خودتان است (ردیف ۳)

و باین ترتیب است که آن رفتار پرخشونت وحشیانه با زنان در مدتی بسیار کوتاه و کمتر از یک نسل به چنان رفتار سامان یافته متمدانه‌ای بدل شد.

### سوره فتح

در آیه ۳ می‌فرماید: و به یاریی که از آن بالاتر نباشد یاریت کند.

چنانکه میدانیم ظهور این پیشگوئی در روز فتح مکه بود که هنوز زمان زیادی از نزول این سوره نگذشته بود که واقع شد.

در آیه های ۱۸ و ۱۹ میفرماید: البته خداوند از مومنینی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی شده، و دانست چه در دلشان میگذرد و آرامش را بر آنها فرو فرستاد و پیروزی نزدیک عطایشان کرد (۱۸) و غنیمت های زیادی که خواهند گرفت (نصیب شان میکند) و خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۹) «پیروزی نزدیک» مورد اشاره، ظاهراً همان جنگ خیبر بود که فوراً وقوع یافت و غنائم قابل نصیب مسلمین گشت و این از پیشگوئی های عجیب قرآنی است. زیرا به یکماه هم نرسید که تحقق یافت.

از آیه ۳ می فهمیم که پیامبر(ص) در موضعی بود که توطئه های سهمگین برای عقیم گذاشتن مأموریتش در تکوین بود و او می باید مبارزات خویش را با وسعت و عمق بیشتر، و در حوزه های جدید پیگیری کند و لذا به یاری سطح بالاتری از قبل نیاز داشت و این پیشگوئی نیز محقق شد، زیرا بدون «یاری» که بالاتر از آن متصور نباشد (نصراً عزیزاً) نمیشد مکه را به آن صورت که خونی نریزد فتح کرد که همگی مسلمان شوند!

در آیه ۷ پیشگوئی بطور مطلق در باره آنحضرت میفرماید که تحقق آن دیده شد.

در آیه ۱۶ پیشگوئی یک جنگ شده، که با توجه به تاریخ نزول این سوره، می

باید همان جنگ دفاعی باشد که در سوره توبه مطرح است.

در آیه های ۲۴ و ۲۵ پیشگویی وجود دارد که مفسران آن را به صلح حدیبیه تطبیق کرده اند که به نظر این قلم نمیتواند درست باشد و اینجا جای بحث در آن نیست و خواننده کنجکاو به تفسیرمان مراجعه فرماید . اما موضوع آن مربوط است به برخوردی که مطابق پیشگویی قرار بود بین مسلمین و مشرکین در بگیرد و در آن میان چون ممکن است مردان و زنانی در بین دست و پای طرفین باشند و در اثر درگیری لطمه ببینند خداوند از آن درگیری جلوگیری خواهد کرد، که هیچ واقعه ای جز فتح مکه با این مشخصات تطبیق ندارد و لذا در این دو آیه پیشگویی فتح مکه شده است .

در آیه ۲۷ میفرماید : البته خداوند خواب رسولش را راست آورد که اگر خدا بخواهد با ایمنی وارد مسجد الحرام خواهید شد بدون اینکه ترسی داشته باشید، سرتان را خواهید تراشید و موهایتان را کوتاه خواهید کرد ... مسلمانان در سالهای طولانی از سوی مشرکان مکه ممنوعالحج بودند و در حالیکه کفار و مشرکین از همه جای نقاط دور و نزدیک از شام و یمن گرفته تا عراق و طائف و کجا و کجا به عادت می داشتند که زیارت کعبه و مسجدالحرام می رفتند، مسلمانان که پیغمبر خدا نیز در میانشان بود به علت منع مشرکان مکه نمی توانستند حج کنند.

تصور بفرمائید که نزول این آیات چه شور و شوقی در میان آنان افکند! همچنین تصور بفرمائید چه صبر و انتظاری در میان دشمنان اسلام ایجاد کرد. منافقان که داخل صفوف مسلمانان بودند و یهودیان نیز که همسایه آنها بودند

چگونه مترصد بودند که آیا واقعاً این ادعا به حقیقت خواهد پیوست یا نه؟ البته آنچه بعداً اتفاق افتاد معلوم است. و ما باید این مورد را هم به پیشگوئی‌های تحقق‌یافته قرآن اضافه کنیم.

#### سوره ممتحنه

در آیه های ۱ و ۷ پیشگوئی هست که نشان میدهد برخی از مسلمانان مهاجر برای اینکه ضرری متوجه خانواده هایشان که هنوز موفق به هجرت نشده بودند نشود، روابط صمیمانه ای را با مخالفان آنحضرت حفظ کرده بودند که در این آیه بشدت منع میشوند و در این منع این پیشگوئی هست که بزودی اوضاع در جهت مطلوبتان عوض خواهد شد. که با فتح مکه این نیز تحقق یافت.

در آیه های ۸ و ۹ اعتماد به نفس عجیبی به چشم می آید که تلویحاً حاوی این پیشگوئی هست که بزودی شما دست غالب را پیدا خواهید کرد.

در آیه های ۱۰ و ۱۱ پیشگوئی هست که نشان میدهد زنانی بدون رضایت شوهرانشان به عنوان مهاجر به مدینه خواهند آمد و طی آن احکامی ذکر شده که از لحاظ حقوق بشری خیلی قابل توجه است.

مطلب از این قرار است که پس از صلح حدیبیه اینطور بود که اگر از مشرکان کسانی به مدینه مهاجرت کنند آنحضرت موظف بود آنان را برگرداند ولی اگر از مسلمانان کسانی خواستند به مشرکان بپیوندند آنها موظف نبودند برشان گردانند.

البته معمولاً حالت دوم اتفاق نمی افتاد، اما، چند مورد از حالت اول اتفاق افتاد

و آنحضرت آنها را برگرداند، اما، خودِ مرجوع ها به حالت سابق بر نمی گشتند بلکه در سر راه کاروان های تجاری مشرکان به جنگ و گریز می پرداختند و مایه درد سر مشرکان میشدند و پس از مدتی این جریان چنان قوی و موثر شد که مشرکان به آنحضرت مراجعه کردند و در قبال اعمالِ نفوذِ آنحضرت که گروه مذکور را از ایجاد زحمت برای کاروانهای تجاری بازدارد، از درخواست ادامه اجرای ماده مربوط کوتاه آمدند.

اینطور بود که مهاجرت از مکه به مدینه هم سرعت بیشتر و هم حجم زیاد تر یافت، و موضوع زنان مهاجر در آیه مذکور در این چهارچوب مفهوم است که در آیه پیشگویی شده است، اما، مطلب جالبتر وجهِ حقوق بشریِ موضوع است.

در آیه گفته شده که خرجی را که شوهرانشان برای ازدواج با آنها کردند بدهید و نگفته آنها چون مشرک اند دیگر آدم نیستند و خرجی هم که کرده اند باد هوا است و چشم شان کور، بلکه گفته خرجی که شوهرانشان کردند بدهید و اگر از زنان مسلمان هم کسی بسوی مشرکان برگشت (که البته مورخین میگویند یک مورد هم برگشت) شوهر مسلمانِ آن زن برگشته باید خرجی را که کرده مطالبه کند.

ملاحظه کردید؟ آیه نازل شده که طی آن هزینه ای را برعهده طرفین گذاشته که در عمل فقط به نفع مشرکان شد!

چرا؟ فقط برای محترم داشتن امر ازدواج و انسان دانستن مشرکان و برابر دانستن آنها با مسلمانان در شانی از شئون انسانی، آنهم کی؟ بیش از ۱۴۰۰ سال قبل!

در آیه ۱۳ پیشگویی کرده که شبیه به این است: ای مسلمانان! شما از حالا جریان شرک و اردوگاه شرک را مرده حساب کنید!

در آیه ۱۰ یک پیشگویی دیگری هست که این قلم آن را عینا از کتاب دیگر خویش عینا نقل میکند:

برای شروع بحث آیه ۱۰ سوره ممتحنه را با هم میخوانیم :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلَا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يُخَكِّمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

ای مسلمانان! هنگامی که زنان مسلمان مهاجر بسوی شما آمدند امتحانشان کنید . {البته خداوند به ایمان آنها داناتر است} پس اگر آنها را مومنه یافتید بسوی کفار برشان نگردانید . نه اینها برای آنها حلالند و نه آنها برای اینها . و آنچه آنها خریشان کرده اند بهشان بدهید و گناهی ندارد پس از اینکه اجر و مهرشان را بدهید با آنان ازدواج کنید . و به دامن زنان کافر چنگ نیندازید . باید آنچه را که خرج کرده اید مطالبه کنید و آنها هم باید آنچه خرج کرده اند مطالبه کنند . این حکم خداست که بین شما حکم می کند . و خداوند دانای فرزانه است (۱۰)

با ذکر جمله پранتزی «اللهم اعلم بايمانهن» تلویحا فرموده شما بروید علم مورد نیازتان را خودتان بسازید نه اینکه دنبال این باشید که نظر خداوند در مورد یکی یکی هر کدام از بانوان مهاجر چیست.

برای درک بهتر موضوع اخیر، آن قسمت از آیه را مجددا می بینیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ

جمله الله اعلم بایمانهن «پرانتری» است، دلیلش هم این است که اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم روال سخن صاف و یکدست شده و لذا خط اصلی سخن همان است که با حروف پر رنگ دیده میشود.

چرا جمله - به قول ما - پرانتری مذکور را در اینجا فرموده ؟  
چنین به نظر می آید که علتش این باشد که قضاوت در باره ایمان یا عدم ایمان مردم برای مسلمانان آن روزهای صدر اسلام مشکل بوده، و آنها فکر میکرده اند ایمان یک امر قلبی است و فقط خداوند است که میتواند به ایمان هر کس علم داشته باشد، ولذا اگر تشخیص آنها با تشخیص خداوند مغایر باشد در آخرت چه جوابی خواهند داشت؟

برای راحت کردن خیال آنها این جمله در متن حکم قرار داده شده و تلویحا به آنها فهمانده شده که نگران مطلب مذکور نباشند و کار خویش را کنند.  
یعنی در هر موردی نزد رسول خدا (ص) نروند و نگویند «یا رسول الله ایمان فلان زن مهاجر مورد تایید خداوند هست یا نه؟»

آیه فرموده «فان علمتموهن مومنات» (اگر آنها را مومنه تشخیص دادید) ، . .  
یعنی اینکه تکلیف آنها بطور واضح روشن شده بود که می باید ایمان آنان را خودشان احراز کنند.

آنها چگونه باید به این تشخیص میرسیدند؟  
معقول و واضح است که از کسانی که در بین مهاجران بوده و قاعدتا آنها را می شناختند (و جمعیت مهاجران هم کوچک بود) راجع به صداقتشان و سابقه ایمانیشان و بستگی احتمالی شان با سران کفار پرس و جوئی مقدماتی میکردند و زود به تشخیص میرسیدند و تازه اگر هم تشخیص شان غلط میبود اتفاق مهمی نمی افتاد زیرا فقط می باید او را بر می گرداندند و اگر او مومن واقعی هم نبود چیز مهمی نبود زیرا بعنوان یک تازه وارد بطور طبیعی مدتها زیر نظر بود و اگر خلاف تشخیص شان ظاهر میشد میتوانستند اخراجش

کنند.

کم کم موضوع مهاجرت ابعاد بزرگتری به خود گرفت و موضوع این حکم جدی تر شد و ما دقیقاً نمیدانیم در مورد اجرای این حکم چه اتفاقی افتاد اما معقول است که فکر کنیم تدریجاً برای این موضوع ضوابطی برقرار شد و کسی و شاید هم کسانی مسئول این قضیه گشتند.

اما، آیین آیه، ارزش فکریی بیش از آن حکم خاص دارد، و خطی بین موضوعاتی که ما آنها را «زمینی» و «آسمانی» می نامیم کشیده و صراحتاً فرموده برای امور زمینی چشمتان را به آسمان ندوزید و خودتان مشکلات زمینی تان را حل کنید.

(پایان نقل قول)

### سوره نصر

در باره پیشگوئی این سوره دیگر چه بگوئیم که از شدت وضوح چشم را میزند!

در این سوره پیشگوئی شده که مردم فوج فوج داخل دین اسلام خواهند شد، و شد.

### سوره توبه

در آیه ۲ میفرماید: پس چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که نمیتوانید خدا را عاجز کنید و خداوند خوار کننده کافران است.

موضوع مربوط به فتح مکه و «اعلامیه بیزاری» در سوره توبه است. و منظور ما از آیه ۲ عبارت «چهار ماه» است که پس از فتح مکه صادر و «چهار ماه» برای مشرکان مهلت قائل شد.

از آنجا که این ضرب‌الاجل درست در آمد و نهضت اسلام در خلال آن مدت مضمحل نگردید و از بین نرفت و برعکس، مشرکان از بین رفتند، این آیه نیز در عداد معجزات و وعده‌های تحقق‌یافته عجیب قرآنی قرار گرفت. باید توجه داشت که پایه‌های حکومت آنحضرت آنقدرها مستحکم نشده بود و اتفاقی که درست پس از فتح مکه افتاد (که جنگ حنین و هوازن باشد که طی آن اوضاع لشکر اسلام به موئی رسید و نگرانی شکست آنان کاملاً جدی بود) نشان می‌دهد که تعیین این مهلت چهار ماهه یک پیشگویی به تحقق پیوسته بسیار مهمی است.

در آیه ۳۳ میفرماید: هموست که رسولش را با دین حق فرستاد که آنرا بر همه دین‌ها غالب گرداند ولو اینکه مشرکان نپسندند. درست در آمدن پیشگویی فوق را قبلاً در سوره صف دیدیم.

در آیه ۴۰ که اشاره به جنگ تبوک دارد پیشگویی مربوطه درست در آمد.

در آیه ۱۲۲ پیشگویی نموده که درست در آمدن آن خیلی واضح است و آنهم این است که تلویحاً مقرر نموده که از هر آبادی برخی از ساکنینش برای کسب علم سفر کنند و سپس برای هدایت اهالی و خویشان‌شان بسویشان برگردند.

کسی که کمی به تاریخ اسلام آشنا باشد میداند که تمام موفقیت‌های علمی مسلمانان در مدتی حدود شش قرن پس از نزول قرآن که صدای تحسین و اعجاب جرج سارتن (پدر تاریخ علم) و ویل دورانت (پدر تاریخ تمدن) را بلند کرده،

در پی توجه به همین آیه بوده که مسلمان کسب علم را عبادت (بلکه اشرف عبادات) تلقی میکردند.

### سوره حجرات

در آیه ۱۳ میفرماید: ای مردم! شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم، و به صورت تیره های بزرگ و تیره های کوچک قرارتان دادیم تا شناخته شوید. البته گرامیترین شما از نظر خداوند با تقواترین شماست. البته خداوند دانای آگاه است.

تا عبارت «حقوق بشر» را می شنویم یاد «سازمان ملل» می افتیم. چنانکه می دانیم، در قرن بیستم دو جنگ جهانی در گرفت که اولی در ۱۹۱۹ تمام شد و دومی از ۱۹۳۸ شروع و در ۱۹۴۴ خاتمه یافت. فکر تشکیل سازمان ملل درست پس از پایان جنگ اول در ذهن عده ای از روشنفکران آن روزها پیدا شد و پس از مدتی بصورت ایجاد یک تشکیلات سیاسی بروز کرد که نتیجه اش ایجاد یک اتحادیه سیاسی بود که در آنروزها بنام «جامعه ملل» خوانده شد. و «اعلامیه حقوق بشر» که امروز کاملاً معروف و مشهور است در اواسط فاصله بین دو جنگ مذکور توسط بعضی روشنفکران آنروزهای اروپا صادر و بعداً بصورت منشوری از آن سازمان مطرح گردید. در هر حال نه آن «اعلامیه» و نه آن «جامعه» نتوانستند مانع بروز یک جنگ بین المللی دیگر و حتی بسیار وسیع تر و با نتایجی بسیار دلخراش تر بگردند و شد آنچه که شد و تقریباً همه ما که امروزه در سال های آغازین قرن بیست و یکم و اصطلاحاً در رده میانسال ها و پیری هستیم، چیزهائی از آثار و عواقب و گستره و ابعاد آن جنگ را به یاد داریم.

اما در هر حال فکر ایجاد یک تشکیلاتی که اولاً در حوزه بین‌المللی کار کند و ثانیاً مسائل اساسی را پیگیری نماید نه تنها از ذهن روشنفکران جهان بیرون نرفت بلکه با پیگیری شدیدتری دنبال شد.

تا اینکه بالاخره این «سازمان ملل متحد» فعلی بوجود آمد که گرچه در دهه‌های اولیه تأسیس خویش چندان عمل افتخارآمیزی در کارنامه خویش نداشت اما انصافاً در این دهه‌های اخیر از لحاظ پیگیری‌هایی در زمینه‌های عناصر حقوق بشری کارنامه افتخارآمیزی دارد.

مطالب فوق، مطالبی است بسیار خلاصه و بسیار واضح، بطوریکه تقریباً همگان آن را تصدیق می‌کنند.

اما از مطالب فوق، چیزی که موردنظر ما است، این نکته است که کل تاریخ دغدغه‌های روشنفکران جهان درباره اموری که به مفهوم «حقوق بشر» مربوط می‌شود، تاریخی کمتر از یک قرن دارد.

اعلامیه حقوق بشر چه می‌گوید؟

خلاصه و چکیده اعلامیه حقوق بشر این است که بشر از این لحاظ که بشر است (صرفنظر از نژاد و طبقه اجتماعی و ثروت و ملیت و دین و غیره) حقوقی دارد که خلاصه و چکیده آن، برابری از لحاظ قانونی است.

مغز این بحث این است که اعلامیه حقوق بشر که محصول کوشش مشترک روشنفکران در سراسر جهان است، و حداکثر هفتاد سال سابقه دارد هنوز از این آیه که قدمتش بیش از چهارده قرن است عقب است.

مطابق این آیه، خداوند بین افراد انسانی تمایزی قابل نیست و کسی را بر کسی برتری نداده. و ملاک برتری را در چیزی قرار داده که پس از وقوع قیامت مورد ارزیابی واقع می‌شود.

مفهوم این آیه به صراحت این است که همه با هم برابرند و کسی بالاتر از دیگری نیست. عبارت دیگر این آیه را می‌توان اینطور هم قرائت کرد: ای مردم! شما را البته از یک مرد و یک زن آفریدیم و گرچه بصورت تیره‌های بزرگ و تیره‌های کوچک دسته‌بندی می‌شوید اما تعلق شما به آن تیره‌های بزرگ یا کوچک سبب بالاتر بودن بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر نمی‌شود. و البته گرامیترین شما نزد خداوند کسانی هستند که صفاتی دارند که آن صفات قبل از آخرت ارزیابی نمی‌شود.

نکته‌ای که بسیار جالب هم هست این است که معمولاً خطاب‌های قرآنی در سوره‌های پس از هجرت «یا ایها الذین آمنوا» (= ای مسلمانان) است اما در اینجا پس از پنج بار خطاب «یا ایها الذین آمنوا» خطاب فرموده «یا ایها الناس» یعنی ای مردم.

عبارت دیگر در این سوره، خداوند حتی بین مسلمانان و غیرمسلمانان نیز از لحاظ حقوقی تمایزی قایل نشده و لذا این آیه یک سند منحصر به فرد است که از لحاظ «حقوق بشر»ی بر همه سندهای دیگر حقوق بشری سبقت می‌گیرد.

لطفاً توجه فرمائید که این نکته یک نکته بسیار ظریفی است.

واضح است که مؤمن و کافر با هم فرق دارند و در آخرت بهشت مخصوص مؤمنان واقعی است اما در این جهان، مطابق آیه فوق، حتی بین مؤمن و کافر نیز فرقی گذاشته نشده زیرا درست است که تقوا را دلیل کرامت دانسته اما می‌دانیم که تقوا در دنیا قابل ارزیابی نیست.

عبارت دیگر در این آیه حتی مسلمانی را از لحاظ «حقوق بشر»ی سبب کرامت ندانسته است. یعنی اینکه همه افراد بشر را از لحاظ بشر بودن، یعنی

حق حیات، حق آزادی، حق احترام، حق انتخاب شغل، حق کسب علم، حق مجاز بودن برای بالا بردن وضعیت خویش، و غیره مساوی قلمداد فرموده است.

### سوره مائده

در آیه ۶۷ میفرماید: ای رسول! آنچه را که از جانب پروردگارت بسویت نازل شده تبلیغ کن، و اگر نکنی رسالتش را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ میکند، خداوند قوم کافران را هدایت نمی کند.

آیه فوق بسیار معروف است و همان آیه‌ای است که برحسب قوی‌ترین روایات اعم از شیعه و سنی، موضوع آن مربوط به نصب امیرالمؤمنین(ع) به خلافت پس از پیامبر(ص) می‌باشد. اما در اینجا تکیه ما روی جمله «... و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند...» است.

از متن جمله فهمیده می‌شود که گویا پیامبر در معرض سوء قصد بوده و عده‌ای توطئه ترور آن حضرت را پرورده بودند و با آنچه که آن حضرت مأمور به ابلاغ آن شده بود (یعنی خلافت امیرالمؤمنین(ع)) نه تنها موافق نبودند بلکه بسیار مخالفت شدیدی هم داشتند تا آنجا که مصمم به کشتن پیامبر(ص) هم شده بودند.

در هر حال این آیه نازل شده بود و پیامبر نیز آنرا بر مردم خوانده و همه گوش به زنگ اوضاع و احوال بودند که چه پیش خواهد آمد ...

بالاخره روز غدیر خم فرا رسید و پیامبر(ص) امیرالمؤمنین را به دستور خداوند نصب کرد و اتفاقی هم نیفتاد و آنحضرت بر اثر مرگ طبیعی وفات یافت و این آیه نیز به مجموعه پیشگوئی‌های تحقق یافته پیوست.

هیچکس نمی‌تواند یک دقیقه بعد خودش را تضمین کند. سکنه‌های قلبی و

مغزی، انواع خطرات ارضی و سماوی و مهمتر از همه درباره رهبران سیاسی، دشمنان سازمان یافته و خطر سوء قصد و ترور بشدت مطرح است. پیامبر اکرم(ص) هم هیچ گارد و محافظی نداشت اما ضمناً دشمنان سازمان- یافته خبیث و بد ذات و جدی و مصمم زیاد داشت. همان ها که کوچکترین فرصت جهت برگرداندن جامعه به حالت قبل از اسلام را از دست نمی دادند. با وجود این، با چنان لحن محکمی، چنین اطمینانی به پیغمبر داده شده و حفظ جان او تضمین شده و آنهم با این عبارت صریح و روشن و در مقابل چشم و گوش ده ها هزار نفر و از جمله اعضاء آن باند توطئه گر و برانداز و منافق.

این نیز یکی دیگر از پیشگوئی های عجیبِ تحقق یافته است.

## تحلیل

سخت ترین پیشگوئی ها در باره اوضاع و احوال جوامع انسانی ، به ترتیبِ سختی به قرار زیر است :

۱ - پیشگوئی های کِشدار ، مثلاً اینکه کسی بگوید این روش زندگی تا ابد ماندگار خواهد بود .

۲ - پیشگوئی های مربوط به صد سال آینده ، مثلاً اینکه کسی بگوید این شهر در صدسال آینده نیز پایتخت خواهد ماند .

۳ - پیشگوئی های مربوط به چند ماه آینده ، مثلاً اینکه کسی بگوید دو ماه دیگر فلان جنگ تمام میشود و طرفِ پیروز فلان طرف است .

۴ - پیشگوئیهای مربوط به چند سال آینده ، مثلاً اینکه کسی بگوید در چهار سال آینده درآمد سرانه فلان کشور از فلان رقم به بهمان رقم خواهد رسید .

۵ - پیشگوئی های مربوط به چند دهه آینده ، مثلاً اینکه کسی بگوید در بیست سال آینده آلمان و فرانسه در وضع فعلی شان که رهبری کشورهای اروپائی است خواهند ماند .

قرآن در همه این سطوح پیشگوئی هایی دارد ، ضمن اینکه حتی یک مورد هم پیشگوئی خطا ندارد .

### فایده همه این حرفها چیست؟

اینها تعدادی از پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی است که بطور «تورق»ی از آن استخراج شده، و اگر میخواستیم بصورت «مطالعه»ای و دقیق این استخراج را انجام دهیم، از این تعداد بسیار فراتر میبود و به هزاران سر میزد.

مستقیم ترین و نزدیک ترین فایده بحث انجام شده فوق، این است که می بینیم در قرآن اینهمه پیشگوئی تحقق یافته وجود دارد، و نتیجه قهری آن این است که عقل سالم می پذیرد که آن پیشگوئی هایی هم که هنوز تحقق نیافته تحقق خواهد یافت، مثلاً قیامت واقع خواهد شد و نسل بشر در نهایت به اصلاح خواهد گرائید و شرور از زندگی بشر دور خواهد شد و ...

## اعجاز قرآن چیست و وجوه اصلی و کلی آن کدامند؟

به مقوله اعجاز قرآن از چند لحاظ مختلف دیگر هم میتوان نزدیک شد:

۱ - یکی از آن‌ها همان کثرت پیشگویی‌های تحقق یافته است که تاکنون به آن پرداخته ایم.

۲ - یکی دیگر از آن‌ها، غلط در نیامدن حتی یک مطلب قرآنی در این چهارده قرن و اندی است.

۳ - یکی دیگر این است که قرآن یکی است اما مخاطب‌هایش در تغییر و تکامل اند، و با وجود اینکه در این مدت طولانی چهارده قرنی، مخاطبان قرآن، در محورهای متنوع، اعم از علمی و تکنولوژیکی و تمدنی و فرهنگی و اخلاقی و سطح زندگی و . . . تغییرات تکاملی حیرت‌انگیزی را تجربه کرده اند، احترام و وابستگی و احساس نیاز مخاطبان امروزی به قرآن، در مقایسه با مخاطبان اولیه، نه تنها چیزی کم نشده بلکه به آن افزوده شده است.

۴ - یکی دیگر این است که آورنده قرآن در ابتدای نزول آن ضعیف و فقیر و کم‌پیرو بود و پس از مدتی قوی و توانا و پُریرو شد. اما هر آدمی که این حرکت از حُضیض به اوج را طی میکند گفتار او با موقعیتش تناسب دارد و هنگام ضعف موقعیت، گفتارش ضعیفانه و گدایانه، و در هنگام قوت موقعیت، گفتارش تسلط‌گرایانه و خودمحو‌رانه میشود، اما قرآن در تمام این دوره بیست و سه ساله نزولش گفتمانی ثابت دارد و این نیز یکی از وجوه اعجازی آن است .

۵ - وجه دیگر از وجوه اعجازی قرآن این است که همین امروز نیز قرآن حالت الهامبخشی خود را همچنان برای بشر امروز قرن بیست و یکمی نیز دارد.

ما تاکنون در این کتاب فقط به یک وجه اعجازی قرآن پرداخته ایم. وجه دیگری که مطرح شد هریک کاری میخواهد مفصل و از سر فراغت و فرصت، که امیدوارم کسانی به آنها بپردازند، گرچه مانیز به عنوان فتح باب، اشاره بسیار کوتاهی میکنیم:

## غلط نشدن هیچ مطلب قرآنی

بیش از ۱۴۰۰ سال است که قرآن در جهان وجود دارد. همیشه هم اسلام دشمن داشته. دشمنان اسلام نیز بزرگ، و از همه لحاظ (اعم از مالی و علمی و نظامی و غیره) قدرتمند بوده‌اند.

با وجود این هیچکس تاکنون نتوانسته یک مورد «غلط» به قرآن نسبت دهد و بتواند آنرا اثبات هم بکند.

برای اینکه مطلب به ذهن نزدیک شود ناچاریم مثالی بزنیم.

قرآن ادعای رهبری و هدایت بشر را دارد. «سرمایه» نوشته کارل مارکس نیز همین داعیه را دارد.

«سرمایه»، که در سال ۱۸۶۷ منتشر شده و اینک ۱۴۹ سال از انتشارش می‌گذرد از لحاظ مقبولیت چه جایگاهی دارد؟ و قرآن پس از نزدیک به ۱۵۰۰ سال چه جایگاهی دارد؟

هر کتابی را که داعیه رهبری و هدایت بشر و بشریت را دارد، بنظر آورید و از لحاظ «طول دوره مقبولیت» با قرآن مقایسه کنید، فوراً به نتیجه‌ای مانند نتیجه مقایسه فوق می‌رسید.

این دشمنان قدرتمند و ثروتمند منسجم اسلام به جای اینهمه کارهای سخت و هزینه‌بر در رابطه با ضدیت با اسلام اگر می‌توانستند یک غلط از قرآن بگیرند، موفق‌تر بودند، زیرا با درآمدن حتی یک غلط، قرآن از حجیت می‌افتاد و خیمه اسلام فرو می‌ریخت.

همینکه تاکنون چنین نشد، این معنی را می‌دهد که سعی آنان به نتیجه نرسیده و نتوانسته‌اند چنان کنند. البته ممکن است کسی یک حرفی بزند و به قول خودش غلطی و تناقضی را در قرآن ادعا بکند اما در طول این ۱۴۰۰ و اندی سال چنین بوده

که فوراً جواب محکم را دریافت کرده و قضاوت عمومی بشر نیز به سخافت آن ادعا  
رای داده و گرنه، آن ادعا پررنگ می‌شد، و می‌ماند. نه اینکه فوراً از بین برود و فراموش  
شود.

### عدم اختلاف

سخن شخصی که ضعیف و فقیر است و اطرافیان ضعیف و فقیری نیز دارد و در عین حال دشمنان قوی پنجه‌ای نیز لحظه به لحظه مترصد او و اطرافیانش هستند و همه-گونه توطئه و تعقیب و آزار و فشار علیه او و اطرافیانش اعمال می‌شود، با سخن شخصی که غالب است و وضع اطرافیانش نیز چندان بد نیست و آینده روشن و امید بخشی نیز در انتظارشان هست فرق می‌کند.

شخص فرودست، عدالت طلب و خواستار محدودیت قدرت قدرتمندان است، اما اگر همین شخص فرادست شود، چنانکه در طول تاریخ بشری بسیار مشاهده شده، قدرت را حق موروث خود می‌شمارد و هیچ محدودیتی را هم در خصوص اعمال آن خوش نمی‌دارد و حتی آنرا گسترده تر هم می‌خواهد.

پیغمبر اسلام رهبری امتی را بدست داشت که در ابتدا اندک و اغلب فقیر و ضعیف بودند و در مقابل خود دشمنانی با نفوذ و قدرتمند و ثروتمند داشت که از تعقیب و آزار و بلکه قتل پیروان اسلام نیز پروا نمی‌کردند. بطوریکه عده‌ای از مسلمین مجبور به جلائی وطن شدند، و بقیه مسلمین و خود پیغمبر نیز مهاجرت نمودند. دشمنانشان به تعقیب آنها پرداختند و جنگ‌های بزرگ پر خونریزی را بر آنها تحمیل کردند و سالیان درازی نیز بر همین منوال گذشت تا اینکه کم‌کم کفه دشمنان سبک و کفه اسلامیان سنگین شد و بالاخره مسلمانان به کلی غالب شدند و دشمنان، بدون قید و شرط تسلیم آنها گردیدند.

سخن و نوع بیان و حساسیت‌های قرآن در هر دو این حالات یکی است. پیغمبر اسلام که در حالت دوم علاوه بر موضوع «ابلاغ پیام»، سنگینی وظیفه «اداره» جامعه مسلمین را نیز بر دوش خود یافت و حالا دیگر علاوه بر رساندن وحی باید به فکر آب و نان مردم، چگونگی معاملاتشان، و علاوه بر آن، چگونگی رابطه با حکومت‌های همسایه و غیرهمسایه و بطور کلی جهان خارج از اسلام، و نیز مرگ و میر مسلمانان

و آداب مربوطه و انجام عبادات و مناسک و آداب معاشرت و پایه‌گذاری سنگ‌بنای تمدن اسلامی نیز باشد، و اگر قبل از آن، یک فکر داشت و آن هم جا انداختن توحید و معاد و نبوت برای عده‌ای قلیل بود اینک کلیه امور زندگی پیروان اسلام در ید قدرت او در آمده و او اینک مقتدرترین و گشاده دست‌ترین حاکم مناطق عرب‌نشین اطراف خود است، محور سخنان او و حساسیت‌های او هیچ فرقی نکرد.

قرآن در خلال بیست و سه سال و در خلال شکل یافتن این دگربرداری عظیم به تدریج نازل شده است. اما این تغییر عظیم در زندگی پیغمبر و نیز زندگی و موقعیت مسلمانان هیچگونه تغییری را در کلام قرآن، اصول آن، و مطالب اصلی آن ایجاد نکرد. ترساندن گناهکاران از عذاب الهی، نفی کامل شرک، ترغیب مردم به رعایت فقیران و ضعیفان، وعده پاداش اخروی به اعمال نیک، با همان شدت و صراحتی که از اولین روزهای آغاز نزول وحی در قرآن دیده می‌شود، در روزهای قدرت و ثروت و پیروزی در جنگها و اخذ غنائم نیز با همان شدت و صراحت مشاهده می‌گردد. و این چیزی است که در هیچ مکتب و کتاب بشری دیده نمی‌شود.

روشن‌ترین و نزدیک‌ترین مثالی را که از یک مکتب بشری که آنهم داعیه رهبری همه جانبه حیات بشر را داشت، می‌توانیم بزنیم، مارکسیسم است که توانست حکومتی تشکیل دهد و بیش از هفتاد سال حکومت نماید که شصت سال آن حکومتی جا افتاده و بلامعارض، مسلط، و در سطح بین‌المللی نفوذمند و تأثیرگذار بود بطوریکه یکی از دو ابرقدرت مسلط جهان گشت و آنگاه بدون اینکه خون از بینی کسی جاری شود فرو پاشید و از بین رفت و اینک فقط نامی آن در کتابهاست و خاطره‌ای در موزه‌ها.

اما می‌دانیم دگربرداری در این مکتب به طرز حیرت‌آوری شدید و غلیظ بود. به محض اینکه کمونیست‌ها، بر مبنای مارکسیسم، حکومت تشکیل دادند، فوراً فهمیدند که نمی‌شود فقط بر تکیه بر مارکسیسم حکومت کرد لذا اصلاحات پیشنهادی لنین را نیز به آن اضافه کردند و گفتند حکومت ما بر دو مبنا استوار است: مارکسیسم و لنینیسم.

(یعنی در مدت بسیار کمی اصول خود را تغییر دادند)

و اصلی‌ترین اصول حکومتی‌شان مردمی بودن آن و بی‌طبقه بودن جامعه بود و همه چیزشان بر «شورا»ها تکیه داشت و حتی نام حکومتشان نیز «شوروی» بود. اما آنچه در واقعیت انجام شد، شدیدترین و عریان‌ترین، و ظالمانه‌ترین شکل دیکتاتوری بود که هرگز تاریخ بشر، آنرا با این شدت، در این گستردگی و به این صراحت ندیده بود. و هر چند یکبار کنگره‌ای تشکیل می‌شد و اصول اصلی مارکسیسم – لنینیسم مجدداً مورد تعبیر و تفسیر و تجدیدنظر قرار می‌گرفت تا اینکه در زمان آخرین رئیس جمهورشان، اصول کمونیسم، بطور کلی، هم در حوزه نظری هم در حوزه عملی، مورد طرد و انکار قرار گرفت تا اینکه اصل و اساس حکومت فرو پاشید. و همه این اتفاقات در زمان ما اتفاق افتاد. از ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۰.

و اگر کسی بخواهد اختلاف‌های واقع شده در اصول کمونیسم را از ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۰ از داخل مصوبات کنگره و مصوبات «پولیت بورو» و تفسیرهای دفتر سیاسی حزب کمونیسم از اصول مارکسیسم؛ و قوانین مجلس ملی (دوما) تدوین کند، چنان اختلاف‌های حیرت‌انگیز پرحجمی بدست می‌آید که بیش از هفتادها من کاغذ خواهد خواست. اما در مورد قرآن، که منشور و مانیفست اسلام و مسلمانان است، از ابتدا که دوره ضعف و آزار و تعقیب و شکنجه است تا شکوفائی که استقرار و دفاع و پیروزی و غلبه و حکومت است، هیچ اختلافی در اصول و حتی شدید و رقیق شدن آنها را نمی‌بینیم. پیغمبر در حالی که ضعیف و فقیر و مغلوب بود، از قول خدا حرفی می‌زند. در روزهای قوت و ثروت و غلبه و حاکمیت نیز درست همان حرف را می‌زند. اینجاست که این آیه را بهتر می‌فهمیم که می‌فرماید:

«آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند که اگر از نزد غیر خدا بود، هر آینه اختلافات

زیادی در آن می‌یافتید». (سوره نساء / آیه ۸۲)

بنابراین «عدم اختلاف» در پیام‌های قرآنی را آنکه در طول بیست و سه سال و در

شرایط مختلف زندگی و فراز و نشیب‌های سنگین، به تدریج و متناسب با موقعیتها نازل شده] می‌توانیم یکی از خصوصیت‌های کلی آن بدانیم که در هیچ کتاب دیگر بشری وجود ندارد و از این لحاظ منحصر به فرد بوده است.

این «عدم اختلاف» نیز چندین محور دارد که یکی از واضح‌ترین آنها همان «اصول ثابت آن علیرغم حدوث تغییرات شدید در شرایط بیرونی» است اما هر چه زمان می‌گذرد محورهای جدیدی شناخته می‌شود.

### یک مثال :

در سوره نجم که «لمم» را معفو دانسته ، اوائل نزول وحی و هنگام ضعف موقعیت آنحضرت بود که گناهان صغیره را معفو اعلام کرد.

در سوره نساء که سیئات را معفو دانسته، اواخر نزول وحی و هنگام قوت کامل موقعیت آنحضرت بود که باز هم گناهان صغیره را معفو اعلام کرد.

این یک مثال خوب است و از این مثالها (بخصوص در اصول تعلیم قرآن) فراوان است.

### هدایت‌کنندگی دائمی بشر

وظیفه اصلی قرآن، هدایت بشر است. در جایی می‌فرماید: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم: «البته این قرآن به طریقی که از همه طریق‌ها درست‌تر است هدایت می‌کند» (سوره اسراء، آیه ۹)

کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور: «کتابی به سوی تو فرستاده‌ام که مردم را از تاریکی‌ها خارج کرده بسوی نور ببری» (سوره ابراهیم آیه ۱)

البته این درست است که:

قرآن فصیح و بلیغ است، آنهم در سطحی اعجازی و غیرقابل معارض، و بطور اعجاز‌آمیزی دارای ابعاد متعدد معانی است، و بطور معجزه‌آسایی زیباست، اختلافی در آن نیست، اعجاز عددی حیرت‌انگیزی دارد، پیشگوئی‌های تحقق‌یافته کوتاه‌مدت تاریخی دارد، پیشگوئی‌های تحقق‌یافته کوتاه مدت کشدار دارد، پیشگوئی‌های علمی یافته‌ای دارد که تا زمان ما ادامه یافته و هنوز هم درست است، پیشگوئی‌های علمی دارد که امروز درستی آن محقق شده، در بیان خود صریح و مطمئن و قاطع است، و ... و هیچیک از صفات فوق در کتاب‌های محصول فکر بشر یافت نمی‌شود و لذا قرآن از هر یک از نقطه‌نظرهای فوق معجزه است.

همه اینها درست است.

اما:

کار اصلی قرآن ارائه سبک ادبی و هنری و انجام پیشگوئی نیست بلکه کار اصلی قرآن هدایت انسانها، نجات و آزاد کردن آنها از ظلمات جهل و خرافات و سنت‌های غلط ناشی از جهالت است. کار اصلی قرآن رساندن بشر از ذلت به عزت و از بندگی هوا و هوس و خرافات به پیروی حق و حقیقت و ارزشها و رساندن او به آزادی و سرافرازی است.

و البته قرآن در این زمینه کاملاً موفق بوده و آنقدر موفق بوده که هیچ رقیبی ندارد.

و هیچ کتابی هرگز موفق نشده است اینقدر در این زمینه توفیق یابد. قرآن موفق شده اعراب جاهل وحشی بدین را در مدتی کمتر از عمر یک نسل متمدن نیک دین کند. قرآن بعداً موفق شده به تمدن اسلامی هویت خاص آن را ببخشد و آن را از گمراهی‌های تمدن یونان و رُم نجات دهد. قرآن موفق شده پیروان خود را به این خودآگاهی برساند که آنچه دارند بهتر از چیزی است که دیگران دارند و آنها را در پیروی خود استوار بدارد. قرآن هم اکنون نیز دارد همان نقش هدایت‌کنندگی را برای کل جهان بشریت امروز انجام می‌دهد و این نقش هدایت‌کنندگی، هم اکنون نیز ادامه دارد. و چون این بحث اهمیت خاصی دارد آنرا در فصل‌های جداگانه‌ای عرضه می‌کنیم:

## ۱

### نمونه‌ای از هدایت‌کنندگی

قرآن در جامعه‌ای نامتمدن ظهور کرد اما همه عناصر اصلی یک جامعه متمدن عالی را در خود داشت.

جامعه‌ای که قرآن در آن طلوع کرد، جامعه‌ای بود با مشخصات ذیل:

- ۱- حکومت نداشتند و بصورت قبایلی اداره می‌شد.
- ۲- غیر از یکی دو تا آبادی متمرکز مانند مکه و طائف و یثرب که به اصطلاح امروز می‌توان آنها را شهر بدون شهردار نامید، بقیه مردم آن محدوده قبایل متفرق چادرنشین اسکان نیافته بی‌تمدنی بودند که زندگی خویش را از شکار و کرایه دادن شتر و راهزنی و غارت دیگران می‌گذراندند.
- ۳- خط و سواد و پزشکی و علوم و صنعت نداشتند.

۴- ضروری‌ترین احتیاجات مادی خود را از طریق دو بار تجارت زمستانه و تابستانه در سال تأمین می‌کردند. و این تجارت نیز به همسایه نزدیکشان یعنی شام محدود می‌شد. قرآن در چنین جامعه‌ای طلوع کرد اما در آن هیچ آیه‌ای نیست که از ارزش‌های بدوی و چادرنشینی و خانه بدوشی و کولی‌گری و کوچ‌گرایی حمایت شده باشد اما آیاتی که در آنها از ارزش‌های جوامع متمدن حمایت شده باشد زیاد است.

عناصر اصلی تمدن‌های بشری عبارت است از:

- ۱- از لحاظ افراد (یعنی شهروندان آن تمدن) اعتماد به نفس و احترام به خویش.
- ۲- از لحاظ خانواده، محترم دانستن کانون خانوادگی، علاقه و دوستی داخلی بین اعضاء خانواده، اهمیت دادن و دقت در مقررات مربوط به ازدواج، طلاق، ارث و غیره.
- ۳- از لحاظ اجتماعی، اهمیت دادن به آداب معاشرت و وضع مقررات لازم و اهمیت دادن به اجرای شایسته آن و اصلاحات مداوم در جهت بهبود وضع فردی و اجتماعی مردم.

۴- از لحاظ اقتصادی، اهمیت دادن به کشاورزی، صنعت، تجارت، و وضع مقررات عادلانه راجع به آنها.

۵- از لحاظ حکومتی، مشخص کردن حق حکومت نسبت به مردم، تعیین دقیق مالیات و مشخص کردن چگونگی خرج آن، وضع قوانین مشخص راجع به دفاع و پرداختن به امور نیروی انسانی و نیز جنگ‌افزار و سایر مقررات مربوطه.

۶- از لحاظ فرهنگی، توجه نشان دادن به علوم و مبارزه با بی‌سوادی و نیز توجه نشان دادن به هنرها.

در قرآن کریم به همه این عناصر، و جزئیات مربوط به آن، توجه شده و به آنها پرداخته و آنها را مورد اهمیت قرار داده و تشویق شده است.

نتیجه‌اش هم که مشاهده شد! عده‌ای آدم‌های وحشی، غارتگر، بی‌فرهنگ، زنده بگور کننده دختران، سوسمارخوار، در مدتی کمتر از یک نسل به چنان موقعیتی رسیدند

که رشک سایر جوامع شده و الهام‌بخش آنان و تأثیرگذار بر آنان گردیدند. و تمدنی آفریدند که باید تاریخ تمدن ویل دورانت را خواند تا به گوشه‌هائی از عظمت آن پی برد.

## ۲

### اصلاح عقاید دینی کل بشریت

چنانکه می‌دانیم قرآن در زمانی نازل شده که بدون تعارف کل بشریت دچار واضح‌ترین و علنی‌ترین نوع شرک بود.

در شاخه غربی جهان متمدن آن روز یعنی رُم عملاً سیستم چند خدائی روم باستان به داخل عقاید رسمی مسیحیت نفوذ کرده و توحید مورد تبلیغ حضرت عیسی(ع) را بصورت تثلیث در آورده بود و در شاخه شرقی نیز که ایران دوره ساسانی باشد توحید مورد تبلیغ زرتشت را به سیستم دو خدائی دوره ساسانی تنزل داده بود.

از بقیه جوامع نیز که بهتر است دیگر چیزی نگوئیم. زیرا در هندوستان حتی در همین زمان معاصرمان یعنی همین الان هم آشکارترین نوع شرک بطور وضوح دیده می‌شود و دیدن آن فقط یک مسافرت می‌خواهد. سایر ممالک شبه قاره هند نیز به همین. شرک آشکار هزاران خدائی اقوام سرخپوستی و قبایل شمال اروپا نیز معروف‌تر از آن است که نیاز به شرح و توضیح داشته باشد. همگان اسم «اودین» (خدای خدایان) و «والهالا» (مقر خدایان اقوام شمال اروپا در آسمان‌ها) را شنیده‌اند و این مختصر جای شرح و بحث آن نیست.

یعنی اینکه شرک علنی و آشکار چیزی نیست که لازم باشد بگردیم و جستجو کنیم و آثارش را بیابیم بلکه خودش و پیروانش را می‌توانیم همین الان هم به آسانی پیدا کنیم.

اما همین امروز، همین مشرکان، شرک خود را «توحیه توحیدی» می‌کنند.

مسیحیان می‌گویند درست است که ما سه «اقنوم» را مؤثر می‌دانیم اما آنها مانند سه ضلع یک مثلث از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند، و لذا آنها سعی می‌کنند با «توجیه توحیدی» تثلیث، آنرا معقول و منطقی کنند.

تقریباً همه ادیان دیگر نیز همین طرز بیان را دارند.

زرتشتیان نیز بجای «دو مبدأ مؤثر جداگانه»، امروز به «دو وجه مختلف از یک حقیقت» تأکید می‌کنند.

و سایرین نیز همچنین. گرچه در بحث و اثبات سخن خویش در می‌مانند اما حرفشان همین است. «یک حقیقت که به وجوه مختلف جلوه‌گری می‌کند» را تبلیغ می‌کنند. خلاصه اینکه امروز مشرکان عالم، نوعی «شرک اصلاح شده» را تبلیغ می‌کنند که شباهتی به توحید اسلامی پیدا کرده است.

خلاصه اینکه قرآن سبب شده است عقاید کل مردم جهان اصلاح شود ولو اینکه اسم اسلام را نپذیرند.

## ۳

### سایر

سه مورد که قبلاً اشاره شد «کلی» بود و مربوط به «مجموعه تعالیم قرآنی» می‌شد که روی کلیت فکر و ذهن افراد تأثیر می‌گذاشت و سبب تغییر اصولی و ذاتی آنها می‌شد و این نه فقط سبب اصلاح خودشان می‌گردید بلکه جوامع آنها و بالاخره کل جهان انسانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد.

اما اگر بخواهیم دنبال موارد جزئی و این آیه و آن جمله و این عبارت و آن مفهوم قرآنی که حتی همین امروز هم چنین نقشی دارند بگردیم، موارد بسیار زیاد است و تحقیق بسیار گسترده‌ای را می‌طلبد که از توان افراد خارج است بلکه مؤسسات علمی

و تحقیقی خاصی باید در این جهت سامان یابند تا بتوانند بطور مستمر چنین مأموریتی را پیگیری کنند زیرا به میزان رشد و توسعه جوامع بشری، آیات بیشتری از قرآن فهمیده می‌شود و پیشگوئی‌های تاریخی و علمی جدیدتری به تحقق می‌پیوندد و به همین نسبت پیشگوئی‌های جدیدی که تا آن موقع مورد غفلت قرار گرفته، مورد توجه قرار می‌گیرد و به ذهن بشر و بشریت «خط» می‌دهد و «ارائه طریق» می‌کند.

مثلاً «امر هم شوری بینهم» که اساس حکومت‌های دموکراسی است در آن روزهای اولیه نزول قرآن تا دو قرن قبل فقط یک «دستور اخلاقی برای زیدگان مؤمنان» تلقی میشد، اما اینک بعنوان یک «روش زندگی» جا افتاده است و امروز دیگر «اصل آن» بعنوان یک «خواسته» مطرح نیست بلکه امروز «اجرای کامل آن» بعنوان یک «خواسته» مطرح است.

چنین مواردی در قرآن کریم بسیار زیاد است و گرچه نمی‌توان همه آنها را ذکر کرد اما ذکر تعدادی از آنها بعنوان نمونه برای جلب توجه محققان و فرهیختگان لازم و مفید است.

لذا در صفحات آینده، بعضی آیاتی را که در آنها چنین حالتی بطور وضوح دیده می‌شود مطرح، و شرح مختصری نیز در رابطه با نوع «هدایت‌کنندگی» آنها عرض می‌شود:

### مثال ۱:

#### آینده اسرائیل

در سوره اسراء چنین میفرماید :

و درباره بنی اسرائیل در آن کتاب مقرر کردیم که شما حتماً در زمین دوبار فساد می‌کنید و سرکشی بزرگی خواهید کرد (۴) و وقتی که موعد اولتان سر رسید، بنده ای از بندگان خویش را علیه شما برگماشتیم که بسیار نیرومند بود تا اینکه درون شهرهایتان

را نیز جستجو کردند و این وعده (قبلاً) انجام شده است (۵) سپس شما را مجدداً بر آنها برگردانیدیم و به اموال و فرزندان مددتان دادیم و شما را از آنان بیشتر نمودیم (۶) اگر احسان کردید بنفع خودتان است و اگر هم بدی کردید به ضرر خودتان کرده اید و وقتی که موعد دوم بیاید چهره هایتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتماً داخل آن مسجد میشوند همانطور که بار اول داخلش شدند و آنچه را که بر آن مسلط شدند نابود خواهند کرد (۷)

با توجه به آیات قبل معلوم می‌شود منظور از کلمه «مسجد» در آیه ۷ همان «مسجدالاقصی» است.

این آیات، یعنی آیات ۴ تا ۷ و سوره اسراء به وضوح آینده سخت و نامطلوبی را برای اهالی کشوری به نام اسرائیل پیشگوئی می‌کند. و جمله «همانطور که بار اول داخلش شدند» در آیه ۷ این معنی را می‌دهد که یهودیان لاقبل یکبار بشدت دچار پراکندگی شده‌اند بطوریکه اساس اجتماعشان در هم پیچیده شده و به شدت تحت تعقیب قرار گرفته و به حالت فرار به همه جا سرازیر شده‌اند.

این جریان همان است که در زمان نبوت حضرت الیاس(ع) که مقارن پادشاهی «بخت- النصر» (نبوکد رزار) بود که توسط همو اتفاق افتاد که صحنه‌های مختلف آن را باید در تواریخ جستجو کرد و آنها آواره، و مدتها بعد و در زمان (زنده‌یاد) کورش هخامنشی، و بدست همو، دوباره به مأمن خویش باز گردانده شدند.

در تاریخ یهود غیر از این واقعه چیز دیگری نمی‌یابیم که تأویل قسمت آخر آیه ۵ باشد.

البته این را هم باید بدانیم که یهودیان هرگز به آن آقائی و شوکت و قدرت و حرمت دوره داود و سلیمان(ع) نرسیدند و درست است که کورش کبیر آنها را برگرداند اما آن حکومت ضعیف تحت حمایتی بیگانگان کجا و آن دوره سیادت دوره داود و سلیمان کجا؟

اتفاقی که در سال ۱۹۴۸ افتاد که دولت اسرائیل تشکیل شد و تاکنون حدود شصت و هشت سال از آن می‌گذرد، و پیدایش این قدرت و شوکت فعلی یهودیان محصول آن است و با مدلول آیه ۶ کاملاً همخوانی دارد.

اما حفظ و دوام قدرت و شوکت حکومت مذکور، در آیه، مشروط به «احسان» آنها شده، و چون می‌دانیم که احسان و بنی اسرائیل مانند جن و بسم الله دو موضوع متنافرند، لذا، طبعاً سرنوشت آنها همان خواهد بود که در انتهای آیه ۷ ذکر شده است. در هر حال از این آیات به وضوح و روشنی کامل چند چیز فهمیده می‌شود:

۱- بنی اسرائیل دو بار در روی زمین فساد می‌کنند.

۲- دفعه اول وعده‌اش سر آمد و آنها به شدت سرکوب و پراکنده شدند.

۳- بعداً دوره‌ای می‌آید که وضعشان کم‌کم روبراه می‌شود و سری توی سرها در می‌آورند و بلکه در بعضی جهات شاخص هم می‌شوند.

۴- اما کم‌کم (در اثر عملکرد خاص ذات بنی اسرائیلی‌شان) مورد نفرت عمومی واقع می‌شوند و «آنها» (= دشمنانشان) وارد «آن مسجد» خواهند شد و سپس هرچه را که بر آن استیلا یافتند نابود خواهند کرد و بطور کلی طومار آنها در هم پیچیده خواهد شد.

ضمناً این نکته هم در بطن مطالب فوق هست که این عاقبتی که در انتظار بنی اسرائیل هست، کاملاً منصفانه و عادلانه است زیرا نتیجه افساد آنهاست و می‌توانست آنطور نباشد و می‌توانست در صورتیکه آنها بجای افساد، احسان می‌کردند، از دیگران نیز احسان ببینند. اما چون نمی‌توانند جلوی خود را بگیرند و جز افساد کار دیگری از آنها بر نمی‌آید، به چنان عاقبتی دچار خواهند شد.

لذا وجه هدایتی این آیات در دو جهت است یکی از نظر مسلمانان و آن این است که روی این عاقبت اسرائیل سرمایه‌گذاری کنند و مبارزه را رها نکنند و با اطمینان به پیروزی، در جهت سازماندهی و دفاع و مقاومت فکر و عمل مؤثر کنند.

از جهت دولت‌های غیراسلامی (مثلاً دولت‌های اروپائی و ملت آمریکا و غیره) نیز این امر قاعده‌تاً باید قابل توجه باشد که روی طرف بازنده سرمایه‌گذاری نکنند. اسرائیلی که طومارش در هم پیچیده خواهد شد قابل و لایق این همه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی و علمی و تبلیغاتی نیست.

این یک نمونه کوچکی است از هدایت‌های قرآنی که هم اکنون خطاب به همین بشر امروزی اوایل قرن بیست و یکم دارد انجام می‌شود.

اینک که ما این نکات را درباره حکومت فعلی اسرائیل فهمیدیم خود بخود این سؤال برای ما پیدا می‌شود که این نابود شدن اسرائیل چگونه صورت خواهد گرفت؟ پیدا کردن پاسخ سخت نیست.

اسرائیل حکومتی است بسیار بدرفتار و تنها حامی موثر آن نیز آمریکاست و خود آمریکا نیز مشکلات حاد درونی دارد و در آینده‌ای نه چندان دور نمی‌تواند در مقابل مدعیان جدید دنیا مانند چین و اتحادیه اروپا و قدرت‌های اقتصادی و علمی و تکنولوژیکی جدیدی که در دنیا در حال شکل‌گیری است (که نوعاً در قاره آسیا متمرکزند) تاب بیاورد و لذا اسرائیل با از دست دادن تنها حامی خویش، در مقابل دریا‌های خروشانی از کسانی که مورد نفرت آنهاست و در زمانی طولانی، به آنها ظلم کرده و حقوقشان را غضب نموده و فرزندانشان را کشته و آنها را بی‌خانمان نموده و غیره، تنها می‌ماند، و در آن صورت معلوم است چه بر سرش خواهد آمد.

از آیه ۱۰۴ چنین فهمیده می‌شود از بین دو حالت ممکن، اسرائیلیان، آن مسیری را انتخاب خواهند کرد که به نابودی آنها منجر می‌شود و تأکیدی است بر اینکه این امر حتماً اتفاق خواهد افتاد. (بخصوص توجه کنید به دو آیه قبل که به نتیجه دنیائی - و نه آخرتی - فرعون توجه می‌دهد)

نکته:

اما واقعاً خوانندگانی که قبل از سال ۱۹۴۸ میلادی این آیات را می‌خواندند، این چیزهائی را که ما امروز به وضوح و روشنی از آن می‌فهمیم می‌فهمیدند؟

این آیات چنان تر و تازه است که انگار همین الان و برای ما نازل شده است. ملاحظه فرمودید؟

در این چند آیه، چگونه یک پیشگویی دقیق از چنین موضوع حساس و مهمی یافتیم و چطور به سهولت «نقشه راه» آن را نیز پیدا کردیم و چگونه در اثر همه این چیزها توانستیم بفهمیم که برخورد ما با پدیده‌ای بنام اسرائیل چگونه باید باشد؟ این یک نمونه کوچک است از: الهام‌بخشی، رهنمود دهی، بارور نمودن ذهن مومنان، و هدایت‌کنندگی دائمی قرآنی.

قرآنی که مسلمانان از این جهت کمتر به اهمیت آن پی برده‌اند و کمتر از این لحاظ به آن مراجعه کرده‌اند. بطوریکه می‌توان گفت چه بسا شکایتی که در روز قیامت از قول پیغمبر(ص) راجع به بی‌توجهی نسبت به قرآن در آیه ۳۰ سوره فرقان نقل شده است راجع به همین وجه قرآن باشد که چرا مسلمانان برای «چیزی فهمیدن» و برای «فکر جدید یابی» و برای «اصلاح فکر خویش» و برای «رشدیابی» به قرآن کریم مراجعه نمی‌نموده‌اند.

## مثال ۲:

یک نمونه از بارور نمودن ذهن مومنان در خصوص یک موضوع مربوط به

### باستان‌شناسی.

در کتاب خویش به نام «آثار قوم لوط» (ر. ک. سایت) عرضی کرده ایم که خلاصه آن این است که محل شهر لوط در قرآن با دقت زیاد تعیین شده است.

اگر کسی این سرخن را پیگیری کند و به حفاری بپردازد چنان دستاورد های جالب و جذابی بدست خواهد آمد که جدا از شمنند خواهد بود. مثلا:

۱ - زمان حضرت لوط که متعلق به «ما قبل تاریخ» است به «دوره تاریخی» انتقال خواهد یافت.

۲ - زمان حضرت ابراهیم نیز که معاصر لوط بوده به «دوره تاریخی» انتقال خواهد

یافت .

۳- علم تاریخ بشر بسیار غنی تر خواهد شد.

۴- پیشگویی های تحقق یافته قرآنی بسیار غنی تر خواهد گردید.

۵- توجه جهانیان به قرآن جلب و عده زیادی تقویت ایمان خواهند یافت.

و بعبارت دیگر قرآن مطالبی دارد که به تدریج و در طول زمان و همراه با رشد فکری بشریت مفهوم می گردد.

یعنی اینکه قرآن برای مردم هر عصر «پیام» هائی دارد که مردم اعصار قبل از آنها نمی توانند آن پیام ها را بگیرند زیرا به حد درک و فهم آن پیام ها نرسیده اند. امروز هم همینطور است.

امروز هم قرآن برای مردم زمان ما «پیام» هائی دارد که اگر دقت کنیم شاید بتوانیم آنها را بگیریم. که در مطالب دو فصل قبل دو تا از آنها را دیدیم.

مثلا پیامهایی که امروز میتوانیم از قرآن دریافت کنیم و بوسیله پیگیری سر نخ های آن مشکلات بشری خویش را حل کنیم چه چیزهایی میتواند باشد؟

مهم ترین درد بشر امروز اضطرابات متنوع و مهمی است که به آنها دچار شده است.

باند های پر قدرت همه نوع جنایات، جانوران غول شده ژنتیکی، مهاجمان احتمالی از کرات دیگر، تحقیقات مخفی سازمان های پر قدرت نظامی و امنیتی که منجر به تولیداتی میشود که کل حیات را در روی این کره زمین تهدید میکند، گسترش فساد سازمان یافته در ارکان سیستم های حکومتی بطوریکه همه دزد شده اند و هر کس بالاتر است دزد تر است، وجود سلاح های منهدم کننده دارای اثر عمیق و وسیع، ازدیاد بی کنترل جمعیت، آلوده شدن روز افزون محیط زیست، کم شدن و بلکه تقریباً از بین رفتن عواطف انسانی بخصوص داخل خانواده ها و حتی از بین رفتن و فروپاشی نظام خانواده و، سرعت عجیب پیشرفت تکنولوژی و فوراً عقب ماندن عده زیادی از آن،

زیاد شدن تنوع تخصص ها و در نتیجه بیچارگی بشر عادی که در بین اینهمه گرفتاری گیر میکند که رفع هریک از یک متخصص بر می آید که برای آن مطالبه زیاد دارد، خطراتی که هر لحظه در کمین هر کسی است و صفحه حوادث روزنامه ها گوشه ای از تنوع و کثرت آنها را باز میگوید، سیل ها و طوفان ها و اپیدمی ها و امثال آنها، مسابقه دیوانه واری که همگی در آن شرکت دارند که خود را و زندگی خود را مانند کسانی که به خیالشان از آنها «بالا تر» اند کنند و تحمل هزینه سنگین دائما مد عوض کردن که نتیجه اش این است که به محض اینکه چیزی را تهیه کردند فوراً باید یک مدل جدیدتر را که به بازار آمده جایگزین آن کنند و از این طریق در رنج دائم دویدن برای بدست آوردن شوند، گسترش جرم و جنایت های هولناک ، و ...

نتیجه همه اینها احساس تنهایی و بی پناهی و بی دلخوشی و اضطراب و باز هم اضطراب بشر است که بزرگترین درد امروز است و «افسردگی» آنقدر شایع است که بیماری قرن لقب گرفته است .

بشر به خیال خویش برای تسکین روح افسرده خود به مخدرها و الکل و سرگرمی ها و خرافات و جادو جنبل و عرفان های کاذب و خلاصه هر کسی که آدرسی برای رهایی از این گرداب ها میدهد روی میکند که البته اکثر آنها هم دروغ و خرافه و اباطیل تحویل میدهند .

امروزه سیستم ها و سازمان هائی وجود دارند ، و دائما ، هم به تعداد، و هم به دامنه فعالیت شان، افزوده میشود که خروجی فعالیت شان چیزی جز پمپاژ پر حجم اضطرابات در روح و روان بشر و تزریق خرافات و اباطیل در ذهن او نیست.

به اینهمه اباطیل و مزخرفات که دائما از برخی موسسات تولیدات سینمایی و نیز برخی کتاب ها و مجلات ، دم به ساعت بیرون می آید، نگاهی بیاندازید : مثلاً :

## ۲/۱- خرافه «فضائی‌ها»

مطابق یک ضرب المثل، برای اینکه کسی یک حق را زیر پا بگذارد می باید ده ها باطل را روی چشمش بگذارد .

پذیرفتن خرافه فضائی ها هم همینطور است.

اینک که اواخر سال ۱۳۹۴ باشد این نگارنده تقریباً ۷۰ ساله است و به یاد می آورد که از حدود ۱۵ سالگی خویش ترجمه هائی در یکی از مجلات شبه علمی آن روزها میخوانده که در روی زمین آثار و علائمی هستند که نشانه موجوداتی پیشرفته تر از انسان است که از کرات دیگر به زمین آمده و مدتی هم در زمین توقف کرده اند و دلایلی هم ارائه میکردند و مثلاً میگفتند اهرام مصر از برخی قطعات یکپارچه سنگی تشکیل شده که وزن بعضی از آنها بیش از صد تن است و چگونه ممکن است توسط فراغه ساخته شده باشد در حالیکه در زمان آنها هنوز چرخ و اهرم اختراع نشده بود و نتیجه میگرفتند که این نوع آثار دلیل بر موجوداتی برتر و پیشرفته است که از کرات دیگر به زمین آمده و این آثار را به عنوان نشانه هائی برای همانندان خویش در زمین گذاشته اند تا آنها بتوانند هنگام سفر به زمین با شناسائی این نشانه ها پایگاه های خود را یافته و ماموریت هایشان را دنبال کنند .

اکنون که چندین دهه از آن روز ها میگذرد جهان در مقابل سیلی از نوشته ها، کارتون ها، فیلم ها، و بازیهای کامپیوتری، و سایر روش های القاء این مطلب بوده، و تاثیری که از این مسیر پذیرفته این است که امروز حتی برای کودکان هم این نکته جا افتاده که نگران «فضائی ها» باشند که روزی عده ای با تکنولوژی بالاتر به زمین بیایند و زمینیان را برده خویش کنند و ذخایر زمینی را ببرند.

اگر کسی از مبلغان این لاطانات بپرسد «آن موجودات برتر فضائی علم و تکنولوژی

خود را از کجا گرفته اند؟» حتما خواهند گفت آنها هم از موجودات «برتر» تر گرفته اند، و با این جواب فقط صورت مسئله را یک قدم دیگر به عقب برده اند، نه اینکه جواب مقنعی داده باشند.

قرآن به این دغدغه خاطر بشر، (که ایجاد آن، نتیجه کوشش ده ها هزار آدم نخبه از قبیل نویسندگان و روزنامه و مجله داران و فیلمسازان و غیره و غیره و صرف میلیاردها دلار هزینه و زمانی در حدود ۷۰ سال برای رسیدن به آن منظور باشد) این پاسخ را میدهد که نگران مهاجمان بیرونی نباشید که ما آسمان را مانعی برای نفوذ شیران قرار داده ایم، آنجا که می فرماید: اَنَا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بَرِيْنَةُ الْكَوْكَبِ وَ حَفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (آیه های ۶ و ۷ سوره صافات)

قرآن با این آیه ها، و آیات دیگر در جاهای دیگر، آن اضطراب حاصل از آن خرافه را باطل و آرامش فکری و روانی شایسته و بایسته را به بشر معتقد باز میگرداند.

## ۲/۲- سایر خرافات اضطراب زا

موجودات غول شده ژنتیکی (مثلا گودزیلاها و امثال آن)،

مدت کمی پس از جنگ جهانی دوم و فاجعه انفجار هسته ای در دوشهر ژاپن که به تسلیم آنها منجر شد، اولین فیلم های «گودزیلا»ئی توسط خود ژاپنی ها تولید و مورد استقبال بینندگان قرار گرفت، که خود این استقبال مشوق سازمانهای فیلم سازی هالیوودی - که قدرت مالی و هنری بالاتری داشتند - گشت که بطور تولید انبوه از این نوع فیلم ها بسازند و روانه بازار کنند .

خود اصل فیلم های اولیه گودزیلائی بازتاب نگرانی عمیق و گسترده مردم ژاپن بود

که نکند دوباره کسی دکمه ای را فشار دهد و فاجعه هائی مانند هیروشیما و ناکازاکی به بار آید، اما، فروش خوب فیلمهای مذکور و مزه کردن شیرینی پول زیر زبان تهیه کنندگان آن نوع فیلمها، مشوق قوی تری برای تولیدات بیشتر فیلم های دیگری در زمینه های دیگری - غیر از گودزیلا اما با همان عنصر موجودات خطرناک غیر قابل مهار - که کلا به «ژانر وحشت» موسوم است - گردید که هر روز بر دامنه تنوع و گستردگی آنها افزوده میشود و خود این موضوع یک عامل دائمی برای ایجاد نگرانی در روح و روان کودک و نوجوان و بزرگسال است که چه نشسته اید که در هر لحظه ممکن است یک موجود غول آسای بشدت خطرناک و ویرانگر که کل ارتش های دنیا هم قادر به مقابله اش نیستند پیدا بشود و زندگی شما را نابود کند.

واضح است که کل این نوع موضوعات چیزی جز دروغ و تخیلات بی اساس نبوده و یک برگه تایید علمی هم ندارد، اما، از این موضوع - یعنی ایجاد ترس و نگرانی برای میلیونها مردم - پول های هنگفتی برای سازندگان این قبیل فیلمها حاصل میشود که نمیتوانند از آن بگذرند، و لذا می بینیم روز به روز، هم به تعداد و هم به تنوع آنها افزوده میشود .

#### جادو و شیطان و نفوس شریر و شبح و روح،

وجود جادو - و به عبارت قرآنی آن «سحر» - با توجه به آیه ۱۰۲ سوره بقره، اجمالا مورد پذیرش است، اما، به این بی در وپیکری و وسعت دامنه ای که در داستانها و افسانه های ملل مطرح است البته مورد قبول نیست. داستانهای هزار و یکشب و داستانهای اروپائی، از قبیل سیندرلا و کوتوله ها و سفید برفی و امثال آنها که با وسعت و شدت زیاد وارد اذهان کودکان و نوجوانان ما میشود، البته همه اش خرافات و باطل است.

البته هر قومی افسانه هائی دارد، مثلا ما شاهنامه فردوسی را داریم که جمع آوری

افسانه های اقوام آریائی قدیم است که نشاندهنده چگونگی متمدن شدن آنان و خروج از زندگی کوچ نشینی و شکارچیگری و رو نمودن به کشاورزی و استقرار است، و همچنین در غرب ایلید را داریم که همان کارکرد شاهنامه را در مورد آنان دارد که توسط هومر تدوین شده که هردو مربوط به زمان های خیلی دور است و نیز هردو پر است از مطالب عجیب و غریب و غیر قابل باور و خدایان که البته عادت کرده ایم آنها را همان «افسانه» بنامیم و چندان جدی نگیریم.

اما افسانه های پیدایش انگلستان جدید خیلی به ما نزدیک است و نه تنها به هزار سال هم نمیرسد که بیش از دور و بر پانصد سال هم قدمت ندارد و با داستان «آرتور» شاه شروع میشود و مقارن است با برچیده شدن ملوک الطوایفی و پیدایش قدرت مرکزی و پذیرفته شدن مسیحیت.

پیدایش آرتور شاه - چنانکه بطور خلاصه از افسانه های آنان نقل میشود - از همان ابتدا بطور جادوئی شکل گرفت بطوریکه مادرش که جادوگر بود از طریقی جادوئی شوهرش را کشت و زن کسی شد که آرتور از نطفه او است.

آرتور از همان بدو کودکی بدستور یک جادوگر از خانواده جدا شد و تحت تعلیم «مرلین» که جادوگر و معلم او بود بزرگ شد، تا اینکه در سن جوانی به وجهی جادوئی در جنگی که میرفت بطور کامل باخت را نصیب طرف مورد علاقه آرتور کند پیروز شد و حکومت مرکزی تشکیل داد و سپس در اثر جادو های اعمال شده توسط خاله اش بنیان سلطنتش ضعیف شد و در جنگی که در اثر ضعف او در گرفت توسط خواهر زاده اش که ضمنا پسر خودش هم بود - زیرا او به وجهی جادوگرانه بدون اینکه بداند با خواهر خودش مجامعت کرده بود - کشته شد .

این افسانه، بسیار مشهور و موضوع کتابها و داستانها و فیلم های زیادی - از جمله «مه های آوالون» - است که در سی دی فروشی ها عرضه میشد که من آن را دیده

ام .

افسانه های جادوگری انگلیسی چنان در سطح وسیع و چنان در عمق زیاد پذیرفته شده که اسامی برخی از شخصیت های آن افسانه ها به عنوان اسم روی بچه ها گذاشته میشود، مثلا اسم «مریلین مونرو» بازیگر مشهور دهه شصت از اسم همان جادوگر معلم آرتور گرفته شده است.

بطور کلی موضوعات مربوط به جادو و جادوگری چنان با فرهنگ انگلیسی عجین است که اگر آن را از این جدا کنیم چیزی باقی نمی ماند، مثلا از آثار شکسپیر در صورت حذف عناصر جادوئی و جادو گری، کل «مکبث» حذف میشود و قسمت عمده ای از سایر آثار او نیز حذف میشود.

این عجیب نیست که این مزخرفات هری پاتری اینقدر پرفروش شده و بهمین جهت یک زن معمولی با استعدادهای معمولی را ناگهان سوپر میلیونر کرده، دلیلش این است که این نوع اباطیل با باورهای رسوخ یافته در عمیق ترین لایه های فکرشان قرابت فامیلی دارد.

البته وقتی که میگوئیم «فرهنگ انگلیسی» ، باید بدانیم که «فرهنگ آمریکائی» نیز همان است زیرا آمریکا تاریخی ندارد و از «سرریز» اروپا به وجود آمده، اما چون بعدا به عللی که جای شرحش نیست آمریکائیان قدرتمند و ثروتمند شدند فرهنگشان هم توسط کشورهای فرودست وارد شد و چون ذات آنها جادوگرپندار بود اول هالیوود مقادیر زیادی فیلمهای جادوگر مآبی (مثلا درزمان جوانی بنده فیلم جک غول کش و امثال آن) ساخت که بعدا سینماهای کشور های دیگر و مخصوصا هندوستان و دیگران و اخیرا چین – که دیگر واقعا آن را به حد بالای ابتذال رسانده – همین نوع فیلم را ساختند و اینطور شد که موضوعات جادو و روح و شبح و جن و شیطان و هیولاهای اینقدر در همه جا دیده میشود و طوری شده که اگر کسی بگوید همه اینها دروغ و

بی اساس و مهمل و باطل است با تعجب به او خیره میشوند که این معنی را میدهد که آقا سرت به جایی نخورده؟

اما ناگزیریم لا اقل اینقدر به موضوع بپردازیم که بر اساس مندرجات قرآن کریم منشاء سحر، آنطور که در آیه ۱۰۲ سوره بقره - در داستان هاروت و ماروت - آمده، منحصر به موارد محدودی بوده، و تازه، تأثیرش هم - مانند هر چیز دیگر - مقید به «اذن الله» است، و خود آن بر دو نوع است: واقعی و قلابی.

نوع قلابی سحر شعبده بازی است، که در داستان موسی و فرعون آمده، که ساحران مصری چیزهایی را - به تعبیر قرآن «حبالهم و عصیهم» (رسمانهای و چوبهائی) - را می انداختند و آنها در اثر حقه های فیزیکی - شیمیائی حرکت هائی میکردند و مردم - به تعبیر قرآن «یخیل آنها تسعی» (تصور میشد که به تندی حرکت میکنند) - چنین تصور میکردند که آنها واقعی هستند.

موضوع فوق، یعنی اتفاقی که در داستان موسی و فرعون افتاد در حقیقت جادو نیست بلکه فیزیک و شیمی و مکانیک است و اسمش هم شعبده است و قابل آموزش دادن و آموزش یافتن است.

اما، سحر را فقط در قرآن و در داستان هاروت و ماروت (آیه ۱۰۲ سوره بقره) می یابیم، که البته دامنه بسیار محدودی دارد و ثانیاً با پناه بردن به خدا بی اثر است.

اما در همان آیه چیز دیگری را هم مطرح میکند و آن این است که - به تعبیر قرآن: «ما تلتوا الشیاطین علی ملک سلیمان» (آنچه که شیطان ها بر فرمانروائی سلیمان خواندند) - است که ممکن است آن را نیز از باب سحر بدانیم که اینطور نیست و آنهم از باب علم است.

البته توضیح این فقره مفصل است ولی چاره ای نیست و شرح مختصری میدهیم:

سلیمان نبی (ع) وقتیکه میخواست تخت پادشاهی ملکه سباء را به تشکیلات خودش منتقل کند - آنطور که قرآن میگوید - با اعضای ستادش مشورت کرد و یکی گفت من آن را «قبل از اینکه از جایث برخیزی» به نزدت می آورم (که مدت لازم میتواند از چند دقیقه تا چند ساعت باشد - بسته به اینکه «از جایث برخیزی» چه معنیی داشته باشد -) و دیگری گفت من آن را در چشم بهم زدنی نزدت می آورم و این نفر دوم کسی است که قرآن او را چنین توصیف کرده : کسی که نزد او علمی از آن کتاب بود.

لذا کار او از نوع «علم» بود.

همچنین کار سامری - چنانکه در سوره طه آمده - که عملی انجام داده بود که آن مجسمه گوساله که بنی اسرائیل به پرستش گرفته بودند صدائی - احتمالا مانند صدای گاو - در می آورد، که البته واضح است این نیز از نوع حقه های شعبده بازان است، یعنی این هم از نوع علم است .

هم کار اعضاء ستاد موسی (ع) در قضیه انتقال تخت ملکه سباء از یمن به فلسطین، و هم کار سامری در قضیه صدا در آوردن از مجسمه گوساله از نوع کار علمی بود.

در دستگاه سلیمان از نوع علم ها بود.

وقتیکه سلیمان مرد ، شیاطین و جن هائی که در آنجا به بیگاری گرفته شده بوند آزاد و راحت شدند و می باید مقداری از این نوع علم ها توسط آنها به سرقت رفته و مورد سوء استفاده آنها واقع شده باشد. که کار این سارقین آن نوع علم ها ممکن است به غلط سحر قلمدادشود که خطا است و در حقیقت از نوع علم است که توسط اشخاص ناصالح مورد سوء استفاده واقع میشود. اما این هم هست که تعداد این قبیل اشخاص آنقدر کم و آنها آنقدر نادرند که در حکم «لاموجود» میباشند.

## شیطان و نفوس شریر و شیخ و روح،

به صراحت قرآن کریم، شیطان قدرت هیچگونه تصرفی را در فیزیک این جهان ندارد، تنها حوزه عمل که برای او مجاز است حوزه ذهن است که میتواند در آنجا به وسوسه بپردازد - که آنهم محدود است به اذهان گناهگاران و بی ایمانان - و لذا اینهمه فیلم و کتاب و سریال و کارتون راجع به شیطان و ارواح شریر از قبیل کتاب «فاوست» (از گوته آلمانی) که مطابق آن، شیطان از راه وعده موفقیت دادن به یک جوان نا امید روح او را میخرد و مدتی یک زندگی موفق برایش تهیه میکند و وقتیکه موعدش تمام شد می آید روح او را ببرد که جوان به او کلک میزند و یک جوری سرش را به طاق میکوبد و داستان آن اسقف در داستان «گوژپشت نتردام» (از ویکتور هوگو فرانسوی) که عاشق آن دختر زیبا روی کولی میشود و وصل او را میخواهد که جواب مثبت نمی بیند و لذا به این جمع بندی میرسد که آن دختر مامور شیطان است که آمده شائن روحانی او را خراب کند و تصمیم به قتل دختر میگیرد و فیلم های «طالع نحس» (که در دو داستان سریال مانند و در دو فیلم، یکی با بازی گریگوری پک و دیگری رکس هاریسون) و «جن گیر» و... همه شان از دم دروغ و باطل و بی اساس است و ذره ای واقعیت ندارد و اصلاً جای نگرانی نیست.

از آن جالب تر داستان کشیشی است که در فیلم معجزه سوم مطرح است که او برای اینکه بتواند کارهای خیری مانند شفا دادن مریضان و امثال آن را انجام دهد روحش را به شیطان فروخت و به این ترتیب موفق به انجام معجزاتی شد. خیلی مضحک است که شیطان که ماموریتی جز ایجاد شرور ندارد یکی از پیروان خویش را کمک کند که او به کارهای خیر بپردازد، یعنی شیطان از شیطنت استعفا دهد!

حتی ساده ترین شکل جادو که «چشم زدن» و چشم خوردن باشد به شرحی که در

تفسیر خویش (در جلد سوم در ذیل آیه آخر سوره قلم در همان سایت) عرض کرده ایم خرافه است، و اصلی ندارد، و اینهمه تابلوهای «وان یکاد»، از آن لحاظ که کلام خدا است، بالای چشم جا دارد، اما از لحاظ باطل السحر بودن برای چشم زدن ذره ای به آن مربوط نیست و خرافه است، گرچه به این گستردگی در بین مردم شایع باشد.

شبح و روح هم که اینهمه در این فیلم ها و سریال ها مورد داستان سرائی های ترسناک شده و میلیاردها دلار به جیب سازندگان آنها سرازیر کرده است همچنین.

خیلی جالب است که این ارواح و اشباح ملیت اروپائی و امریکائی دارند و اتفاقات مربوط به آنها معمولاً در آن خطه ها روی میدهد و از اینهمه داستانهای روح و شبح در شرق اسلامی خبری نیست!

مطابق عقاید آنها کسی که کار «ناتمام»ی داشته باشد پس از مرگش روح او نا آرام است و آنقدر این در و آن در میزند و برای این و آن مزاحمت — های گاهی بسیار خطرناک — پیش می آورد تا بالاخره آن کار ناتمام او انجام شود.

آیات مربوط به برزخ بما میگوید مرگ نقطه قطع کامل ارتباط آدمی با این جهان است، و زندگی در عالم برزخ ادامه می یابد و هیچ ارتباطی با زندگی زمینی ندارد .

### و غیره

امروزه صدها شرکت و سازمان فیلم و سریال سازی — در همه جای این دنیا — دست اندرکار تولیداتی هستند که مستقیماً در ذهن میلیونها بینندگان خویش دلهره و اضطرابی که اساسش واهی و باطل و دروغ است ایجاد میکنند و در بسیاری از موارد

این اضطرابات در ذهن مخاطب ثابت و ماندگار میشود، و مطالب آنها عمدتاً چیزهایی است که فوقاً برشمرده شد یا ذیلاً برشمرده میشود:

فعالیت‌ها و تحقیقات برای خلق ورژن‌هایی از بشر دارای قدرت فوق‌العاده که کاری جز کشتار و جنایت در مقیاس فوق‌وسیع ندارند (مثلاً ترمیناتور و سرباز جهانی و ماتریکس و...) برای تسلط بر امور جهان و برده نمودن همگان،

فعالیت‌ها و تحقیقات برای تسلط عده‌ای قلیل بر کل شئونات زندگی بشر،

تولید انبوه ویروس‌ها و میکروب‌ها برای کسب قدرت بر آلودن محیط زیست و به خطر انداختن زندگی آحاد انسانی،

و یا سایر موضوعاتی که از آنها نام نبرده ایم ولی خودتان میتوانید حدس بزنید.

اما، قرآن، حاوی مطالبی است که «باطل السحر» همه آنها است، و ما، از باب «مشتی از خروار» و «کمی از بسیار»، به عنوان نمونه، ذیلاً بعضی از آیات آن را ذکر میکنیم:

**ماتسقط من ورقة الا باذنه** (هیچ برگ‌گی مگر به اذن او نمی افتد) [آیه ۵۹ سوره انعام]

**ما کان لنفس ان تموت الا باذنه** (هیچ کسی را نمیرسد که بمیرد مگر به اذن او) [آیه ۱۴۵ سوره آل عمران]

**ما کان لنفس ان تومن الا باذنه** (کسی را نمیرسد که ایمان بیاورد مگر به اذن او) [آیه ۱۰۰ سوره یونس]

**ما اصاب من مصیبه الا باذن الله** (هیچ مصیبتی جز به اذن خداوند نمیرسد) [آیه ۱۱ سوره تغابن]

**ما اصاب من مصیبه فی الارض و فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراهها**

(هیچ مصیبتی در زمین و در جان هایتان اصابت نمیکند مگر اینکه در کتابی هست  
— حتی — قبل از اینکه آن را بیافرینیم) [آیه ۲۲ سوره حدید]

**من یتوکل علی الله فهو حسبه** (هرکه به خداوند توکل کند همو وی را کفایت  
خواهد کرد) [آیه ۳ سوره طلاق]

**من یتوکل علی الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب** (هرکه به  
خداوند توکل کند همو برایش گریزگاهی قرار میدهد و از آنجائی که فکرش را هم  
نمیکند روزیش میدهد) [آیه های ۲ و ۳ سوره طلاق]

**قد جعل الله لکل شی قدر** (خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است) [آیه  
۳ سوره طلاق]

**ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و مساجد یدکر فیها الله**  
**کثیرا** (اگر اینطور نبود که خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع میکند  
حتما صومعه ها و معابد و مساجدی که خدا در آنها به فراوانی یاد میشود منهدم  
میشد) [آیه ۴۰ سوره حج]

**ولینصرن الله من ینصره** (و خداوند کسانی را که به راه او یاری میرسانند یاری میکند)  
[آیه ۴۰ سوره حج]

**ان تنصروا الله ینصرکم** (اگر راه خدا را یاری کنید یاریتان میکند) [آیه ۷ سوره  
محمد]

**حقا علینا نصر المومنین** (یاری مومنان در تعهد ما است) [آیه ۴۷ سوره روم]

**انا کل شی خلقناه بقدر** (البته همه چیز را به اندازه آفریده ایم) [آیه ۴۹ سوره قمر]

ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم (خداوند اوضاع و احوال مردمانی را تغییر نمیدهد تا اینکه آنها اوضاع و احوال شخصیت‌پیش را تغییر دهند) [آیه ۱۱ سوره رعد]

ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض (و اگر اهل قریه ها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند حتما بركات مهمی را از آسمان وزمین بر آنها می‌گشاییم) [آیه ۹۶ سوره اعراف]

اینها نمونه هایی از آیاتی است که معتقدین را به کوهی محکم و استوار تبدیل میکند، مانند پیامبرمان (ص) که در آن اوضاع و احوال، با امکاناتی تقریبا در حد صفر، به چنان موفقیتی رسید که میدانید چه ها بود و قرآن پر است از این نوع.

قرآن برای بشر قرن بیست و یکمی امروز، که چنان اضطرابات و نگرانی هائی دارد، چنین آیاتی را به عنوان نسخه شفابخش تجویز میکند.

### برخی رهنمودهای قرآنی برای بشر امروز در عرصه سیاسی

اینک که وارد فصل آخر این بحث شده ایم بجا است خلاصه ای از ابتدای این کتاب تا اینجا را به نحو ایجاز مروری کنیم :

قبل از اینکه وارد این بحث بشویم بهتر است ببینیم وضع فعلی بشر چیست؟

فسادِ عربانِ اکثریتِ قریب به اتفاقِ حاکمانِ جهان ، ناتوانی اکثر حاکمان جهان از حل مشکلات مهم، خرافات و بدفهمی های گسترده و عمیق در مفاهیم دینی، ظلم های عظیم و عمیق و گسترده رو به افزایش، خشونت افسارگسیخته رو به گسترش تقریبا در همه جا، خرابی وسیع و رو به گسترش محیط زیست، وقوع روزافزون جرائم و جنایات سازمان یافته در

حالت کاملاً عریان علیرغم وجود نهاد های پلیسی مجهز به تکنولوژی های پیشرفته، عادی شدن اخبار مرگ انبوه انسان ها در اثر گرسنگی، تفاوت زیاد سطح زندگی بطوری که عده کثیری دچار فقر سیاه و عده کمی برخوردار از رفاه های افسانه ای هستند و اکثریت مردم نیز که بین این دو حالت اند در حال دوندگی دائمی برای حفظ وضع موجود خویش می باشند، اعتیاد گسترده روزافزون به الکل و مواد مخدر و سایر مخدرهای شیمیائی نوظهور، انحطاط عمیق و گسترده اخلاقیات و اشاعه گسترده فسادهای جنسی و غیره و غیره.

بله ، این است وضع فعلی بشر!

در قرآن ، در باره آینده سیاسی بشر سه نکته واضح و برجسته گفته شده :

۱ : اینکه خداوند چنین میخواهد که «کسانی که در زمین ضعیف شمرده شده اند» (الذین استضعفوا فی الارض) ، «نعمت بسیار بزرگ به آنها داده شود» (ان نمَن علیهم) و «پیشوائی» (نجعلهم الائمة) داشته باشند و «وارث» (همه چیز) گردند (ونجعلهم الوارثین).

۲ : اینکه «زمین به بندگان شایسته الهی به ارث رسد» (ان الارض یرثها عبادی الصالحون)

۳ : اینکه دین مردم پاکسازی و خالص و صحیح شود (ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله)

البته فعلاً یک مقدماتی از وقوع این مژده ها به وقوع پیوسته،

مثلاً دموکراسی که شیوه حکومتی است که سرعت دارد پذیرفته میشود و با تخمین مقبولی میتوان گفت بزودی (و حد اکثر تا یک نسل دیگر) کاملاً فراگیر خواهد شد

یکی از نشانه های تحقق موضوعی است که با شماره ۱ مشخص کرده ایم .

از نشانه های دیگر همان موضوع این است که می بینیم زیدگان و نخبه های مدیران اقتصادی و سیاسی و رسانه ای این مطلب را درک کرده اند که تصمیمات مردم عادی است که جریان های مسلط دنیا را به وجود می آورد و آنها سعی میکنند مردم عادی را در جهت مطلوب های خویش به تصمیم برسانند و در این جهت حتی دروغ های بزرگ هم میگویند .

مثلا می بینیم اهالی رسانه به مردم دروغ میگویند تا به این تصمیم برسانندشان که — مثلا - کانال های تلویزیونی آنها را ترجیح دهند، و احزاب به مردم دروغ میگویند تا تشویقشان کنند که به کاندیدای آنها رای دهند، و عرضه کنندگان کالا و خدمات به مردم دروغ میگویند تا وادارشان کنند تقاضایشان را از بازار آنها تهیه کنند، و با این رفتار خویش «اعتراف عملی» میکنند که **پیشوایان جهان مردم و بلکه عادی ترین مردم** میباشند.

در مورد اصلاح و محدود کردن و قانونمند کردن و پاسخگو کردن صاحبان قدرت (یعنی موضوع شماره ۲ فوق) نیز رفتارهای خوبی دارد در کل جهان مشاهده میشود.

در مورد پالایش ادیان و مذاهب (موضوع شماره ۳) نیز امروز حرکات مهمی را به روشنی می بینیم که همگی در جهت زدودن خرافات و سعی در تشخیص اصل و اصول پیام های الهی است.

صرفنظر از اینکه ریشه های این سه جریان اصلی گرایش های بشری از کجا آب میخورد، سرخ های سه گانه مذکور بما میگوید این جریان ها و این گرایش های بشری اصیل و صحیح است و در آینده تعمیق و گسترش و پررنگ تر شدن آنها را خواهیم دید.

بله ، حرف در این موضوع زیاد است ، و فعلا بحث ما این است که قرآن برای بشر امروز چه رهنمودهایی دارد و چنانکه قبلا نشان داده ایم رهنمود های قرآن متنوع و هریک کاملا اساسی است و ما «از باب نمونه» و «مشتی از خروار» و «کمی از بسیار» برخی را برشمردیم و در این قسمت همان سه مطلبی که فوقا با شماره مشخص کرده ایم کافی است که بشر ناتوان و مایوسِ امروزی را نوید دهد که به این چنبره های در هم تنیده حصارهای موجود نگاه نکن، دین از حصار خرافات، و تو نیز از حصار بردگی مدرن بدر می آیی!

اگر کسی بپرسد مسیر این رهائی ها چیست؟ میگوئیم (مثلا) این آیه :

**ولو ان اهل القرى امنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض (اگر اهل قریه ها ایمان و تقوا در پیش گیرند حتما برکت های آسمان و زمین را بر آنها میگشائیم)**  
[آیه ۹۶ سوره اعراف]

با توجه به مفهوم قریه، در آیه فوق، که مفهوم **جوامع کوچک** را در خویش دارد چنین نتیجه میگیریم که علیرغم ظلماتی که کل زندگی بشر را احاطه کرده ( و در ابتدای این بحث شمه ای از آن را برشمردیم) برای برون رفت از این موقعیت ناپسند، تشکیل جمعیت های حتی کوچک در جهت دفع رذایل و کسب فضایل نیز مورد واکنش مثبت سیستم های جهانی و تعمیق و تقویت آن ها خواهد شد و این است راهی که اهداف سه گانه بشر (که در آن سرنخ های سه گانه ذکر شده) را متحقق خواهد نمود و این هم چیزی است که شروع آن را در قالب تشکیل NGO ها- که سرعت دارد گسترش می یابد - ناظریم .

البته در این مورد نیز NGO های خوب و بد داریم که در طول زمان مانند سایر زمینه های فعالیت های بشری، بدها حذف خواهند شد.

(فاما الزبد فيذهب جفائا واما ما ينفع الناس فيمكث في الارض - كف به كنار  
ميرود و آنچه برای مردم مفید است بجا میماند - سوره رعد)